دفتر اول

برنامه درس ملی جمهوری اسلامی

۱- مبانی فلسفی و علمی برنامه درسی ملی

مبانی فلسفی و علمی این برنامه همانند سایر اسناد همطراز خود مبتنی بر مبانی نظری سند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی (مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی) می‌باشد و از این مجموعه، آن بخش از مبانی که م به حوزهـــــی برنامه درسی دلالت دارد و به عنوان مبانی خاص برنامه درسی تلقی می‌شود، در پیوست آمده است.

۲- چشم‌انداز

برنامه‌های درسی و تربیتی آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران در راستای فرهنگ و تمدن اسلامی ــ ایرانی، با تکیه بر میراث گران‌بها و ماندگار رسول الله (ص) - قرآن کریم و عترت (ع)- تحقق جامعه عدل مهدوی (عج) و چشم‌انداز نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی در افق ۱۴۰۴ ۲ با بهره‌گیری از الگویی پیشرفته و بومی زمینه تربیت موحد، مؤمن و معتقد به معاد و آشنا و متعهد به مسئولیت‌ها و وظایف در برابر خدا،خود، دیگران و طبیعت، حقیقت جو و خردمند، دانش‌پژوه و علاقمند به علم و آگاهی، عدالت‌خواه و صلح جو، ظلم ستیز، جهادگر، شجاع و ایثارگر و وطن دوست، مهرورز، جمع‌گرا و جهانی اندیش، ولایت مدار و منتظر و تلاش‌گر در جهت تحقق حکومت عدل جهانی، با اراده و امیدوار، خود باور و دارای عزت نفس، امانتدار، دانا و توانا، پاکدامن و با حیا، انتخابگر و آزاد منش، متخلق به اخلاق اسلامی، خلاق و کار آفرین، مقتصد و ماهر، سالم و با نشاط، قانون مدار و نظم‌پذیر، وفاداربه ارزش‌های اسلامی، ملـی و انقلابی و آماده ورود به زندگی شایسته فردی، خانوادگی و اجتماعی بر اساس نظام معیار اسلامی را فراهم می‌سازد.

این برنامه‌ها دارای ویژگی‌های زیر است:

۱- مبتنی بر مبانی و ارزش‌ها و معارف اسلام ناب محمدی (ص) ؛
۲- برخوردار از یافته‌های معتبر علمی و پژوهشی با تأکید بر بومی‌سازی آن‌ها؛
۳- بهره‌مند از دستاوردها و یافته‌های علمی فرهنگ و تمدن اسلامی ــ ایرانی؛
۴- منسجم، متعادل، کارآمد، نشاط آفرین، پویا، انعطاف‌پذیر و مشارکت‌پذیر در تولید و اجرا؛
۵- ناظر به ویژگی‌ها، نیازها و فطرت الهی دانش‌آموزان و نیازهای اساسی جامعه؛
۶- بهره‌مند از تجربه‌های موفق ملی و جهانی با استفاده از ابزارها و شیوه‌های علمی و اثربخش؛
۷- برخوردار از رویکردی نوآورانه، آینده پژوهانه، واقع بینانه، متناسب با فطرت الهی انسان ؛
۸- تأکید کننده بر نقش مدرسه به‌عنوان جلوهای از تحقق مراتبی از حیات طیبه و زمینه‌ساز

۳- اصول ناظر بر برنامه‌های درسی و تربیتی

این اصول به صورت هماهنگ و درهم تنیده ناظر بر سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و مدیریت برنامه‌های درسی و تربیتی از سطح ملی تا سطح مدرسه است:

۳-۱- دین محوری

تمامی اجزا و عناصر برنامه‌های درسی و تربیتی باید مبتنی بر مبانی توحیدی و اصول و ارزش‌های اسلام ناب محمدی (ص)باشد. این اصل بر سایر اصول نیز حاکم می‌باشد.

۳-۲- تقویت هویت ملی

برنامه‌های درسی و تربیتی باید زمینه تقویت و پایداری هویت ملی را با تأکید بر تعمیق باورها و ارزش‌های اسلامی، فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، زبان و ادبیات فارسی، ارزش‌های انقلاب اسلامی، میهن دوستی، وحدت و انسجام فرهنگی، استقلال ملی و همبستگی اسلامی فراهم آورد.

۳-۳- اعتبار نقش یادگیرنده

برنامه‌های درسی و تربیتی باید به نقش فعال، داوطلبانه و آگاهانه دانش‌آموز در فرآیند یاددهی ـــــ یادگیری و تربیت‌پذیری توجه نماید و زمینه تقویت و توسعه روحیه پرسشگری، پژوهشگری، خلاقیت و کارآفرینی را در وی فراهم سازد.

۳-۴- اعتبارنقش مرجعیت معلم (مربی)

برنامه‌های درسی و تربیتی باید به نقش مرجعیت۲ معلم در هدایت تربیتی برای تقدم تزکیه بر تعلیم، غنی‌سازی محیط تربیتی و یادگیری، فعال‌سازی دانش‌آموزان در فرآیند یادگیری و تربیت‌پذیری و ترغیب آنان نسبت به یادگیری مستمر توجه نماید. همچنین زمینه‌ی ارتقاء صلاحیت‌های اعتقادی،اخلاقی،حرفه‌ای و تخصصی معلم را فراهم سازد.

۳-۵- اعتبار نقش پایه‌ای خانواده

برنامه‌های درسی و تربیتی باید ضمن تقویت بنیان خانواده و تحکیم مناسبات خانوادگی و صله رحم، زمینه کسب شایستگی‌ها و مهارت‌های لازم برای تشکیل و مدیریت خانواده مبتنی بر ارزش‌ها و معارف الهی و تعمیق آداب و سبک زندگی اسلامی ــ ایرانی دانش‌آموزان را فراهم آورد.

۳-۶- جامعیت

برنامه‌های درسی و تربیتی باید به نیازهای گوناگون دانش‌آموزان و جامعه در سطوح محلی، منطقه‌ای، ملی و جهانی در کلیه ساحت‌های تعلیم و تربیت تأکید کند.

۳-۷- توجه به تفاوت‌ها

برنامه‌های درسی و تربیتی باید ضمن تأکید بر ویژگی‌های مشترک، به تفاوت‌های ناشی از محیط زندگی (شهری، روستایی، عشایری، فرهنگی و جغرافیایی)،جنسیتی و فردی دانش‌آموزان (استعدادها، توانایی‌ها، نیازها و علایق) توجه کرده و از انعطاف لازم برخوردار باشد.

۳-۸- تعادل

برنامه‌های درسی و تربیتی باید به رعایت تعادل و پرهیز از افراط و تفریط و رعایت تناسب و توازن در توجه به ساحت‌های تعلیم و تربیت، هدف ومحتوا و بهره‌گیری از روش‌های متفاوت در طراحی، تولید، اجرا و ارزش‌یابی از برنامه‌ها پایبند باشد.

۳-۹- یادگیری مادامالعمر

برنـامه‌های درسی و تربیتی باید زمینه کسب شایستگی‌ها و مهارت‌های لازم برای استمرار و معنادار شدن یادگیری و پیوستگی تجارب یادگیری در زندگی را برای دانش‌آموزان تأمین کند.

۳-۱۰- جلب مشارکت و تعامل

فرآیند برنامه‌ریزی درسی و تربیتی باید زمینه مشارکت و تعامل مؤثر معلمان، دانش‌آموزان، خانواده‌ها و سایرگروه‌های ذینفع، ذیربط و ذیصلاح را در طراحی، تولید، اجرا و ارزش‌یابی برنامه‌ها فراهم نماید.

۳-۱۱- یکپارچگی و فراگیری

برنامه‌های درسی و تربیتی باید برای تمام دانش‌آموزان (دانش‌آموزان عادی، دانش‌آموزان با نیازهای ویژه و استعدادهای درخشان) به‌صورت به هم پیوسته و یکپارچه طراحی و تدوین شود. این برنامه‌ها باید با رعایت انعطاف پذیری، با نیازهای هریک از گروه‌های دانش‌آموزان با نیازها و استعدادهای خاص انطباق و سازگاری داده شود.

۴- رویکرد و جهت‌گیری کلی

رویکرد برنامه‌های درسی و تربیتی «فطرت گرایی توحیدی» است. اتخاذ این رویکرد به معنای زمینه‌سازی لازم جهت شکوفایی فطرت الهی دانش‌آموزان از طریق درک و اصلاح مداوم موقعیت۳ آنان به منظور دست‌یابی به مراتبی از حیات طیبه است.

در این رویکرد: ۱-۴- دانش‌آموز:

۱- امانت الهی و دارای کرامت ذاتی است.

۲- فطرت الهی در وجود او نهفته است و قابلیت شکوفایی و فعلیت یافتن دارد.

۳- همواره در موقعیت است و می‌تواند آن را درک کرده و با انتخاب احسن خویش در راستای اصلاح مداوم آن حرکت نماید.

۴- توانایی انتخاب، تصمیم‌گیری و خویشتن داری دارد و می‌تواند با محیط یادگیری، رابطه تعاملی برقرار کند و تابع بی چون و چرا و مقهور محیط نیست.

۵- از اراده و انگیزه برخوردار است که در فرآیند یاددهی ــ یادگیری، نقش اساسی دارد.
۶- درفرآیند یاددهی - یادگیری و تربیت‌پذیری و توسعه شایستگی‌های خویش به لحاظ ذاتی نقش فعال دارد.
۷- دارای قابلیت‌ها، تجربیات، ظرفیت‌ها و توانایی‌های گوناگون است.

۲-۴- معلم(مربی):

۱ــ در مسیر راه انبیا و ائمه اطهار(ع)، اسوهای امین و بصیر برای دانش‌آموزان است.
۲- با شناخت و بسط ظرفیت‌های وجودی دانش‌آموزان و خلق فرصت‌های تربیتی و آموزشی زمینه درک و انگیزه اصلاح مداوم موقعیت آنان را فراهم می‌سازد.
۳- زمینه‌ساز رشد عقلانی، ایمانی، علمی، عملی و اخلاقی دانش‌آموزان است
۴-راهنما و راهبر فرآیند یاددهی ــ یادگیری است.
۵- برای خلق فرصت‌های تربیتی و آموزشی مسئولیت تطبیق، تدوین، اجرا و ارزش‌یابی برنامه‌های درسی و تربیتی در سطح کلاس را بر عهده دارد.
۶- یادگیرنده و پژوهشگر آموزشی و پرورشی است.

۳- ۴- محتوا

۱- مبتنی بر ارزش‌های فرهنگی و تربیتی و سازوار با آموزه‌های دینی و قرآنی، مجموعه‌ای منسجم و هماهنگ از فرصت‌ها و تجربیات یادگیری است که زمینه شکوفایی فطرت الهی، رشد عقلی و فعلیت یافتن عناصر و عرصه‌ها را به‌صورت پیوسته فراهم می‌آورد.
۲- دربرگیرنده مفاهیم و مهارت‌های اساسی و ایده‌های کلیدی مبتنی بر شایستگی‌های مورد انتظار از دانش‌آموزان است.
۳ــ برگرفته از یافته‌های علمی و معتبر بشری است.
۴- متناسب با نیازهای حال و آینده، علایق، ویژگی‌های روانشناختی دانش‌آموزان، انتظارات جامعه اسلامی و زمان آموزش است.

۴-۴- یاد دهی - یادگیری:

۱- فرآیندی زمینه‌ساز برای ابراز گرایش‌های فطری، شناخت موقعیت یادگیرنده و اصلاح مداوم آن است.
۲- یادگیری حاصل تعامل خلاق، هدفمند و فعال یادگیرنده با محیط‌های متنوع یادگیری است.
۳- دیدگاه دانش‌آموزان را به‌طور معنادار نسبت به ارتباط با خود، خداوند، دیگران و مخلوقات، تحت تأثیر قرار دهد.

۵-۴- ارزش‌یابی:

۱- به‌صورت مستمر تصویری روشن و همه جانبه از موقعیت کنونی دانش‌آموز، فاصله او با موقعیت بعدی و چگونگی اصلاح آن متناسب با ظرفیت‌ها و نیازهای وی ارائه می‌کند.

۲- زمینه انتخاب‌گری، خود مدیریتی و رشد مداوم دانش‌آموز را با تأکید بر خود ارزیابی فراهم می‌کند و بهره‌گیری از سایر روش‌ها را زمینه ساز تحقق آن می‌داند.
۳- ضمن حفظ کرامت انسانی، کاستی‌های یادگیری را فرصتی برای بهبود موقعیت دانش‌آموز می‌داند.
۴- کاستی‌های یادگیری را فرصتی برای بهبود و اصلاح نظام آموزشی می‌داند.

۶-۴- محیط یادگیری:

۱- با بهره‌گیری از ظرفیت‌های نظام هستی،محیطی امن، منعطف، پویا، برانگیزاننده و غنی را برای پاسخگویی به نیازها، علایق و ویژگی‌های دانش‌آموزان تدارک می‌بینند.
۲- مدرسه محیط یادگیری پایه و اصلی است؛ اما یادگیری به آن محدود نمی‌شود و سایر محیط‌ها نظیر محیط‌های اجتماعی، طبیعی،اقتصادی،صنعتی و فرهنگی را نیز در بر می‌گیرد.
۳- با بهره‌گیری از ظرفیت و قابلیت محیط‌های مجازی و رسانه‌ها، زمینه بهبود موقعیت دانش‌آموزان و ارتقای کیفیت فرایند یاددهی ــ یادگیری را فراهم می‌آورد.
۴- خانواده از محیط‌های مهم و اثربخش تربیت و یادگیری بشمار می‌آید که در تعامل مستمر و مؤثر با مدرسه می‌باشد.

۷-۴- مدیرمدرسه:

۱- معلمی مؤمن، خلاق، متعهد، منعطف،اهل فکر، آینده نگر، مشارکت‌پذیر، راهبر تربیتی، مدیر و مدبر و دارای سعه صدر و صلاحیت‌های حرفه‌ای است.
۲- مسئولیت تأمین و توسعه محیط یادگیری را برای شکوفایی گرایش‌های فطری دانش‌آموزان بر عهده دارد.
۳- مسئولیت خلق موقعیت‌های تربیتی و آموزشی، انطباق یا تدوین، اجرا و ارزش‌یابی برنامه‌های درسی و تربیتی را در سطح مدرسه بر عهده دارد.
۴- با برقراری روابط صحیح، سازنده و پویا، امکان درک و اصلاح مداوم موقعیت را برای کلیه عوامل (کارکنان و خانواده‌ها) و دستیابی به سازمان یادگیرنده فراهم می‌سازد.
۵- از اختیارات متناسب برای پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری در کلیه امور مدرسه برخوردار است.

۵- الگوی هدف گذاری

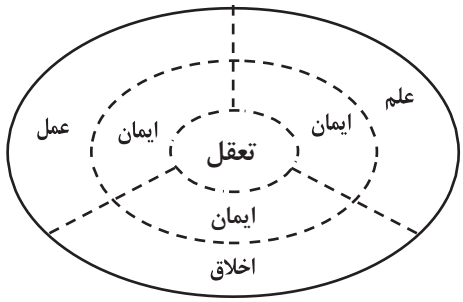
در هدف گذاری برنامه‌های درسی و تربیتی، شکوفایی فطرت و دستیابی به شئون مختلف حیات طیبه، جامعیت، یکپارچگی و توجه متوازن به ساحت‌های شش گانه تعلیم و تربیت مبنا قرار گرفته است که در قالب چارچوب مفهومی منسجم و یکپارچه‌ای در تدوین اهداف سطوح مختلف، راهنمای عمل برنامه‌ریزان و مجریان خواهد بود.

در الگوی هدف‌گذاری پنج عنصر: تعقل، ایمان، علم، عمل و اخلاق و چهار عرصه ارتباط دانش‌آموز با خود، خدا، خلق و خلقت به صورت بهم پیوسته و با محوریت ارتباط با خدا تبیین و تدوین می‌شوند.

عناصر پنج‌گانه در شبکه‌ای مفهومی، مرتبط و به هم تنیده تبیین می‌شوند و در فرآیند عملی تربیت هر کدام از این عناصر، متناسب با نیازها و شرایط دانش‌آموز می‌توانند سرآغاز سیر تربیتی

دانش‌آموز باشند و سایر عناصر را تقویت و تعمیق نمایند. در میان عناصر پنج‌گانه، عنصر تعقل جنبه محوری دارد

و سایرعناصر پیرامون آن تعریف و تبیین می‌شوند که هر کدام از آن‌ها نیز دارای مراتب معینی است.



۶- هدف کلی برنامه‌های درسی و تربیتی

تربیت یکپارچه عقلی، ایمانی،علمی، عملی و اخلاقی دانش‌آموزان به گونه‌ای که بتوانند موقعیت خود را نسبت به خود، خدا، دیگر انسان‌ها و نظام خلقت به‌درستی درک و توانایی اصلاح مستمر موقعیت فردی و اجتماعی خویش را کسب نمایند.

انتظار می‌رود دانش‌آموزان طی دوره تحصیلات مدرسه‌ای، در مجموعه عناصر پنج‌گانه‌ی الگوی هدف‌گذاری، به مرتبه‌ای از شایستگی‌های پایه دست یابند. این شایستگی‌ها بیان تفصیل یافته‌ای از هدف کلی برنامه‌های درسی و تربیتی است.

۷- شایستگی‌های پایه

۱-۷- تعقل:

۱- درک وجود خود، نیازها، توانمندی‌ها، ظرفیت‌ها و ابعاد هویت متعالی خویش؛
۲- بصیر نسبت به آثار و پیامدهای سبک زندگی خود؛
۳- تدبر در صفات، افعال و آیات خداوند متعال به‌عنوان خالق هستی؛
۴- تدبر در نظام خلقت و شگفتی‌های آن.

۲-۷- ایمان:

۱- ایمان آگاهانه به توحید، نبوت، معاد، امامت، عدل، عالم غیب و حیات جاودانه؛
۲- باور به ربوبیت و حضور حکیمانه همراه با لطف و رحمت خالق یکتا در عرصه هستی؛
۳- ایمان به انبیاء الهی، قرآن، پیامبر خاتم(ص)، ائمه معصومین علیهم‌السلام و ولایت مطلقه فقیه و نقش بی‌بدیل آن‌ها در هدایت و رستگاری بشر؛
۴- باور به نقش دین مبین اسلام و نظامات آن به عنوان تنها مکتب جامع و کارآمد برای تحقق حیات طیبه؛

۵- ایمان به ارزشمندی، هدفمندی و قانون‌مندی خلقت و باور به زیبایی‌های جهان آفرینش به‌عنوان مظاهر فعل و جمال خداوند؛
۶- ایمان به هویت الهی انسان، کرامت او و توانمندی‌های جمعی و فردی انسان.

۳-۷- علم:

۱- شناخت خود، ظرفیت‌ها و هویت خویش؛
۲- شناخت حق تعالی، صفات، افعال و آیات الهی، معارف دینی و منابع آن؛
۳- علم نسبت به پدیده‌ها، روابط، رویدادها و قوانین جهان آفرینش و چگونگی برقراری ارتباط انسان با آن‌ها و بهره‌برداری بهینه از آنان؛
۴- علم نسبت به روابط، نقش‌ها، حقوق و وظایف خود و افراد و اهمیت آن‌ها در زندگی اجتماعی؛
۵- علم نسبت به گذشته و حال جوامع بشری به ویژه فرهنگ و تمدن اسلام و ایران؛
۶- آشنایی با ویژگی‌های نظام مردم سالار دینی و جایگاه و رسالت جهانی ایران اسلامی؛
۷- آشنایی با روش‌های رمزگشایی پدیده‌ها و رمز گردانی آن‌ها و ابراز آن به زبان زیباشناسی و

۴-۷- عمل:

۱- عمل به آموزه‌های دینی و انجام آگاهانه و مؤمنانه واجبات و ترک محرمات؛
۲- به‌کارگیری ظرفیت‌های وجودی خود برای دست‌یابی به هویت متعادل و یکپارچه درمسیر رشد و تعالی خود و جامعه؛
۳- بکارگیری آداب و مهارت‌ها و سبک زندگی اسلامی ــ ایرانی؛
۴- به‌کارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات درکار و زندگی؛
۵- بهره‌گیری از مهارت‌های پایه برای شکل‌دهی هویت حرفه‌ای آینده خود به‌صورت مولد و کار آفرین؛
۶- بهره‌گیری آگاهانه از یافته‌های علمی،هنری، فنی، حرفه‌ای و بهداشتی و زیستی و تلاش مؤثر برای تولید و توسعه آن‌ها؛
۷- حفظ و تعالی محیط زیست، میراث فرهنگی و سرمایه‌های طبیعی ؛
۸- به‌کارگیری مهارت‌های زبان و ادبیات فارسی و زبان عربی به عنوان زبان دین؛
۹- به‌کارگیری مهارت‌های یک زبان خارجی در چارچوب بخش انتخابی (نیمه تجویزی) برنامه درسی، با رعایت اصل تثبیت و تقویت هویت اسلامی ــ ایرانی.

۵-۷- اخلاق:

۱- رعایت تقوی الهی در تمام شئون زندگی فردی و اجتماعی ؛
۲- متعهد به ارزش‌های اخلاقی از جمله: صدق، صبر، احسان و رأفت، حسن خلق، حیا، شجاعت، خویشتن‌داری، قدر شناسی، رضا، عدالت، قناعت، نوع دوستی و تکریم والدین و معلم در شئون و مناسبات فردی و اجتماعی؛
۳- ارزش قائل شدن برای کار و معاش حلال و داشتن روحیه تلاش مستمر؛

۴- ارزشمند دانستن عالم، علم آموزی و یادگیری مادام العمر؛
۵- تقدم بخشیدن منافع ملی بر گروهی و منافع جمعی بر فردی؛
۶- ارزش قائل شدن برای مخلوقات هستی و محیط زیست؛
۷- التزام به اصول و ارزش‌های اخلاقی در استفاده از علوم و فنآوری‌های نوین.
۸- حوزه‌های تربیت و یادگیری

حوزه‌های تربیت و یادگیری، حدود محتوایی، روش‌ها، فرآیندها، و عناصر کلیدی یادگیری را روشن می‌سازند. این حوزه‌ها با یکدیگر ارتباط داشته لیکن عناوین موضوعات درسی در دوره‌ها و پایه‌های تحصیلی لزوما معادل عناوین حوزه‌ها نخواهد بود و مفاهیم حوزه‌های یادگیری به صورت تلفیقی ارائه خواهد شد. ملاحظات و مفروضات اولیه در استنباط و تعیین حوزه‌های یادگیری، ارتباط آن‌ها با هدف کلی برنامه درسی ملی، الگوی هدف‌گذاری ؛ شایستگی‌های پایه؛ هم‌خوانی با اسناد فرادستی و هماهنگی با اصول حاکم بر برنامه است.

اهداف هر یک از حوزه‌های یادگیری از منابع زیر اخذ خواهند شد:

الف) اهداف دوره‌های تحصیلی؛
ب) شایستگی‌های پایه؛
ج) اهداف خاص حوزه یادگیری؛
د) اهداف مرتبط با سایر حوزه‌ها ؛

۱- ۸- عناوین حوزه‌های تربیت و یادگیری:

۱- حکمت و معارف اسلامی؛
۲- قرآن و عربی؛
۳- زبان و ادبیات فارسی؛
۴- فرهنگ و هنر؛
۵- سلامت و تربیت بدنی؛
۶- کار و فن‌آوری؛
۷- علوم انسانی و مطالعات اجتماعی؛
۸- ریاضیات؛
۹- علوم تجربی؛
۱۰- زبان‌های خارجی؛
۱۱- آداب و مهارت‌های زندگی و بنیان خانواده.

۲- ۸- بیانیه حوزه‌های تربیت و یادگیری:

۱ــ حوزه تربیت و یادگیری حکمت و معارف اسلامی

دین اسلام، که از جانب خدای متعال بر پیامبر اکرم (ص) نازل شده شامل اعتقادات، اخلاق، احکام و کلیه نظاماتی است که انسان‌ها برای رسیدن به مقصد متعالی خود بدان نیاز دارند. منابع اخذ معارف

اسلامی، قرآن کریم، سنت و سیره پیامبر گرامی اسلام و جانشینان معصوم آن بزرگوار- صلوات الله علیهم - و عقل است. تعقل به معنای قدرت تجزیه و تحلیل و ربط دادن قضایا و سنجش و ارزیابی یافته‌ها بر اساس نظام معیار (اسلام) است که از طرق معتبر به‌دست آمده است. حکمت به معنای علم متین، محکم و استوار دستاورد قوه تعقل است. حکمت و بصیرت زمانی به‌وقوع می‌پیوندد که فرد در فرآیند صحیح تفکر با هدایت و رهبری عقل سلیم و نقل صحیح قرار گیرد. ایمان مبتنی بر تفکر، اساس اعمال دینی است و هیچ عمل دینی بی حضور تفکر و تعقل معنا و مفهوم ندارد. تفکر، مطالعه و پژوهش اساس معرفت دینی را تشکیل می‌دهد.

ضرورت و کارکرد حوزه: مهم‌ترین هدف تشکیل نظام اسلامی به طور اعم و نظام آموزشی به‌طور اخص، تربیت دینی - به معنای عمیق و گسترده آن- است. دین مقدس اسلام برنامه جامع تربیتی انسان برای عبودیت و تقرب الی الله است. تعمیق معرفت و ایمان متربیان به اعتقادات، اخلاق و احکام الهی که همان معرفت و ایمان به دین اسلام است، مهم‌ترین رسالت تعلیم و تربیت در نظام اسلامی است. حوزه یادگیری حکمت و معارف اسلامی بستری برای تقویت اندیشه، ایمان و عمل دینی و برنامه‌ریزی برای دست‌یابی به معرفت نسبت به برنامه جامع تربیتی انسان است تا به متربیان، میزانی از آگاهی درباره اسلام را بدهد تا بتوانند بر اساس آن زندگی فردی و اجتماعی خود را بر محور بندگی خدا سامان بدهند، فرد را توانمند سازد که به‌گونه‌ای فعال، جامعه را به‌سوی آرمان‌های اسلامی سوق دهد و در برابر آسیب‌های اعتقادی، اخلاقی، فرهنگی، سیاسی واجتماعی، ایستادگی و مقاومت کند و به او این توانایی را بدهد که در آینده در تربیت فرزندان خود موفق و در تعالی جامعه مشارکت مؤثر داشته باشد.

حیات انسان، یک حیات فکری است و تفکر، استعدادی الهی است که در اثر تربیت به فعلیت می‌رسد و انسان می‌تواند در پرتو تقوای الهی، با متعادل کردن قوای درونی خویش، از آن در مسیر فطرت توحیدی بهره‌برداری کند. لذا فرآیند تربیت باید به‌گونه‌ای باشد که طی آن تفکر و تعقل و حکمت پرورش یابد. تقویت این توانایی، ایمان، باور، دانش و عملکرد انسان را تحت تأثیر قرار داده و زمینه تعالی او را فراهم می‌سازد. فرآیند اصلی در عمل اختیاری و آگاهانه انسان که باید در معارف اسلامی مورد نظر باشد فرآیند شناخت فکورانه، ایمان آگاهانه و عمل ارادی است. عملی ارزشمند است که حاصل ایمان به دین باشد؛ ایمانی که مبتنی بر معرفت و شناخت و حاصل تفکر و تعقل فرد باشد.

قلمرو حوزه: حوزه یادگیری حکمت و معارف اسلامی بخشی از رسالت یاد شده را در مجموعه برنامه‌های درسی بر عهده دارد، این حوزه می‌تواند زمینه لازم برای درک، تدبر، تأمل، تفقه و بصیرت در دانش‌آموزان را فراهم کند و در نهایت، سبب شود تا فرد رفتار حکیمانه‌ای از خود بروز دهد. محدوده این آموزش، آن است که دانش‌آموزان دین را به‌عنوان راهنمای عمل و برنامه زندگی بشناسند و براساس آن، برنامه‌ریزی و عمل نمایند. این معارف شامل سه بخش زیر است:

الف) اعتقادات: در حد شناخت عقلانی اصلی‌ترین موضوعات اعتقادی شامل توحید، معاد، عدل، نبوت و امامت، ولایت فقیه، نظام خلقت و مسائل مبتلا به مربوط به آن‌ها، بدون طرح جزئیات تخصصی

هر موضوع است؛ در واقع حکمت نظری، یعنی دانش درباره واقعیت‌ها (هست‌ها)، موضوع این بخش از محتوا است.

ب) اخلاق: در حد شناخت مسائل و موضوعات اصلی اخلاقی و التزام به آن که در تکوین شخصیت انسان نقش محوری دارند و با توجه به مسئله‌ها و چالش‌های اخلاقی روز؛ یعنی حکمت عملی که درباره بهترین رفتار انسان برای رسیدن به سعادت و کمال (بایدها و نبایدها) است موضوع این بخش از محتوا می‌باشد.

ج) احکام: در حدی که هر فرد مکلف به‌طور معمول در زندگی فردی و اجتماعی خود بدان نیاز دارد و در صورت عدم اطلاع قبلی از آن‌ها در انجام وظایف شرعی دچار مشکل می‌شود.

نتایج یادگیری دانش‌آموزان در حوزه حکمت و معارف اسلامی در پایان دوره‌های تحصیلی عبارتـاند از:

- آمادگی برای دینداری و عمل به وظایف دینی مبتنی بر ایمان توأم با معرفت و شناخت؛
- احساس خرسندی و رضایت از هویت اسلامی خود و علاقه و تلاش برای حفظ آن؛
- تلاش برای رشد شعائر و فرهنگ دینی جامعه در شرایط مختلف اجتماعی؛
- احساس مسئولیت نسبت به نظام اسلامی و مشارکت در پیشرفت نظام و اقتدار و سربلندی آن در جهان؛
- بهره‌مندی از حکمت نظری و عملی.

۲- حوزه تربیت و یادگیری قرآن و عربی

دین اسلام، راه هدایت انسان‌ها به سوی کمال و رستگاری است. خداوند با هدایت خود انسان را به راه و مسیر حرکت به سوی کمال راهنمایی می‌کند. یکی از منابع اخذ معارف اسلامی، قرآن کریم است. قرآن کریم کتاب هدایت انسان‌ها است.

ضرورت و کارکرد حوزه: تعمیق معرفت و ایمان دانش‌آموزان به اعتقادات، اخلاق و احکام الهی که همان معرفت و ایمان به دین اسلام است، مهم‌ترین رسالت تعلیم و تربیت در نظام اسلامی است. قرآن کریم، به عنوان منبع وحی الهی و منبع اصلی اعتقادات، اخلاق و احکام است. توانایی خواندن همراه با درک معنا، تدبر در قرآن و انس با آن، سبب ورود هر فرد مسلمان به دریای معارف اسلامی است. یادگیری زبان عربی به عنوان زبان قرآن سبب می‌شود که فرد بتواند به‌طور مستقیم با کتاب الهی ارتباط برقرار کند، آن را بفهمد و از رهنمودهای آن بهره ببرد. همچنین آموزش این زبان سبب می‌شود که متربیان بتوانند از معارف اهل بیت علیهم‌السلام و فرهنگ غنی اسلام استفاده کنند. از سوی دیگر زبان و ادبیات فارسی با زبان عربی درآمیخته است و آشنایی با زبان عربی در یادگیری زبان فارسی تأثیر خواهد داشت.

قلمرو حوزه: حوزه یادگیری قرآن و عربی شامل دو حوزه محتوایی آموزش قرآن کریم و آموزش عربی است و حد نهایی یادگیری در این دروس به شرح زیر است:

الف) توانایی خواندن صحیح و روان قرآن کریم؛

ب) توانایی درک معنای عبارات ساده و پرکاربرد قرآن کریم؛

ج) توانایی نسبی تدبر در آیات قرآن کریم به‌منظور درک ساده و اولیه دقایق و ظرائف مفاهیم آیات، بدون آموزش تخصصی علوم قرآنی؛

د) انس مستمر و دائمی با قرآن کریم، به نحوی که دانش‌آموزان، اهل خواندن و تفکر در قرآن باشند و این امر را لازمه تربیت دینی و اعتلای هویت الهی خویش بدانند.

آشنایی با زبان عربی و مشخصا مهارت‌های چهارگانه زبانی یعنی خواندن، گوش کردن، نوشتن و سخن گفتن در این حوزه به میزانی است که دانش‌آموز را در درک معنای آیات قرآن کریم، کلام معصومین و متون دینی و فرهنگ اسلامی کمک کند و در تقویت زبان فارسی او مؤثر باشد.

این دو حوزه محتوایی، ارتباط وثیقی با یکدیگر دارند و برنامه‌ریزی آن‌ها باید هماهنگ و مرتبط با هم صورت گیرد و از اهداف، محتوا و روش‌های مشترک و نیز مطالب مکمل و تأیید کننده همدیگر استفاده مطلوب به عمل آید.

جهت‌گیری‌های کلی در سازماندهی محتوا و آموزش حوزه‌های تربیت و یادگیری «حکمت و معارف اسلامی» و «قرآن و عربی»

سازماندهی محتوای حوزه‌های حکمت ومعارف اسلامی و قرآن و عربی در دوره ابتدایی به‌صورت تلفیقی است. در دوره متوسطه اول حتی‌الامکان به‌صورت مجزا لیکن هماهنگ و در دوره متوسطه دوم، بجز در رشته علوم و معارف اسلامی، به صورت تلفیقی و درس عربی به‌صورت مجزا ارائه می‌شود. در رشته علوم و معارف اسلامی نیز درس‌های اختصاصی در حوزه معارف اسلامی ارایه می‌شود.

۳- حوزه تربیت و یادگیری زبان و ادبیات فارسی

این حوزه شامل دو بخش زبان و ادبیات است. زبان، فرآیندی است که از درک و دریافت سخن آغاز می‌شود و به تولید کلام معنادار می‌انجامد. ادبیات، تولیدی مرکب و چند سطحی است که واج، واژه، معناو نحو، سطح و جنبه هنری را نیز شامل می‌شود. کارکرد هنری زبان در قالب ادبیات ظاهر می‌شود.

ضرورت و کارکرد حوزه: زبان و ادبیات فارسی، رمز هویت ملی و سبب پیوستگی و وحدت همه اقوام ایرانی وگنجینه گران ارجی است که گذشته را به حال و آینده پیوند می‌دهد. در این حوزه، دانش‌آموزان با پیکره نظام مند و عناصر سازه‌ای زبان به‌گونه‌ای روشمند و علمی آشنا می‌شوند و توانایی خلق و نگارش و آفرینش در این حوزه را کسب می‌کنند.

بنیاد ارتباط انسان با دیگران بر زبان است. آموزش زبان بستر مناسبی را برای پرورش مهارت‌ها و ارزش‌های اخلاقی دانش‌آموزان در قالب‌های متنوع زبان و ادبیات به‌صورت شفاهی، دیداری و نوشتاری و برای مقاصد و مخاطبان گوناگون فراهم می‌کند که شامل یادگیری زبان، یادگیری از طریق زبان و یادگیری درباره زبان می‌باشد. بیشترین فعالیت روزمره ما هنگام گفت‌وگو با دیگران و استفاده از رسانه‌ها توسط زبان شکل می‌گیرد. زبان دو کارکرد اصلی دارد:

۱- ابزاری برای ارتباط در مراودات اجتماعی،

۲- ابزاری برای ایجاد زیبایی هنری که همان ادبیات است. از زبان برای هدف‌های گوناگون استفاده می‌شود، از جمله برای برآوردن نیازهای روزمره، تأثیرگذاری بر افکار و رفتار دیگران، ایجاد تفاهم در روابط اجتماعی، انجام تحقیق و کسب اطلاعات، آشنایی با پیشینه فرهنگی، حفظ آداب و رسوم قومی -

محلی، احساس تعلق و ایجاد هویت ملی، قدرت بیان عقاید شخصی، دریافت ایده‌ها و افکار، بیان تخیلات و بدیعه‌گویی، و دادن اطلاعات در زمینه‌های گوناگون.

زبان بستری برای تفکر است. پرورش مهارت‌های زبانی زمینه درک مفاهیم در سایر متون و موضوعات درسی را فراهم کرده، به رشد مهارت‌های اجتماعی، شخصی، ذهنی، ارتباطی، فرهنگی، مطالعه و پژوهش و ارزش‌های اخلاقی کمک می‌کند.

قلمرو حوزه: آموزش زبان و ادبیات فارسی بر چهار مهارت زبانی گوش دادن، سخن گفتن، خواندن و نوشتن از طریق رمزگشایی و رمزگذاری نمادهای آوایی (شنیداری) و خطی(دیداری) و مهارت‌های فرازبانی (تفکر، نقد و تحلیل) و چگونگی کاربست آن‌ها و نیز ادبیات فارسی تأکید دارد. در این حوزه، دانش‌آموزان به فهم زبان، باورها، ارزش‌ها و نگرش‌ها، ساختار زبانی، جایگاه و گشتار زبان فارسی و پیکره نظام‌مند و عناصر سازهای و عوامل هنری و زیبایی در منابع اصیل و ادبیات کهن و معاصر دست می‌یابند.

آموزش زبان و ادبیات فارسی، با رویکرد ارتباطی انجام می‌گیرد و بر انتقال ارزش‌های فرهنگ اسلامی ــ ایرانی تأکید دارد. زبان در بستر تجربیات ارتباطی طبیعی، بیشتر و بهتر آموخته می‌شود. لذا قانونمندی‌های زبانی شامل تلفظ کلمات، ساخت کلمات و ساخت دستوری، از طریق کسب تجربیات واقعی و وابسته به موقعیت‌های فرهنگی دانش‌آموزان صورت می‌گیرد. این امر خصوصا در سال‌های اولیه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مجموعه تجربیات ارائه شده در قالب‌های گوناگون زبان و ادبیات فارسی، دانش‌آموزان را افرادی پایبند به ارزش‌های ملی و دینی و متخلق به آداب و اخلاق متعلق به این سرزمین می‌پرورد، و آنان را در حفظ فرهنگ و تمدن خویش توانمند می‌کند.

جهت‌گیری‌های کلی در سازماندهی محتوا و آموزش حوزه: در سازماندهی محتوا در دوره ابتدایی عمدتا کارکرد ارتباطی زبان مورد توجه قرارمی‌گیرد و کارکرد هنری زبان صرفا با هدف لذت بردن از زبان دنبال می‌شود. در دوره‌های تحصیلی بالاتر توجه به کارکرد هنری زبان با هدف انتقال ارزش‌های فرهنگی و رشد و تقویت توانمندی‌های هنری متربیان و کسب هویت ملی صورت می‌گیرد.

۴- حوزه تربیت و یادگیری فرهنگ و هنر

فرهنگ، مهم‌ترین و غنی‌ترین منبع دست‌یابی به هویت است و از طریق جهت دادن به شیوه زندگی، امکان هویت‌یابی را به صورت فردی و جمعی فراهم می‌کند. فرهنگ شامل: باورها و ارزش‌ها، تاریخ گذشته، مفاخر ملی، آداب و سنت‌ها، قوانین، آثار باستانی، هنر و ادبیات گذشته و معاصر است. حوزه یادگیری فرهنگ و هنر ناظر به درک معنا و روابط میان پدیده‌ها (آیه بینی و آیه خوانی)، زیبایی‌شناسی و قدرشناسی نسبت به نشانه‌های جمال الهی و زیبایی‌ها در پیشینه فرهنگی جامعه (نمادها، آداب و رسوم، ارزش‌ها، اسوه‌ها و اسطوره‌ها) و حفظ و تعالی آن است.

ضرورت و کارکرد حوزه: با عنایت به اهمیت فرهنگ و هویت ملی و نقشی که این دو مقوله در استقلال، خودکفایی، عزت نفس و مقابله با از خودبیگانگی ایفا می‌کنند، فرهنگ و هنر از کارآمدترین امکانات در امر تربیت محسوب می‌شوند و موضوعاتی هستند که از فرهنگ اسلامی، ایرانی و انقلابی ما نشئت گرفته و در احراز هویت ملی اثرگذار می‌باشند. هنر به عنوان تجلی باورهای جامعه از وجوه تمایز

انسان با سایر موجودات است و می‌تواند به عنوان یکی از بارزه‌های هویت و به ویژه هویت فرهنگی و معنوی، موجب رشد و ارتقاء تمدن و فرهنگ جوامع مورد توجه قرار گیرد.

تربیت فرهنگی و هنری سبب شناخت پیشینه فرهنگی و توانایی‌های فردی و توسعه ظرفیت‌های وجودی و کسب بخشی از شایستگی‌های مورد نیاز برای زندگی می‌شود. دست‌یابی به کمال در اخلاقیات و ارزیابی فرهنگ بشری بر اساس نظام معیار، درگرو دست‌یابی دانش‌آموزان به ابزار و رسانه‌هایی با توان بازنمایی دامنه وعمق ارزش‌هاست. استفاده از هنر و قالب‌های هنری مناسب‌ترین طریق بازنمایی تجربیات غنی از احساس و عواطف انسانی است. شناختی که در اثر آشنایی با هنرها و میراث فرهنگی ایجاد می‌شود، زمینه‌ساز حفظ، احیا و اشاعه هنرهای ایرانی اسلامی، هویت بخشی به فرد و جامعه و مقابله با تهاجم فرهنگی است. مهم‌ترین کارکرد این حوزه را می‌توان دستیابی به سواد فرهنگی و هویت بخشی، ایجاد شوق و نشاط، درک و بیان احساسات و معانی و ابراز وجود به زبان هنر، پرورش حواس، ذوق زیباشناسی، قدرت تخیل، خلاقیت، قدرشناسی از زیبایی‌ها و میراث فرهنگی و در نهایت دستیابی به بصیرت فرهنگی عنوان کرد.

قلمرو حوزه: قلمرو حوزه فرهنگ و هنر شامل درک ایده‌های هنری، فرآیندها و مهارت‌های هنری، ابراز هنری و میراث فرهنگی در دو عرصه عملی (تولید اثر بر پایه الفبا و قواعد ترکیب) و نظری (درک اثر بر پایه زیباشناسی، تاریخ فرهنگ و هنر، تجزیه و تحلیل و نقد آثار فرهنگی و هنری) است.

رمزگشایی و رمزگذاری پدیده‌ها در قالب‌های هنری شامل دو فرایند کشف معنا (درک و دریافت اثر) و خلق معنا (تولید اثر) است. دست‌یابی به سواد فرهنگی و میان فرهنگی برای درک ارتباط فرهنگ‌ها، اقوام و ملیت‌ها در سطح ملی و جهانی و ارتباط خرده فرهنگ‌ها با فرهنگ معیار، تمایز فرهنگ مدرن و سنتی، بخشی از قلمرو محتوایی این حوزه یادگیری است.

جهت‌گیری کلی این حوزه در سازماندهی محتوا و آموزش، «تربیت هنری» با تأکید بر دست‌یابی به بصیرت فرهنگی است. تربیت هنری زمینه درک زیبایی‌ها و نظم هستی که یکی از راه‌های شناخت خداوند و قدرشناسی نسبت به زیبایی‌ها و خالق آن‌هاست را فراهم می‌کند. سازماندهی فعالیت‌ها در قالب رویکرد تربیت هنری موجب درک زیبایی‌های طبیعت، محیط زندگی وآثار فرهنگی هنری، تقویت حواس، تخیل، تفکر، توان درک معانی آشکار و پنهان و غنا بخشیدن به ادراک حسی و عاطفی می‌شود.

جهت‌گیری‌های کلی در سازماندهی محتوا و آموزش حوزه: سازماندهی محتوا در این حوزه تا پایان دوره آموزش عمومی مبتنی بر تربیت هنری و در دوره متوسطه دوم موضوع محور است. همچنین سازماندهی محتوا به صورت چند رشته‌ای و متناسب با نیازهای فردی و اجتماعی متربیان انجام می‌شود. تربیت فرهنگی و هنری در سال‌های آغازین تحصیل به صورت آموزش غیرمستقیم انجام می‌گیرد و به‌تدریج متناسب با دوره تحصیلی و رشته‌های هنری از روش‌های آموزش مستقیم بهره‌گیری می‌کند. در فرایند فعالیت‌های یادگیری و تولید اثرهنری، با ایجاد شرایط تصمیم‌گیری و حل مسئله، مهارت رویارویی با مسائل و مشکلات، درک صحیح رویدادها و پدیده‌ها با تکیه بر عواطف، امکان ابراز احساسات، افکار، ایده‌ها، دریافت‌های شخصی، پرورش قوه خیال (تخیل)، خلاقیت و وجه فردی دانش‌آموز، از طریق به کارگیری حواس مختلف در قالب‌های متنوع هنری فراهم می‌شود.

بصیرت فرهنگی و تربیت هنری رویکردی فرابرنامه درسی بوده و روح حاکم بر کل نظام آموزشی است و استفاده از ظرفیت همه حوزه‌های تربیت و یادگیری، خصوصا علوم انسانی و مطالعات اجتماعی و زبان و ادبیات فارسی را طلب می‌نماید.

۵- حوزه تربیت و یادگیری سلامت و تربیت بدنی

حوزه سلامت و تربیت بدنی به دنبال برقراری سلامت کامل جسمی و روانی دانش‌آموزان به عنوان امانت الهی و بکارگیری روش‌های درست انجام فعالیت جسمانی، ارتقای توانایی‌های بدنی و حرکتی، تبیین روش‌های تفریحی سالم و ترویج بهداشت و اصول سالم زیستن و پیشگیری از ایجاد بیماری و اختلال و معلولیت‌های اندامی و توانمندسازی افراد در تسلط بر رفتار خود و حفظ سلامت است.

ضرورت و کارکرد حوزه: در آموزه‌های اسلامی، بدن انسان هدیه و امانتی الهی برای تکامل روح محسوب می‌شود. حفظ بدن از خطرها، آسیب‌ها، تقویت جسمانی و برقراری سلامت، تکلیف دینی و الهی می‌باشد و در کلام معصومین علیهم‌السلام نیز بر این حقیقت تأکید شده است. سلامت و تربیت بدنی به عنوان عاملی اساسی و مؤثر در توسعه فردی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و اقتصادی است و ابزاری ضروری برای رشد و پرورش انسان‌هایی سالم و توانمند جهت دستیابی به ابعادی از حیات طیبه است.

کسب صلاحیت‌های اساسی این حوزه، دانش‌آموزان را قادر می‌سازد تا ظرفیت‌های جسمی، روحی و روانی خود را بشناسد، به آن اعتماد کنند و در جهت پرورش آن کوشا باشند. این آموزه‌ها به دانش‌آموزان کمک می‌کند که در قبال بهداشت و سلامتی خود مسئولیت بپذیرند و به نقش خود در تضمین سلامت جسمی و روانی و نشاط فردی و اجتماعی، به خصوص سلامت خانواده اعتقاد داشته باشند.

دانش‌آموزان در خلال ورزش و فعالیت‌های بدنی یاد می‌گیرند چگونه در قالب گروهی کار کنند، اعتماد به نفس خود را افزایش دهند، برای اوقات فراغت خود برنامه‌ریزی کنند، خطرکنند، در مسائل درگیر شوند و به کمک دیگران مسائل را حل کنند. سلامت و بهداشت موجب رفاه کامل جسمی، روانی، اجتماعی، معنوی و پیشگیری از ایجاد بیماری و ضایعات و معلولیت‌های جسمی، حسی، حرکتی، و موجب توانمندسازی فرد در تسلط بر رفتار و حفظ سلامت خود و پیشگیری از کردارهای پرخطر و بهبود زندگی دانش‌آموزان می‌شود.

قلمرو حوزه: بهداشت و سلامت، ورزش و تربیت بدنی و تفریحات سالم به عنوان موضوعات همبسته یک حوزه شناخته شده‌اند و اهداف مشترک بسیاری دارند. توجه به سطح کیفی زندگی و رشد و تکامل فرد، اصول صحیح تغذیه، رعایت آداب بهداشتی و کسب مهارت‌های ایمنی از مهم‌ترین اهداف این حوزه می‌باشد. این حوزه تربیت و یادگیری دارای دو زیر حوزه اصلی «سلامت و بهداشت» و «تربیت بدنی، ورزش و تفریحات سالم» می‌باشد که شامل موارد زیر است:

- مهارت‌های حرکتی و آمادگی جسمانی؛
- بازی‌ها و رشته‌های ورزشی؛
- تفریحات سالم؛

- اصول تغذیه سالم و متوازن؛
- ایمنی و پیشگیری از آسیب‌های فردی و جمعی در ابعاد و شرایط مختلف؛
- مهارت‌های زیستی و بهداشت فردی و عمومی؛
- نظام مراقبت از سلامت جسمانی و روانی با تأکید بر سلامت فرد، خانواده و اجتماع؛
- بهداشت بلوغ و سلامت نوجوانی.

جهت‌گیری‌های کلی در سازماندهی محتوا و آموزش حوزه: در سازماندهی محتوای این حوزه در کلیه دوره‌های تحصیلی باید ابعاد جسمانی، عقلانی، اجتماعی، روانی و معنوی به صورت تلفیقی مورد توجه قرار گیرد. در دوره متوسطه دوم، سازماندهی محتوا در شاخه فنی و حرفه‌ای موضوع محور و براساس رشته‌های ورزشی خواهد بود.

۶- حوزه تربیت و یادگیری کار و فن‌آوری

حوزه کار و فن‌آوری شامل کسب مهارت‌های عملی برای زندگی کارآمد و بهره‌ور و کسب شایستگی‌های مرتبط با فناوری و علوم وابسته، به ویژه فناوری اطلاعات و ارتباطات، جهت تربیت فناورانه و زندگی سالم در فضای مجازی و نیز آمادگی ورود به حرفه و شغل در بخش‌های مختلف اقتصادی و زندگی اجتماعی است.

ضرورت و کارکرد حوزه با توجه به آموزه‌های اسلامی، کار و اشتغال از ارزش تربیتی برخوردار است و انسان از طریق کار، نفس سرکش را رام کرده و شخصیت وجودی خویش را صیقل داده، هویت خویش را تثبیت کرده و زمینه ارتقاء وجودی خویش را مهیا و امکان کسب روزی حلال و پاسخگویی به نیازهای جامعه را فراهم می‌آورد. آموزش فناوری، کار و مهارت آموزی، باعث پیشرفت فردی، افزایش بهره‌وری، مشارکت در زندگی اجتماعی و اقتصادی، کاهش فقر، افزایش درآمد و توسعه یافتگی خواهد شد.

قلمرو حوزه: قلمرو این حوزه شامل چهار دسته شایستگی است:

۱- شایستگی‌های محوری غیر فنی دنیای کار؛

۲- شایستگی‌های پایه فنی مورد نیاز نیروی کار حرف و مشاغل گوناگون؛

۳- شایستگی‌های مربوط به فناوری اطلاعات و ارتباطات؛

۴- شایستگی‌های مربوط به یادگیری مادام‌العمر فنی و حرفه‌ای.

جهت‌گیری‌های کلی در سازماندهی محتوا و آموزش حوزه: شایستگی‌های این حوزه در دوره آموزش عمومی به‌صورت عینی، تجربی و عمدتا در هم تنیده با دیگر حوزه‌های تربیت و یادگیری و از طریق تجربه در محیط‌های یادگیری واقعی و متنوع کسب خواهد شد و زمینه هدایت دانش‌آموزان را با توجه به علایق و توانایی‌هایشان در مسیرهای تحصیلی، حرفه‌ای و شغلی فراهم می‌کند.

در تدوین فعالیت‌های یادگیری این حوزه در کلیه دوره‌های تحصیلی، دیدگاه فناورانه حاکم خواهد بود. در پایه‌های اول تا سوم دوره ابتدایی مهارت‌های مربوط به کار به صورت تلفیقی به سایر حوزه‌های یادگیری ارائه می‌شود. در پایه‌های چهارم تا ششم دوره ابتدایی و دوره متوسطه اول مهارت‌های مربوط به کار در قالب پروژه و بر اساس نیازها، استعدادها، علایق و موقعیت‌های محلی تعریف و به صورت

عملی اجرا خواهد شد. فناوری اطلاعات و ارتباطات علاوه بر تلفیق بـا سایر حوزه‌های یادگیری می‌تواند به صورت مستقل ارائه شود.

سازماندهی محتوا در دوره متوسطه دوم به صورت زیر خواهد بود:

گروه اول: در این گروه دانش‌آموزان قادر خواهند بـود پس از پایان دوره متوسطه جذب دنیای کار شوند. حرفه‌های انتخابی بـا توجه بـه زمان آموزش و دیگر عوامل در سطوح یک یا دو مهارتی تعریف می‌شوند. مراکز یادگیری در اجرای این آموزش‌ها می‌توانند خارج از مدرسه و با مشارکت بخش دولتی و غیر دولتی تشکیل شوند. نیازهای منطقه‌ای باید در طراحی و تدوین این گروه از برنامه درسی لحاظ شوند.

گروه دوم: در این گروه دانش‌آموزان قادر خواهند بـود پس از پایان دوره کاردانی جذب دنیای کار شوند. حرفه‌های انتخابی بـا توجه بـه زمان آموزش و دیگر عوامل، در سطوح دو یا سه مهارتی تعریف می‌شوند. در این گروه بـین شایستگی‌های گروه‌های اصلی حرفه و شایستگی‌های حرفه‌های انتخاب شده، تعادل برقرار است. مراکز یادگیری در این نوع آموزش‌ها متنوع است. برنامه ریزی درسی این گروه و اجرای آن با مشارکت آموزش و پرورش و وزارت علوم،تحقیقات و فناوری انجام می‌شود.

گروه سوم: در این گروه، برنامه درسی دانش‌آموزان دوره متوسطه نظری باید بـه‌گونه‌ای طراحی شود که هردانش‌آموز در پایان دوره متوسطه دوم، در یکی از فعالیت‌های فنی و حرفه‌ای ساده متناسب به نیازها و علایق خود مهارت کافی عملی را کسب کرده باشد و این امر در ارزشیابی پیشرفت تحصیلی به عنوان یک معیار لحاظ گردد. گروه بزرگ حرفه‌های انتخابی بـا توجه بـه زمان آموزش و دیگر عوامل در سطوح سه یا چهار مهارتی قرار دارند.

۷- حوزه تربیت و یادگیری علوم انسانی و مطالعات اجتماعی

حوزه تربیت و یادگیری علوم انسانی و مطالعات اجتماعی بـه مطالعه کنش‌ها و تعاملات انسانی و توانایی ایجاد رابطه مثبت و سازنده بـا خلق حول محور رابطه بـا خدا؛ درک موقعیت و فراموقعیت و عناصر آن در ابعاد مختلف (زمان، مکان، عوامل طبیعی و اجتماعی) و سنت‌های الهی حاکم بر فرد و جامعه می‌پردازد؛ و در پی تقویت و پرورش کنش‌های مطلوب، متناسب با نظام معیار اسلامی است.

ضرورت و کارکرد حوزه: زندگی توحیدی نیازمند درک سنت‌های الهی، مطالعه محیط طبیعی و انسانی (سیر در آفاق و انفس)، احساس همدلی، نوع دوستی و احترام نسبت بـه دیگران و کنترل هیجانات و احساسات به هنگام قرارگرفتن در موقعیت‌های واقعی و چالش برانگیز خانوادگی، اجتماعی، بین‌المللی است. حصول تربیت متعالی در گرو رابطه و تعامل متقابل فرد و جامعه است. آموزش‌های این حوزه برخاسته از فرهنگ و تاریخ جامعه، در خدمت هویت تاریخی و فرهنگی آن می‌باشد و بسترهای لازم برای تحقق عدالت و پیشرفت را فراهم می‌آورد.

دانش‌آموزان نیاز دارند در آموزش‌های مدرسه‌ای فرصت‌هایی برای به چالش کشیدن ایده‌های خود و دیگران در خصوص مسایل اجتماعی در سطح محلی، ملی و جهانی در اختیار داشته باشند تا از این طریق روحیه حقیقت جویی، عدالت‌خواهی، حق‌طلبی، تکلیف‌مداری، دعوتگری، مذاکره، انصاف، و نوع دوستی و پذیرفتن مسئولیت الهی خود در قبال نوع بشر، خصوصاً محرومان و مستضعفان را پرورش

دهند. آنان باید بتوانند ویژگی‌های تمدن و فرهنگ ایرانی ــ اسلامی و تأثیر آن در توسعه جامعه بشری را درک کرده و نقش خود را در جهان امروز برای حفظ و ارتقا موقعیت و جایگاه ایران در بین کشورهای منطقه و در سطح جهان بشناسند. آموزش تعامل مسئولانه با جامعه و مسائل آن و نیز ارتقای شایستگی‌ها برای اصلاح دین‌مدارانه مسائل زندگی فردی و جمعی از کارکردهای مهم این حوزه است

قلمرو حوزه: قلمرو این حوزه شامل: درک موقعیت و ابعاد آن در بعد زمان (گذشته، حال، آینده)، مکان (خانه، محله، شهر، کشور، زمین، کیهان)، عوامل طبیعی(محیط طبیعی، محیط زیست)، عوامل اجتماعی(ساختارها و نهادهای اجتماعی، هنجارها، رفتارها و روابط انسانی، قراردادها) و تعامل آن‌ها؛ آمایش سرزمین؛ درک چگونگی حاکمیت سنت‌های الهی بر زندگی انسان در طول تاریخ و کسب مهارت‌های اجتماعی(مهارت در فعالیت‌های گروهی، توسعه روابط انسانی بردباری، وفاق و همدلی و مسالمت جویی، نوع دوستی و...- رعایت حقوق و انجام تکالیف) و اقتصادی (مهارت‌های اقتصادی، صرفه اقتصادی، داد وستد، تولید، توزیع، مصرف و قناعت) به عنوان یک عضو مسئول جامعه ایران اسلامی می‌باشد.

جهت‌گیری‌های کلی در سازماندهی محتوا و آموزش حوزه: شایستگی‌های مورد انتظار تا پایان دوره آموزش عمومی در قالب تجربیات یادگیری تلفیقی ارائه می‌شود و فرصت درک مفهوم موقعیت در ابعاد مختلف آن را فراهم می‌کند. همچنین دانش‌آموزان توانایی لازم برای مشارکت آزادانه و آگاهانه در فعالیت‌های اجتماعی را کسب می‌کنند. این شیوه سازماندهی محتوا، فرصت‌هایی را برای کسب تجربیات دست اول در سطح کلاس درس، مدرسه و جامعه محلی در اختیار مدارس و مربیان قرار می‌دهد. دانش‌آموزان ضمن روبرو شدن با موقعیت‌های واقعی و چالش برانگیز توانایی لازم برای حل مسایل واقعی زندگی فردی و اجتماعی و دست‌یابی به مرتبه‌ای از عقلانیت اجتماعی را کسب می‌کنند.

آموزش در دوره متوسطه دوم به موقعیت‌های واقعی زندگی نزدیک‌تر بوده و فرصت‌های بیشتری را برای مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی، در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهد. در این دوره ضمن تأکید بر پرورش مهارت‌های کار گروهی و شرکت در ارائه خدمات اجتماعی بر حسب ورود دانش‌آموزان به شاخه نظری و گرایش/ رشته علوم انسانی، محتوا جنبه نیمه تخصصی پیدا می‌کند.

فرایند یاددهی یادگیری مبتنی بر پرسشگری نقادانه و استدلالی و استفاده از روش‌های کاوشگری به شیوه مشارکتی، پژوهش مشارکتی، پروژه، مطالعه موردی، مطالعه کتابخانه‌ای اسنادی، موقعیت‌های واقعی (برنامه‌ریزی، تأمین منابع برای ارائه خدمات اجتماعی به گروه‌های نیازمند) و مشارکت در فعالیت‌های جمعی در سطح جامعه (اردوهای عمرانی، خدماتی، پژوهشی) از روش‌های مورد تأکید این حوزه یادگیری است.

۸- حوزه تربیت و یادگیری ریاضیات

ریاضیات ریشه در قوه تعقل انسانی و نقشی مؤثر در درک قانونمندی طبیعت دارد. ریاضیات به عنوان علم مطالعه الگوها و ارتباطات، هنری دارای نظم و برخوردار از سازگاری درونی، زبانی دقیق برای تعریف دقیق اصطلاحات و نمادها و ابزارکار در بسیاری از علوم و حرفه‌ها تعریف شده است.

ضرورت و کارکرد حوزه: ریاضیات و کاربردهای آن بخشی از زندگی روزانه و در جهت حل مشکلات زندگی در حوزه‌های مختلف به‌شمار می‌آید که دارای کاربردهای وسیع در فعالیت‌های متفاوت انسانی است. ریاضیات، موجب تربیت افرادی خواهد شد که در برخورد با مسائل بتوانند به طور منطقی استدلال کنند، قدرت تجزیه و انتزاع داشته باشند و درباره پدیده‌های پیرامونی تئوری‌های جامع بسازند. وجه مهم ریاضی توانمندسازی انسان برای توصیف دقیق موقعیت‌های پیچیده، پیش‌بینی و کنترل وضعیت‌های ممکن مادی ــ طبیعی، اقتصادی، اجتماعی است. بنابراین، توانایی به‌کارگیری ریاضی در حل مسائل روزمره و انتزاعی، از اهداف اساسی آموزش ریاضی می‌باشد.

جهت‌گیری‌های کلی در سازماندهی محتوا و آموزش حوزه: ریاضیات از نظر ماهیت، علمی مجرد است، ولی بستر رشد و توسعه آن، مشاهده و توصیف و تجزیه و تحلیل محیط پیرامونی است. در ریاضیات مدرسه‌ای، فعالیت‌های آموزشی باید برخاسته از ریاضیات محیط پیرامون باشد و به دانش‌آموزان کمک کند تا مفاهیم و گزاره‌های ریاضی را در محیط پیرامونی خود مشاهده، تجزیه و تحلیل و درک کنند و برای مفاهیم ریاضی در محیط پیرامونی تعبیرهای گوناگون به دست آورند. این امر، امکان درک شهودی آنان ــ که راهنمای عمل ریاضیدانان است ــ را تقویت می‌کند. بحث شهود، در ریاضیات مدرسه‌ای بسیار اساسی است.

یادگیری عمیق مفاهیم ریاضی وقتی رخ می‌دهد که دانش‌آموزان خودشان در طی حل یک مسئله قابل توجه به آن مفاهیم رسیده باشند و خودشان آن مفاهیم را ساخته باشند. این عمل مشابه یک پژوهش در ریاضی است. بنابراین، در فرایند یاددهی ــ یادگیری ریاضی، دانش‌آموزان یاد می‌گیرند که چگونه مفاهیم جدید رخ می‌دهد، چگونه باید آن‌ها را نامگذاری کرد و چگونه می‌توان با آن‌ها کار کرد و آن‌ها را تعمیم داد.

تا پایان دوره آموزش عمومی موضوعات محتوایی این حوزه براساس تلفیقی از شبکه‌های مفهومی و مهارتی، سازماندهی می‌شود و در دوره متوسطه دوم برحسب رشته‌های تحصیلی در قالب موضوع‌های محوری با جهت‌گیری نظری یا کاربردی ارائه خواهد شد.

۹- حوزه تربیت و یادگیری علوم تجربی

علم تجربی حاصل تلاش انسان برای درک دنیای اطراف، و دانشی آزمودنی است که با ظهور شواهد و دلایل جدید در معرض تغییر قرار گرفته و از گستره وسیعی از روش‌های تحقیق بهره می‌برد. علوم تجربی هم در مرحله تکوین و شکل‌گیری چارچوب‌های مفهومی و هم در عرصه چگونگی کاربرد و عمل و تصرف در طبیعت در بستر گستره دیگر حوزه‌های معرفتی بشر شکل می‌گیرد و نشو و نما می‌کند. از این رو، تعاملی انکارناپذیر با فلسفه، باورها و ارزش‌های پذیرفته شده فرد و جامعه دارد. با توجه به

جهت‌گیری‌های این برنامه، علم تجربی حاصل کوشش انسان برای درک واقعیت‌های هستی و کشف فعل خداوند است.

ضرورت و کارکرد حوزه: پرورش علمی دانش‌آموزان و برخوردار شدن ایشان از سواد علمی فناورانه در بعد شخصی و فردی از لازمه‌های زندگی سالم و موفقیت‌آمیز، و در بعد اجتماعی لازمه بقای عزت مدار و توسعه پایدار ایران اسلامی است، از این رو، رشد و ارتقاء توان‌مندی‌ها و شایستگی‌های دانش‌آموزان در عرصه علوم تجربی به شناخت و استفاده مسئولانه از طبیعت به مثابه بخشی از خلقت الهی با هدف تکریم، آبادانی و آموختن از آن برای ایفای نقش سازنده در ارتقاء سطح زندگی فردی، خانوادگی، ملی و جهانی می‌انجامد.

آموزش علوم تجربی از یک سو، در ایجاد بصیرت و بینش عمیق نسبت به درک دنیای اطراف و زمینه‌سازی برای تعظیم خالق متعال از طریق فهم عظمت خلقت ضرورت دارد، و از سوی دیگر با عنایت به وابستگی روزافزون ابعاد گوناگون زندگی انسان به یافته‌ها و فراورده‌های علمی فناورانه ضروری می‌نماید. از این رو، اگرچه پرورش سواد علمی فناورانه محور مشترک تمامی برنامه‌های آموزش علوم به شمار می‌آید، ولی براساس مبانی تربیت اسلامی، علاوه بر این محور، تعمیق و تعالی نگرش توحیدی و دست‌یابی به درک غایتمند از خلقت و به عبارتی باز کشف وکشف رمز و راز لایه‌های مادی هستی، از محورهای مهم تربیت علمی است.

قلمرو حوزه: حوزه یادگیری علوم تجربی شامل مطالعه فرایندهای حیاتی و موجودات، زمین و پیرامون آن، تغییرات ماده و انرژی، طبیعت و مواد فراوری شده، علوم در اجتماع، علوم در زندگی روزانه و تاریخ علم در ایران و اسلام است. تربیت علمی فناورانه تنها آموزش یافته‌ها و فرآورده‌های علمی یا به عبارت دیگر تنها مفاهیم و دانش علمی را دربر نمی‌گیرد؛ بلکه فرایندهای علمی و روش علم‌آموزی هم چون مهارت‌های فرایندی (مشاهده، جمع‌آوری اطلاعات، اندازه‌گیری، تفسیر یافته‌ها، فرضیه و مدل‌سازی، پیش‌بینی، طراحی تحقیق و برقراری ارتباط) و مهارت‌های پیچیده تفکر را نیز مورد توجه قرارمی‌دهد. هم‌چنین نگرش‌های ناشی از علم، بخصوص به محیط زیست، و نگرش‌های ناظر به علم و فناوری از اجزای جدایی ناپذیر فعالیت‌های علمی فناورانه است و دریچه‌ای برای ورود مبانی فلسفی پذیرفته شده را فراهم می‌کند.

جهت‌گیری‌های کلی در سازماندهی محتوا و آموزش حوزه: با عنایت به پذیرش اصل همه جانبه‌نگری و براساس رویکرد تلفیق در همه حوزه‌های یادگیری، پرورش علمی با اتخاذ روش‌هایی که با تلفیق نظر و عمل سازگاری دارند به پرورش مهارت‌های فرایندی علمی می‌پردازد و به انتقال فراورده‌های دانش اکتفا نمی‌کند. بر این اساس یادگیرنده در محور تمامی فعالیت‌های یادگیری قرار می‌گیرد و آموختن روش و مسیر کسب علم، آگاهی و توانایی، یکی از اهداف اصلی آموزش تلقی می‌شود. این امر در مسیری رشدیابنده و تعالی‌جو، زمینه‌ساز پرورش انواع تفکر می‌شود و خودیادگیری، ژرفاندیشی و تعالی‌جویی در دانش‌آموزان را میسر می‌سازد.

ایجاد ارتباط بین آموزه‌های علمی و زندگی واقعی و مرتبط ساختن محتوای یادگیری با کاربـردهای احتمالی آن بـه معنادار شدن یادگیری و کسب علم مفید، سودمند و هدفـدار بـرای دانش‌آموزان، منجر می‌شود. این امر به پرورش انسان‌هایی مسئولیت‌پذیر، متفکر و خلاق مدد می‌رساند.

سازماندهی محتوای این حوزه تا پایان دوره آموزش عمومی به صورت تلفیقی است و در دوره متوسطه دوم بر حسب رشته‌های تحصیلی در قالب موضوع‌های محوری با جهت‌گیری نظری یا کاربردی ارائه خواهد شد.

۱۰- حوزه تربیت و یادگیری زبان‌های خارجی

آموزش زبان‌های خارجی بستر مناسبی را برای درک، دریافت،تعاملات فرهنگی وانتقال دستاوردهای دانش بشری در قالب‌های متنوع زبانی به صورت شفاهی، دیداری، و نوشتاری، برای مقاصد و مخاطبان گوناگون در چارچوب نظام معیار اسلامی فراهم می‌کند.

ضرورت و کارکرد حوزه: از آن جا که مراودات اجتماعی تحت تأثیر تعاملات جوامع بشری و رشد فناوری توسعه پیدا کرده و این دامنه هر روز افزایش پیدا می‌کند، برای برقراری ارتباط سازنده و آگاهانه ضروری است دانش‌آموزان علاوه بر زبان مادری که به آنان امکان تعامل در سطح روابط میان فردی (خانوادگی، محلی و ملی) را می‌دهد، توانایی برقراری ارتباط با سایر جوامع و دستاوردهای بشری را در سطح منطقه‌ای و جهانی دارا باشند.

آموزش زبان خارجی علاوه بـر کارکرد ارتباط میان فردی و بـین فرهنگی، در توسعه اقتصادی مانند صنعت گردشگری، تجارت، فن‌آوری، توسعه علم، و هوشیاری اجتماعی سیاسی مؤثر است.

قلمرو حوزه: آموزش زبـان بـر توانایی ارتباطی و حل مسئله تأکید دارد بـه گونه‌ای که فرد پس از آموزش قادر به ایجاد ارتباط با استفاده از تمامی مهارت‌های چهارگانه زبـانی (گوش‌کردن، سخن گفتن، خواندن، و نوشتن) برای دریافت و انتقال معنا گردد. برنامه درسی آموزش زبـان بایـد دانش‌آموزان را بـا پیکره زبـانی، واژگان و ساخت‌های مورد نیاز بـرای بـرقراری ارتباط مؤثر و سازنده در سطح جهانی آشنا سازد.

آموزش زبان‌های خارجی از ابتدای دوره متوسطه اول آغاز می‌شود و هدف آن آموزش چهار مهارت زبانی و آشناسازی دانش‌آموزان با مهارت‌های ارتباطی در چارچوب جهت‌گیری‌های کلی موردنظر خواهد بود.

در دوره متوسطه دوم، دانش‌آموزان باید بتوانند متن‌هایی در حد متوسط را بخواننـد و مفاهیم آن‌ها را دریابند. در ضمن توانایی نوشتن، در حد یک مقاله کوتاه، به زبـان خارجی نیز در آن‌ها تقویت شود و از توانائی‌های لازم برای استفاده از منابع در حد متوسط و برقراری ارتباط به یکی از زبان‌های خارجی را داشته باشند.

آموزش به یکی از زبان‌های انگلیسی، فرانسوی، آلمانی و یا سایر زبـان‌هایی که شورای عالی آموزش و پرورش تصویب کند ارائه خواهد شد.

جهت‌گیری‌های کلی در سازماندهی محتوا و آموزش حوزه: آموزش زبـان‌هـای خارجی باید از دائره تنگ نظریه‌ها، رویکردها و روش‌های تدوین شده در جهان فراتر رود و بـه عنوان بسـتری بـرای تقویت

فرهنگ ملی و باورها و ارزش‌های خودی در نظر گرفته شود. رویکرد آموزش زبان‌های خارجی، رویکرد ارتباطی فعال و خودباورانه است. در سطوح آغازین آموزش، محتوای آموزشی پیرامون موضوعات بومی و نیازهای یادگیرنده چون بهداشت و سلامت، زندگی روزمره، محیط اطراف و ارزش‌ها و فرهنگ جامعه در قالب‌های جذاب انتخاب و سازماندهی می‌شود و در سطوح بالاتر انتخاب و سازماندهی محتوای این حوزه به سمت کارکردهای فرهنگی، علمی، اقتصادی، سیاسی و... متناسب با متون آموزشی سایر حوزه‌های یادگیری و در جهت تعمیق آن‌ها خواهد بود. در پایان دوره متوسطه دوم دانش‌آموزان باید توانایی خواندن و درک متون ساده تخصصی و نوشتن مقاله راکسب کنند. در دوره متوسطه دوم گسترش دامنه واژگان رشته‌های تخصصی به درک بهتر متون و برقراری ارتباط علمی کمک می‌کند.

۱۱- حوزه تربیت و یادگیری آداب و مهارت‌های زندگی و بنیان خانواده

برای دستیابی به مراتبی از حیات طیبه، آموزش‌های مرتبط با آداب و مهارت‌های زندگی و خانواده به عنوان فرصتی برای به‌کارگیری آموخته‌ها در موقعیت‌های واقعی زندگی و متناسب با تفاوت‌های فردی و شرایط و مقتضیات محلی، وظیفه آماده کردن فرد برای ورود آگاهانه و مسئولانه به زندگی خانوادگی و اجتماعی را بر عهده دارد. آداب و مهارت‌های زندگی مکمل یکدیگر و هر دو به دنبال آموزش سبک و آیین زندگی‌اند. بدین جهت نباید مرزی بین این دو ترسیم کرد.

ضرورت و کارکرد حوزه: در جامعه امروز افراد برای حفظ و عمل به باورها و ارزش‌های دینی ـــ اخلاقی، به الگوها، دانش و مهارت‌هایی نیاز دارند که به آن‌ها در برقراری ارتباط سازنده در چهار عرصه (ارتباط با خود، خدا، خلق، خلقت) کمک کند. انسان‌ها آن گونه زندگی می‌کنند که می‌اندیشند. باورها، گرایش‌ها و افکار آدمیان در سبک و نحوه زندگی ایشان تأثیر دارد. آموزش‌های این حوزه می‌تواند به یکپارچه شدن یادگیری و سامان دادن ارتباط‌های انسانی و تعمیم آن به موقعیت‌های جدید کمک کند.

قلمرو حوزه: آموزش آداب و مهارت‌های زندگی، شایستگی‌های لازم برای خود مدیریتی دانش‌آموزان در اداره امور روزمره زندگی شامل: آداب معاشرت،آداب معیشت، مدیریت زمان، کارکرد، وظایف و مهارت‌های خانوادگی، آمادگی برای تشکیل خانواده و ایفای نقش والدینی، مدیریت رفتارهای هیجانی و تربیت عاطفی، مدیریت اوقات فراغت، خودآگاهی، مهارت‌های تحصیلی و مطالعه، آداب زندگی در محیط مجازی، هویت‌یابی، ارتباط مؤثر، مراقبت از محیط زیست، مدیریت بحران و خطر، مهارت کار با دیگران و مهارت‌های پدافند غیر عامل و آمادگی دفاعی را فراهم می‌کند.

جهت‌گیری‌های کلی در سازماندهی محتوا و آموزش حوزه: انتخاب و سازماندهی فعالیت‌های یادگیری برای آموزش آداب و مهارت‌های زندگی تابع شرایط و مقتضیات فرهنگی دانش‌آموزان است. از این رو، ضروری است آموزش از متن زندگی و در متن زندگی رخ دهد. تدارک فرصت‌های تربیتی که در آن دانش‌آموزان بتوانند به کسب تجربه در موقعیت‌های واقعی زندگی (به صورت فردی و گروهی) دست یابند جهت گیری اصلی در آموزش مهارت‌هاست. برگزاری اردوهای علمی، فرهنگی، زیارتی، شبیه‌سازی موقعیت‌های مرجع، توجه به شیوه‌های آموزش انفرادی، غیرمستقیم و تجربی از این جمله است. سازماندهی محتوای فعالیت‌های یادگیری این حوزه به تناسب نیاز و شرایط دوره‌های تحصیلی و با توجه به زمینه‌های آموزش تا پایان دوره آموزش عمومی به صورت تلفیقی در سایر دروس خواهد بود.

۹- اصول حاکم بر انتخاب راهبردهای یاددهی - یادگیری

راهبردهای یاددهی یادگیری باید بتواند بستر لازم را برای تحقق اهداف برنامه درسی و تربیتی در راستای شکوفایی فطرت و دستیابی به مراتبی از حیات طیبه تدارک ببیند. برای تحقق این مهم علاوه بر اصول ناظر بر برنامه‌های درسی و تربیتی، اصول حاکم بر انتخاب راهبردهای یاددهی ـــ یادگیری به شرح زیرخواهد بود:

۹-۱- امکان درک و تفسیر پدیده‌ها، وقایع، و روابط را درموقعیت‌های واقعی زندگی تدارک ببینید، به گونه‌ای که شرایط را برای درک و تصمیم‌گیری در مورد مسایلی که دانش‌آموزان در موقعیت‌های مختلف با آن مواجه می‌شوند با رعایت نظام معیار اسلامی فراهم کند.

۹-۱- انگیزه دانش‌آموزان را از طریق کاوشگری در تلاش مداوم برای یافتن پاسخ پرسش‌هایی درباره پدیده‌ها، وقایع روابط آن‌ها شکوفا و تقویت کند.

۹-۲- امکان درک و تفسیر قوانین کلی حاکم بر هستی و رابطه‌های علت ومعلولی یا وابستگی پدیده‌ها را همراه با افزایش بصیرت در دانش آموزان فراهم کند.

۹-۴- فرصت‌هایی را تدارک ببینید که شایستگی‌های کسب شده در فواصل زمانی توسط دانش‌آموز مرور و تصمیماتی برای تعدیل، بازنگری یا ادامه مسیر یادگیری توسط او اخذ شود.

۹-۵- فرصت لازم برای پیوند نظر و عمل، تلفیق دانش و تجربیات پیشین با یادگیری‌های جدید را به صورت یکپارچه و معنادار جهت تحقق ظرفیت‌های وجودی دانش‌آموزان و توسعه شایستگی‌ها فراهم کند.

۹-۶- با بهره مندی فزونتر از روش‌های فعال، خلاق و تعالی بخش و با سازمان دهی نو آورانه و خلاق فرآیند جمع آوری و انباشت حقایق، زمینه ساختن علم و معرفت را فراهم نماید.

۹-۷- صرفا به انتقال دانش محدود نشده بلکه زمینه تولید علم از سوی دانش‌آموزان را با تأکید بر مشارکت آنان در مفهوم، تدارک ببینند.

۹-۸- زمینه تعامل مؤثر دانش‌آموزان را با معلم، همسالان و انواع محیط‌های یادگیری فراهم کند

۹-۹- زمینه بهره گیری هوشمندانه از فناوری‌های نوین آموزشی را فراهم نماید و استفاده از آن‌ها را با نگاه تقویتی و تکمیلی یا توانمند سازی (نه نگاه جایگزینی و واگذاری) دنبال کند.

۱۰- اصول حاکم بر ارزش یابی پیشرفت تحصیلی و تربیتی

بی‌اطلاعی برنامه‌ریز، معلم و یادگیرنده از وضع و نتیجه یادگیری و میزان رشد استعدادها، از جمله کاستی‌ها و آسیب‌های نظام برنامه‌ریزی درسی است. در حالی که اطلاع از میزان تحقق و یا عدم تحقق هدف‌های یادگیری و رشد، آگاهی از مسائل و مشکلات فرآیند یادگیری و همچنین کسب اطلاع از قوت‌ها و جنبه‌های مثبت این فرآیند از لوازم اصلی رهبری یاددهی- یادگیری است که از طریق ارزشیابی به‌دست می‌آید. در صورت بی‌توجهی به ارزشیابی، برنامه‌های درسی پیشرفت نخواهد کرد. اگر برای برنامه درسی حیات و مرگ را تصور کنیم، این دو به انجام دادن و یا انجام ندادن ارزشیابی بستگی دارند. گفتنی است که اگر از مسائل و مشکلات یادگیری در زمان مناسب مطلع نشویم، به‌تدریج موانع بزرگ‌تر می‌شوند و برنامه را از موجودیت معمولی و اثرگذار خود خارج می‌سازند؛ این حالت همان مرگ

برنامه درسی است. بنابراین نظام‌بخشی به تصمیمات در خصوص ارزشیابی پیشرفت تحصیلی و تربیتی در کلیه دوره‌های تحصیلی، اصول زیر باید مدنظر برنامه‌ریزان درسی و معلمان قرار گیرد:

۱-۱۰- با استفاده از **انواع روش‌ها و ابزارها**، بتواند **توانایی** دانش‌آموزان، را در بهره‌گیری از شایستگی‌های پایه در موقعیت های مختلف، به صورت معنادار منعکس نماید.

۲-۱۰- با ارائه شواهد متنوع و کافی، امکان قضاوت در خصوص سطح دستیابی دانش‌آموزان به اهداف برنامه درسی را تعیین نماید.

۳-۱۰- به صورت **منعطف و مستمر**، با توجه به وجوه متفاوت یادگیری هریک از دانش‌آموزان، **فرآیند دستیابی به اهداف** و چگونگی اقدام مؤثر را منعکس نماید.

۴-۱۰- با تأکید بر **خودآگاهی، خودارزیابی** و **تصمیم‌گیری از سوی دانش آموزان**، چگونگی جبران،رفع کاستی‌ها و دستیابی به سطوح بالاتر شایستگی در هر یک از حوزه‌های یادگیری را تدارک ببیند.

۵-۱۰- برای **حفظ شأن و کرامت انسانی** دانش آموزان و **تقویت خود پنداره مثبت** آنان از بکارگیری روش‌ها و ابزارهای ارزش‌یابی **اضطراب‌آور و مأیوس‌کننده**، پرهیز شود.

۶-۱۰- برای تبیین و منعکس نمودن ظرفیت‌های وجودی و وجوه توانایی‌های متفاوت هر یک از دانش‌آموزان، امکان **مشارکت سایر دانش‌آموزان، مربیان و اولیاء** در امر سنجش را فراهم کند.

۷-۱۰- در فرآیند ارزش‌یابی، **نقش محوری و تصمیم‌سازی مدرسه و معلم** در چارچوب سیاست‌های کلی آموزش و پرورش حفظ شود.

۸-۱۰- طراحی و اجرای نظام ارزش‌یابی **نتیجه‌محور** براساس **استانداردهای ملی برای گذر از دوره‌های تحصیلی**، رویکرد ارزش‌یابی **فرآیندمحور** در ارتقای پایه‌های تحصیلی دوره ابتدایی و **رویکرد تلفیقی**) فرآیندمحور و نتیجه‌محور) در سایر پایه‌های تحصیلی مبنا قرار گیرد.

۹-۱۰- با تأکید بر **کار گروهی** و فعالیت‌های جمعی و روش حل مسئله، وجه **رقابت‌زایی** یا رقابت‌جویی را به حداقل برساند و زمینه شکوفایی دانش‌آموزان را فراهم کند.

۱۰-۱۰- ارزش‌یابی به عنوان **بخش جدایی‌ناپذیری** از فرآیند یاددهی ــ یادگیری تلقی شده و از نتایج آن برای برنامه‌ریزی رشد حرفه‌ای معلمان و **بهبود برنامه درسی** و نظام آموزشی استفاده شود.

۱۱-۱۰- با تأکید بر بهره‌گیری از **تکالیف عملکردی** در سنجش میزان دستیابی دانش‌آموزان به شایستگی‌ها و تلاش برای تحقق جامعه عدل مهدوی(عج) و دستیابی به مراتبی از حیات طیبه، گزارش عملکرد تحصیلی و تربیتی آنان با همکاری **دانش‌آموز، اولیا مدرسه و والدین** تنظیم و ارایه شود.

۱۱- فرآیند تولید و اجرای برنامه‌های درسی و تربیتی

تولید و اجرای برنامه‌های درسی و تربیتی براساس مهم‌ترین مراحل ذیل انجام می‌شود:

-تحلیل اهداف کلان آموزش و پرورش و ویژگی‌های حیات‌طیبه براساس سندتحول بنیادین

-تحلیل عناصر برنامه درسی ملی و استخراج دلالت‌ها

-تحلیل نیازها و پژوهش‌های انجام شده در حوزه تربیت و یادگیری در سطح منطقه‌ای، ملی و جهانی

-تحلیل راهنمای برنامه درسی حوزه‌های تربیت و یادگیری بعد از تولید و اعتباربخشی و تصویب در شورای عالی آموزش و پرورش

۱۲- سیاست‌های تولید مواد و رسانه‌های یادگیری

در طراحی و تولید مواد و رسانه‌های یادگیری و در راستای تحقق رویکرد برنامه درسی ملی، سیاست‌های زیر مورد تأکید می‌باشد:

۱-۱۲- تعیین **استانداردهای ملی** برای مواد و رسانه‌ها، مراکز و منابع یادگیری و تصویب آن در شورای عالی آموزش وپرورش و نظارت بر حسن اجرای آن توسط وزارت آموزش وپرورش؛

۲-۱۲- بهره‌گیری از **فناوری‌های نوین آموزشی** با رویکرد حل مسئله در تولید مواد و رسانه‌های یادگیری؛

۳-۱۲- توسعه **سیاست چندتألیفی** و زمینه‌سازی برای **مشارکت فعال** استان‌ها، معلمان، مربیان، افراد و تشکل‌های ذی‌علاقه و ذی‌صلاح با تأکید بر بخش غیردولتی در **تولید، تکمیل و غنی‌سازی مواد**، منابع و مراکز متنوع یادگیری در چارچوب سیاست‌های آموزش و پرورش؛

۴-۱۲- بسترسازی برای **بسط و توسعه تجارب و ابتکارات معلمان** و مربیان و دانش‌آموزان در طراحی، ساخت و ارزش‌یابی مواد و منابع یاددهی و یادگیری؛

۵-۱۲- **توسعه و تقویت مراکز و منابع یادگیری** داخل و خارج از مدرسه به ویژه جامعه محلی و بهره‌برداری از آنها؛

۶-۱۲- **تولید و توزیع** مواد و منابع یادگیری متناسب با توانمندی‌ها و ظرفیت‌های مناطق و مدارس کشور برای تحقق عدالت تربیتی؛

۷-۱۲- تولید **محتوای الکترونیکی چندرسانه‌ای** متناسب با نیاز معلمان و دانش‌آموزان و استفاده هوشمندانه از آنها؛

۸-۱۲- تأکید بر سیاست **برنامه‌محوری و تولید بسته‌های آموزشی**؛

۹-۱۲- **توانمندسازی** مدرسه برای ایفای نقش اصلی و محوری در نیل به وضع مطلوب در تولید و بهره‌برداری از مواد و رسانه‌های یادگیری، مراکز و منابع متنوع یادگیری.

۱۳- ساختار و زمان آموزش

۱-۱۳- ساختار نظام آموزش و پرورش

این قسمت از ۷ بند تشکیل شده است، به‌طوری که از مهم‌ترین گزاره‌های آن می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- ساختار نظام تحصیلی آموزش و پرورش شامل ۶ سال دوره ابتدایی و ۶ سال دوره متوسطه) جمعاً دوازده سال) است. هر دوره تحصیلی نیز به دو دوره سه ساله تقسیم می‌شود؛

- دوران تحصیل رسمی و عمومی با توجه به ماهیت و ویژگی برنامه‌های درسی شامل دوره آموزش عمومی (مرکب از دوره ابتدایی و دوره متوسطه اول) و نیمه‌تخصصی (دوره متوسطه دوم) خواهد بود. به‌طوری که در پایان این دوره به دانش‌آموزان مدرک دیپلم عطا می‌شود؛

- دوره پیش‌دبستان به دوره دو ساله رسمی و غیراجباری اطلاق می‌شود که کودکان گروه سنی ۵ و۶ سال را تحت پوشش برنامه‌های آموزشی و تربیتی قرار می‌دهد.

-سن شروع دوره ابتدایی ۶ سال تمام خواهد بود.
-مشاوره و هدایت تحصیلی و تربیتی در همه دوره‌های تحصیلی الزامی است.
-دوره متوسطه دوم دارای سه شاخه نظری، فنی و حرفه‌ای و کاردانش است.

۲-۱۳- زمان تعلیم و تربیت

این بخش مشتمل بر ۶ بند است. از مهم‌ترین گزاره‌های آن می‌توان به جدول زیر اشاره نمود:

دوره تحصیلی	زمان آموزش هر پایه تحصیلی (ساعت)	زمان در اختیار استان، مناطق و مدارس(ساعت)	میانگین ساعات کار هفتگی (جلسه درس)	زمان هر جلسه (دقیقه)		
فعالیت‌های خارج از کلاس و مدرسه	متناسب با شرایط و اقتضائات محیطی					
ابتدایی	۹۲۵	۵۰	۵۰	۲۵	دوره اول ۴۵	
دوره دوم ۵۰						
متوسطه اول	۱۱۱۰	۵۰	۵۰	۳۰	۵۰	
متوسطه دوم	نظری	۱۲۹۵	۵۰	۵۰	۳۵	۵۰
فنی و حرفه‌ای و کاردانش	۱۴۸۰	۵۰	۵۰	۴۰	۵۰	

تبصره: زمان اختصاص‌یافته به هر جلسه و زمان استراحت بین آنها مجموعاً ۶۰ دقیقه می‌باشد و تلفیق دو جلسه درسی به‌ویژه در دوره ابتدایی مجاز نمی‌باشد.

- مبنای محاسبه زمان آموزش و امتحانات ۳۷ هفته از اول مهرماه تا پایان خردادماه می‌باشد.

۱۴- سیاست و الزامات اجرایی

اجرای برنامه درسی ملی در چارچوب مفاهیم و راهکارهای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مستلزم اتخاذ سیاست‌های کارآمد و اثربخش، تهیه برنامه جامع و فراگیر،تأمین و نگهداشت و ارتقای نیروی انسانی متخصص و فراهم آوردن شرایط، امکانات، منابع و زیرساخت‌های فنی و تخصصی و فناوری‌های نوین می‌باشد. در این قسمت اهم این سیاست‌ها و الزامات در ۸ بند در سند به تفضیل آمده است.

۱۵- ارزش‌یابی برنامه درسی ملی

ارزش‌یابی برنامه درسی ملی به منظور فراهم آوردن اطلاعات توصیفی و قضاوتی با روش‌های کمی و کیفی در ادوار زمانی ۲ تا ۳ و ۵ تا ۱۰ سال به صورت پایش مستمر(تشخیصی، تکوینی و پایانی) بر عهده سطوح مختلف اجرایی(مدرسه، منطقه، استان و کشور) با تأکید بر کاهش تمرکز برای درک بیشتر، هدایت، تصمیم‌گیری و پاسخ‌گویی نسبت به میزان اثربخشی و چگونگی اجرا و تحقق اهداف و نتایج برنامه انجام می شود.

سوالات

برنامه درس ملی جمهوری اسلامی ایران

۱- کدام گزینه جزء اهداف اصلی برنامه درسی ملی ایران است؟

۱) تقویت هویت اسلامی - ایرانی
۲) حذف دروس علوم انسانی
۳) تمرکز بر آموزش مهارت‌های صنعتی
۴) کاهش نقش معلمان در کلاس درس

۲- مهم‌ترین محور در تحقق سند تحول بنیادین چیست؟

۱) رشد علمی بدون توجه به اخلاق
۲) افزایش کیفیت تربیت دینی و اخلاقی
۳) حذف پژوهش در مدارس
۴) تمرکز بر حفظ کردن مطالب درسی

۳- مفهوم حیات طیبه در آموزش به چه معناست؟

۱) تربیت فرد در راستای رشد همه‌جانبه انسانی
۲) تمرکز صرف بر مهارت‌های فنی و حرفه‌ای
۳) کاهش توجه به ارزش‌های اسلامی
۴) حذف مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی

۴- کدام عنصر در نظام تربیتی نقشی کلیدی دارد؟

۱) حفظ کردن مطالب بدون تحلیل
۲) پرورش تفکر، تعقل، ایمان، علم، عمل و اخلاق
۳) محدود کردن آزادی بیان در مدارس
۴) کاهش توجه به یادگیری گروهی

۵- چند سال تحصیل در نظام آموزشی بر اساس سند تحول بنیادین در نظر گرفته شده است؟

۱) ۱۰ سال ۲) ۱۲ سال ۳) ۱۴ سال ۴) ۱۵ سال

۶- تعداد سال‌های دوره ابتدایی چند سال است؟

۱) ۴ سال ۲) ۵ سال ۳) ۶ سال ۴) ۷ سال

۷- برنامه درسی ملی چند شاخه تحصیلی در دوره متوسطه دوم دارد؟

۱) ۲ شاخه ۲) ۳ شاخه ۳) ۴ شاخه ۴) ۵ شاخه

۸- زمان اختصاص یافته برای آموزش در دوره ابتدایی چند ساعت در سال است؟

۱) ۸۵۰ ساعت ۲) ۹۲۵ ساعت ۳) ۱۱۵۰ ساعت ۴) ۱۲۵۰ ساعت

۹- کدام مورد جزو شاخه‌های تحصیلی دوره متوسطه دوم نیست؟

۱) نظری ۲) فنی‌وحرفه‌ای ۳) هنرهای تجسمی ۴) کاردانش

۱۰- دوره پیش‌دبستانی در ایران چند سال است و آیا اجباری است؟

۱) ۱ سال، اجباری ۲) ۲ سال، غیر اجباری ۳) ۲ سال، اجباری ۴) ۳ سال، اختیاری

۱۱- کدام روش آموزشی در برنامه درسی ملی مورد تأکید است

۱) حفظ کردن بدون تحلیل ۲) یادگیری مشارکتی و پروژه‌محور

۳) تمرکز صرف بر امتحانات نهایی ۴) کاهش نقش والدین در آموزش

۱۲- چه چیزی در ارزیابی دانش‌آموزان اهمیت بیشتری دارد؟

۱) حفظ کردن مطالب کتاب ۲) سنجش میزان پیشرفت فردی و مهارت‌ها

۳) رقابت صرف میان دانش‌آموزان ۴) کاهش نقش معلمان در یاددهی

۱۳- مهم‌ترین نقش معلم در کلاس درس چیست؟

۱) انتقال صرف مطالب آموزشی ۲) تسهیل فرآیند یادگیری و تفکر انتقادی

۳) نظارت بر امتحانات و نمره‌دهی ۴) حذف فعالیت‌های گروهی

۱۴- مدرسه در برنامه درسی ملی چه جایگاهی دارد؟

۱) محیط یادگیری انعطاف‌پذیر و پویا

۲) مرکزی صرف برای اجرای آزمون‌های رقابتی

۳) فضایی برای محدود کردن خلاقیت دانش‌آموزان

۴) یادگیری صرفاً در کلاس درس بدون فعالیت عملی

۱۵- بهره‌گیری از فناوری‌های نوین آموزشی در برنامه درسی ملی به چه هدفی انجام می‌شود؟

۱) کاهش هزینه‌های آموزش

۲) تقویت یادگیری و تحقیق دانش‌آموزان

۳) افزایش تمرکز بر آزمون‌های کتبی

۴) جایگزینی کامل معلمان با هوش مصنوعی

۱۶- تعداد حوزه‌های یادگیری در برنامه درسی ملی چند مورد است؟

۱) ۸ حوزه ۲) ۱۰ حوزه ۳) ۱۱ حوزه ۴) ۱۳ حوزه

۱۷- هدف اصلی حوزه علوم انسانی چیست؟

۱) شناخت جامعه و نقش فرد در آن ۲) تمرکز صرف بر حفظ کردن مطالب تاریخی

۳) کاهش تحلیل داده‌ها در آموزش ۴) حذف تعاملات اجتماعی

۱۸- در حوزه تربیت و یادگیری فرهنگ و هنر، بر کدام مهارت تأکید شده است؟**

۱) تحلیل آثار هنری و فرهنگی ۲) حفظ کردن آثار ادبی بدون تحلیل

۳) کاهش تأکید بر خلاقیت هنری ۴) تمرکز صرف بر ریاضیات و علوم تجربی

۱۹- نقش حوزه سلامت و تربیت بدنی چیست؟

۱) حفظ سبک زندگی سالم و ورزش
۲) کاهش اهمیت تربیت بدنی در مدارس
۳) حذف برنامه‌های ورزشی
۴) تمرکز بر مشاغل فنی و صنعتی

۲۰- کدام مهارت در حوزه کار و فناوری مهم‌تر است؟

۱) مهارت‌های عملی و ارتباطی
۲) کاهش مهارت‌های شغلی
۳) تمرکز صرف بر تئوری‌های فناوری
۴) حذف نیاز به مهارت‌های عملی

۲۱- ارزشیابی دانش‌آموزان چگونه انجام می‌شود؟

۱) صرفاً بر اساس امتحانات نهایی
۲) با سنجش مهارت‌های یادگیری و رشد فردی
۳) فقط بر اساس آزمون‌های رقابتی
۴) کاهش توجه به میزان پیشرفت فردی

۲۲- مهم‌ترین ویژگی نظام ارزشیابی چیست؟

۱) تمرکز بر پیشرفت مستمر دانش‌آموزان
۲) حذف تأکید بر مهارت‌های اجتماعی
۳) افزایش استرس در بین دانش‌آموزان
۴) کاهش کیفیت آموزش

۲۳- کدام گزینه جزء روش‌های پیشنهادی ارزشیابی در برنامه درسی ملی است؟**

۱) آزمون‌های رقابتی ناسالم
۲) خودارزیابی و پروژه‌محور
۳) نمره‌دهی صرف بدون تحلیل عملکرد
۴) حذف ارزشیابی از برنامه درسی

۲۴- نقش معلمان در ارزشیابی چیست؟

۱) انتقال محتوای درسی بدون مشارکت دانش‌آموز
۲) تسهیل فرآیند یادگیری و تشویق به تفکر انتقادی
۳) نظارت بر امتحانات نهایی و نمره‌دهی صرف
۴) کاهش تعامل با دانش‌آموزان و والدین

۲۵- در برنامه درسی ملی، تأکید بر چه نوع ارزشیابی است؟

۱) فقط نتیجه‌محور
۲) فقط فرآیندمحور
۳) ترکیبی از فرآیندمحور و نتیجه‌محور
۴) حذف روش‌های نوین ارزشیابی

۲۶- اهمیت گزارش عملکرد تحصیلی چیست؟

۱) افزایش استرس در دانش‌آموزان
۲) بررسی صرفاً نمرات پایانی
۳) ارائه تصویری جامع از پیشرفت دانش‌آموز
۴) حذف ارزیابی‌های فردی

۲۷- در ارزشیابی جدید، چه چیزی مهم‌تر از نمره است؟

۱) رقابت بین دانش‌آموزان
۲) کسب مهارت‌های عملی و اجتماعی
۳) حفظ کردن صرف مطالب کتاب
۴) تمرکز بر آزمون‌های کتبی

۲۸- چه عاملی می‌تواند ارزشیابی را مؤثرتر کند؟

۱) محدود شدن به امتحانات کتبی
۲) حذف پروژه‌های عملی
۳) توجه به روش‌های یادگیری متنوع
۴) کاهش نقش دانش‌آموز در ارزیابی

بخش ششم

زبان و ادبیات فارسی

در این قسمت معنی ابیاتی مهم از متون برجستهٔ ادب فارسی مانند گلستان، بوستان، شاهنامه، کلیات شمس، دیوان حافظ، منطق‌الطیر و ... بررسی می‌شود.

✸وان دفـع گفتنـت کـه: بـرو شـه بـه خانـه نیسـت وان نـاز و بـاز و تنـدی دربـانم آرزوسـت
(کلیات شمس)

دفع گفتن: ردکردن، دفع کردن.

☑ **معنی:** اینکه تو مرا از درگاه شاه جهان می‌رانی و آن‌گونه که دربان با من ناز و تندی می‌کند، آرزوی قلبی من است.

✸جنـگ هفتـاد و دو ملـت همـه را عـذر بنـه چـون ندیدنـد حقیقـت ره افسـانه زدنـد
(حافظ)

ملّت: کیش، آیین، مذهب

☑ **معنی:** ستیزه و پیکار هفتاد و دو ملت از مجموع هفتاد و سه فرقهٔ اسلام را از تعصب و نادانی بدان و عذرشان را بپذیر، چه طریق یگانهٔ حق را نشناختند و به راه پندار و خرافات رفتند و گمراه شدند.

✸کـس چـو حـافظ نگشـود از رخ اندیشـه نقـاب تـا سـر زلـف سـخن را بـه قلـم شـانه زدنـد
(حافظ)

رخ اندیشه، زلف سخن: اضافه‌ی استعاری

☑ **معنی:** از آن روز که گیسوی عروس سخن را با شانهٔ قلم آرایش دادند، هیچ سخن‌سرائی مانند حافظ از چهرهٔ بکر هنر پرده برنگرفت و جمال او را آشکار نساخت.

✸اگـر چنـد سـیمرغ ناهـار بـود تـن زال پـیش انـدرش خـوار بـود
(شاهنامه)

ناهار: گرسنه **زال:** پدر رستم، قهرمان شاهنامه

☑ **معنی:** هرچند سیمرغ گرسنه بود؛ اما تن زال در نظرش بسیار کوچک و حقیر بود و از خوردن آن صرف نظر کرد.

✸بـه بـوی نافـه‌ای کـاخر صـبا زان طـره بگشـاید ز تـاب جعـد مشـکینش چـه خـون افتـاد در دل‌هـا
(حافظ)

بو: امید **آخِر:** سرانجام، عاقبت **صبا:** باد بهاری

طّره: موی آراسته بر پیشانی **جعد:** موی پیچان و گره‌گیر

☑ **معنی:** به امید آن که باد صبا گرهی از آن زلف بگشاید، تا عطری از آن برای ما بیاورد، چقدر دل‌ها از انتظار خون شد.

***پادشاهی نه به دستور کند یا گنجور نقشبندی نه به شنگرف کند یا زنگار**
(کلیات سعدی)

دستور: وزیر **گنجور:**ثروتمند
نقشبندی: نقاشی، تصویرگری **زنگار:** اکسید مس، رنگ سبز.
شنگرف: ماده‌ای سرخ‌رنگ که در نقاشی به‌کار می‌برند
☑ **معنی:** خداوند نه به کمک وزیر و ثروتمندی حکم می‌راند و نه به کمک رنگ سبز و سرخ تصویرگری می‌کند و می‌آفریند.

***هر که علم شد به سخا و کرم بند نشاید که نهد بر درم**
(گلستان)

عَلَم شدن: کنایه از معروف و مشهور شدن **نشاید:** شایسه نیست
بند بر درم نهادن: حبس کردن پول (کنایه از خرج نکردن و نبخشیدن آن به دیگران)
☑ **معنی:** هرکس به بخشش معروف شد، شایسته نیست که از خرج کردن پول خود دریغ کند.

***چو کاری بی‌فضول من برآید مرا در وی سخن گفتن نشاید**
***وگر بینم که نابینا و چاه است اگر خاموش بنشینم گناه است**
(گلستان)

بی‌فضول: بدون دخالت **نشاید:** شایسته نیست **و:** در مقابل
☑ **معنی:** وقتی کاری بدون دخالت من انجام شود شایسته نیست دربارهٔ آن حرفی بزنم؛ ولی اگر ببینم در مقابل نابینایی، چاهی وجود دارد ساکت بودن خود را گناه می‌دانم. (هر جا لازم باشد سخن می‌گویم.)

***آن که جنگ آرد به خون خویش بازی می‌کند روز میدان آن که بگریزد به خون لشکری**
(گلستان)

به خون خود بازی‌کردن: کنایه از جان خود را از دست دادن.
به خون لشکری: موجب کشته‌شدن لشکر می‌شود.
☑ **معنی:** کسی که به جنگ روی می‌آورد در میدان جنگ جان خود را از دست می‌دهد و آن‌کس که می‌گریزد موجب کشته‌شدن سپاهیان خود می‌شود.

***هیچ صیقلی نکو نداند کرد آهنی را که بدگهر باشد**
(همان)

صیقل: جلادهنده **بدگهر:** بد اصل
☑ **معنی:** به عنوان مثال آهنی که بداصل باشد نمی‌توان آن را خوب جلا داد.

✸سگ به دریای هفت‌گانه بشوی که چو تر شد پلیدتر باشد

دریای هفت‌گانه: در قدیم، پیش از اسلام اقوام مختلف از آن جمله عرب‌ها و هندوان، هفت دریا را روی زمین می‌شناخته‌اند و آنها عبارت بودند از: دریای اخضر، دریای عمان، دریای قلزم (بحر احمر)، دریای بربر، دریای اقیانوس، دریای قسطنطنیه (بحرالروم) دریای اسود، بعضی نیز دریای چین، دریای مغرب، دریای روم، نیطس، دریای طبریه، دریای جرجان و دریای خزر را نام برده‌اند.

☑ **معنی:** به عنوان مثال اگر سگ را در دریای هفت‌گانه بشویی وقتی که خیس می‌شود آلوده‌تر می‌شود. و پلیدی آن نه تنها از بین نمی‌رود بلکه بدتر می‌شود.

✸از من بگوی حاجی مردم‌گزای را کو پوستین خلق به آزار می‌درد
✸حاجی تو نیستی، شترست از برای آنک بیچاره خار می‌خورد و بار می‌برد

(همان)

مردم‌گزای: آزاردهندهٔ مردم **پوستین خلق دریدن:** کنایه از غیبت کردن.

☑ **معنی:** از طرف من به حاجی مردم‌آزار که غیبت مردم می‌کند، بگو که حاجی واقعی تو نیستی بلکه شتر است؛ چرا که او خار می‌خورد و بار می‌برد.

✸پسری را پدر نصیحت کرد کای جوان بخت، یادگیر این پند
✸هرکه با اهل خود وفا نکند نشود دوست‌روی و دولتمند

(همان)

اهل: خانواده **دوست‌روی:** محبوب **دولتمند:** ثروتمند

☑ **معنی:** پدر، پسری را نصیحت کرد و گفت: ای جوان بخت! این پند را بیاموز که هرکس به خانوادهٔ خود وفادار نباشد، محبوب و ثروتمند نمی‌شود.

✸آن شنیدی که شاهدی به نهفت با دل از دست‌رفته‌ای می‌گفت:
✸تا تو را قدر خویشتن باشد پیش چشمت چه قدر من باشد؟

شاهد: زیبارو، معشوق **به نهفت:** پنهانی

دل از دست‌رفته: عاشق **قدر:** ارزش

☑ **معنی:** آیا این را شنیده‌ای که معشوقی پنهانی به عاشقی می‌گفت: تا وقتی که وجود خودت برایت باارزش باشد، من در نظرت بی‌ارزشم. (عاشق باید در راه عشق از وجود خودش نیز بگذرد و پاک‌باخته باشد.)

✸خداترس را بر رعیّت گمار که معمار ملک است پرهیزگار
✸بداندیش توست آن و خونخوار خلق که نفع تو جوید در آزار خلق

(بوستان)

معمار: بر وزن مفعال (صیغه مبالغه) است به معنی بسیار آباد کننده.

خونخوار: دشمن **بداندیش:** دشمن

☑ **معنی:** خداترس را حاکم کن؛ زیرا فرد خداترس و پرهیزگار آبادکنندهٔ سرزمین توست. آن‌کس که به

نفع تو مردم را آزار می‌دهد دشمن تو و مردم است.

✸**مکن به نامه سیاهی نگاه در من مست که آگه است که تقدیر بر سرش چه نوشت؟**
(حافظ)

تامه سیاهی: کنایه از گناهکاری
ملامت: سرزنش **که ....** : استفهام انکاری:کسی آگاه نیست.
☑ **معنی:** مرا به گناهکاری سرزنش مکن. چه کسی به تقدیر آینده‌ی خود آگاه است؟

✸**چو سوفارش آمد به پهنای گوش ز شاخ گوزنان برآمد خروش**
(شاهنامه)

سوفار: تیر **شاخ گوزنان:** گاهی کمان را از شاخ گوزن می‌ساختند **خروش:** فریاد
☑ **معنی:** همین که انتهای تیر به گوش رستم نزدیک شد، از کمان فریادی برخاست.

✸**هم آنگه یکایک ز درگاه شاه برآمد خروشیدن دادخواه**
(همان)

یکایک: ناگهان
برآمد: بلند شد **خروشیدن:** بانگ‌زدن با اعتراض، فریادزدن با پرخاش
دادخواه: خواهندهٔ داد (کنایه از کاوه آهنگر)
☑ **معنی:** در آن لحظه، ناگهان از درگاه شاه، فریاد کاوه بلند شد.

✸**تو نیکو روش باش تا بدسگال به نقص تو گفتن نیابد مجال**
(بوستان)

نیکوروش: درست‌کار **بدسگال:** بداندیش، دشمن **مجال:** فرصت
☑ **معنی:** تو درستکار باش تا دشمنت فرصت عیبجویی از تو را نداشته باشد.

✸**گفت برتر شو از بر خورشید که رطب خیره بار نارد بید**
(خلاصه‌ی حدیقه)

بار: میوه، ثمر **خیره:** بیهوده **نارد:** نیاورد
☑ **معنی:** گفت تلاش کن که از خورشید هم بالاتر بروی (تلاش کن به مقام بلندی برسی) زیرا درخت بید که درخت بی‌ثمری است هرگز خرما نمی‌دهد.
(مصرع دوم مثلی است برای انتظار نابه‌جا داشتن از چیزی.)

✸**صهبای یقین درکش و از دیر گمان خیز.** (اقبال لاهوری)
دیر: صومعه، معبد **دیرگمان:** اضافه‌ی تشبیهی
☑ **معنی:** شراب ایمان کامل را بنوش و دیر شک و تردید را رها کن.

***گـر بانـگ برآیـد کـه سـری در قـدمی رفـت بسـیار مگوییـد کـه بسـیار نباشـد**

(کلیات سعدی)

سردر قدم کسی رفتن: کنایه از فدا شدن جان، جان نثارکردن

☑ **معنی** جان نثارکردن در راه معشوق، بسیار نباشد. (بی‌ارزش است و فدا شدن در راه معشوق آسان است.)

***بـه لطفـی کـه دیـده اسـت پیـل دمـان نیـارد همـی حملـه بـر پیلبـان**

(بوستان)

دمان: خشمگین **نیارد:** نمی‌تواند

☑ **معنی:** به خاطر لطف و محبتی که فیل خشمگین از فیلبان دیده است، نمی‌تواند به او حمله کند.

***آن کـه مـردن پـیش چشـمش تهلکـه اسـت امـر «لاتلقـوا» بگیـرد او بـه دسـت**

(مثنوی)

تهلکه: به هلاکت انداختن

☑ **معنی:** آن‌کس که مرگ جسمانی را هلاکت و نیستی کامل حساب می‌کند، آیه‌ی «لاتُلْقُوا بِأَیدیکُمْ إلیَ التّهلکه» را دستاویز خود می‌سازد. بیت اشاره دارد به آیه‌ی ۱۹۴ سوره‌ی بقره (خود را با دست خود به هلاکت نیندازید.)

***ز سر شعر گلنار بگشود زود.** (شاهنامه)

شعر:گیسو مو **گلنار:** سرخ رنگ

معنی: از سرگیسوی سرخ رنگ را گشود.

***تابان به سان گوهر اندر میان خوید.** (کسایی)

خوید: گندم و جو نارس. (به معنی غله‌زار هم هست.)

معنی: مانند گوهر درخشان در میان گندم (زار) بود.

***تمیـز بایـد و تـدبیر و عقـل و آنگـه ملـک که ملـک و دولـت نـادان سـلاح جنـگ خداسـت**

(همان)

تمییز: تشخیص **تدبیر:** اندیشه، تفکر **ملک:** پادشاهی

☑ **معنی:** ابتدا باید فردی دارای قدرت تشخیص و تفکر و عقل باشد تا شایستهٔ پادشاهی شود؛ زیرا پادشاهی و حکومت نادان وسیله‌ای است برای ظلم و مبارزه با خداوند.

***گـر از بسـیط زمـین، عقـل منعـدم گـردد بـه خـود گمـان نبـرد هـیچ‌کـس کـه نـادانم**

(همان)

بسیط: پهنه **منعدم:** نابود

☑ **معنی:** اگر عقل از روی زمین محو و نابود شود هیچ‌کس گمان نمی‌کند نادان است. (حتی اگر عقل وجود نداشته باشد بازهم همه، خود را عاقل می‌پندارند و گمان نادانی به خود راه نمی‌دهند.)

✸سخندان پرورده پیرکهن بیندیشد آنگه بگوید سخن

(گلستان)

سخندان: سخن‌شناس **پرورده:** پروش یافته، باتجربه

☑ **معنی:** فرد سخن‌شناس باتجربه، زمانی سخن می‌گوید که کاملا دربارهٔ آن فکر کرده باشد.

✸بپرس هرچه ندانی که ذلّ پرسیدن دلیل راه تو باشد به عزّ دانایی

(همان)

ذلّ: خواری، ذلّت **دلیل:** راهنما **عزّ:** عزّت، ارجمندی

☑ **معنی:** هرچیزی را که نمی‌دانی بپرس؛ زیرا ذلت پرسیدن تو را به عزّت دانایی راهنمایی خواهد کرد.

✸یاد آر ز شمع مرده یار آر

(دیوان دهخدا)

شمع مرده : استعاره از میرزا جهانگیرخان شیرازی.

دهخدا این شعر را در رثای میرزا جهانگیرخان شیرازی، یکی از دو مدیر روزنامه‌ی صوراسرافیل که از آزادی خواهان بود و به دستور محمدعلی‌شاه او را در سال ۱۳۲۶ هـق دستگیر و با طناب در باغ شاه خفه کردند، سروده است.

☑ **معنی:** از شمع خاموش یاد کن.

✸بگشود گره ز زلف زرتار محبوبه‌ی نیلگون عماری

زرتار: زربفت، استعاره از شعاع‌های زرین خورشید **نیلگون:** لاجوردی، نیلی

عماری: کجاوه، هودج مانندی که بر پشت اسب و فیل و شتر می‌بندند و بر آن می‌نشیند و سفر می‌کنند؛ محبوبهٔ نیلگون عماری: استعاره از خورشید.

☑ **معنی:** خورشید طلوع کرد.

✸مرغان نظربازِ سبک‌سیر، فروغی از دامگه خاک بر افلاک پریدند

(همان)

مرغان..... : استعاره از عارفان **سبک سیر:** سیر و پریدنشان راحت است

دامگه خاک: اضافهٔ تشبیهی

☑ **معنی:** ای فروغی! عارفان که راه سلوک را آسان طی‌کردند از این جهان خاکی- که چون دام و تلهٔ فریبنده است - به جهان برتر صعود کردند.

✱دامـــن خـــویش ز خـــون مـــژه گلشـــن کـــردم از فـــراق تـــو چـــه گـــل‌هـــا کـــه بـــه دامـــن کـــردم

خون مژه: استعاره از اشک خونین **گلشن کردن:** بسیار گریستن

☑ **معنی:** در فراق و دوری یار بسیار گریستم و خـون گریـه کـردم چنانکـه از اشـک فـراوان، دامـنم چـون گلشن شد. (اشک فراوان موجب رویش گل بر دامنم شد.) در بیت صنعت اغراق به کار رفته است.

✱ســـخت گیـــرد خـــام‌هـــا مـــر شـــاخ را زآن که در خامی نشاید کاخ را

(همان)

خام‌ها: افراد خام طبع و نارسیده **کاخ:** بارگاه حضرت شاه و فرمانروای هستی

نشاید: شایسته نیست

☑ **معنی:** افراد خام‌طبع به علایق این جهانی دلبستگی بیشتری دارند (مانند میوه‌های نرسیده که به شـاخه‌هـا چسبیده و از آن جدا نمی‌شود) زیرا در خامی شایستگی رسیدن به بارگاه فرمانروای هستی را ندارند.

✱چـــون بپخـــت و گشـــت شـــیرین، لـــب‌گـــزان ســـســـت گیـــرد شـــاخ‌هـــا را بعـــد از آن

(همان)

لب‌گزان: بسیار شیرین

☑ **معنی:** زمانی که میوه‌ها برسد و شیرین شود از شاخه‌ها جدا می‌شود. انسان هم، چنین است. زمانی که به مرحلهٔ پختگی و کمال رسید به‌راحتی دست از علایق این جهان می‌کشد.

✱این زبـان چـون سـنگ و هـم آهـن‌وش اسـت و آنـــچ بجهـــد از زبـــان چـــون آتـــش اســـت

(همان)

آهن‌وش: مانند آهن

☑ **معنی:** زبان مانند سنگ و آهن است و آنچه از آن بیرون می‌آید آتش است یعنی سـخن ماننـد آتـش (سـوزاننده) است. (همانطور که بر اثر برهم خوردن سنگ چخماق و آهن، اخگـر تولیـد مـی‌شـود، از حرکـت زبـان و تکلـم اشخاص ادب ناآموخته نیز فتنه و غوغا پدید می‌آید.)

✱ای حیـــــات عاشـــــقان در مردگـــــی دل نیـــــابی جـــــز کـــــه در دل بردگـــــی

(همان)

دل نیایی: صاحبدل نمی‌شوی **دل‌بردگی:** عاشقی، عاشق شدن

☑ **معنی:** ای مدّعی عاشقی! بدان که حیات واقعـی عاشـقان مـردن اسـت در راه معشـوق و تـا بـه معشـوق حقیقی دل ندهی، صاحب‌دل نشوی.

✱جبرئیـــــل مقـــــیم آســـــتانت افـــــلاک، حـــــریم بارگاهـــــت

(همان)

مقیم: ساکن، اقامت‌کننده

☑ **معنی:** جبرئیل در آستان و بارگاه تو ساکن است و افلاک بارگاه توست. (مقام تو بسیار والاست.)

***ای طـــــــاق نهـــــــم رواق بـــــــالا بشکســـــــته ز گوشـــــــه‌ی کلاهـــــــت**
(همان)

طاق نهم: به عقیدهٔ گذشتگان، طاق نهم، همان فلک‌الافلاک یا فلک نهم است که بر افلاک دیگر احاطه دارد.

☑ **معنی:** تو آن چنان بلندمقامی که گوشهٔ کلاهت بالاتر و برتر از فلک نهم است.

***چـــه اندیشـــی از خـــود کـــه فعلـــم نکوســـت از آن در نگـــــرکن کـــــه توفیـــــق اوســـــت**
(بوستان)

فعل: عمل **توفیق:** موافق شدن ارادهٔ خداوند با خواست بنده.

☑ **معنی:** چرا فکر می‌کنی کار نیکی که انجام می‌دهی، منوط به توست درحالی که توفیق الهی عامل اصلی آن است.

***ز یـزدان دان نـه از ارکـان کـه کوتـه‌دیـدگی باشـد کـه خطـی کـز خـرد خیـزد، تـو آن را از بنـان بینـی**
(دیوان سنایی)

ارکان: ج رکن، عناصر **کوته‌دیدگی:** کوتاه بینی **بنان:** انگشت

☑ **معنی:** عامل اصلی هرکاری که انجام می‌دهی را خداوند بدان نه ارکان طبیعی؛ زیرا کوتاه‌بینی است اگر خطی را که مبدأ آن عقل است، از انگشتان بدانی.

***ور امروز انـدر ایـن منـزل تـو را جـانی زیـان آمـد زهی سـرمایه و سـودا کـه فـردا زآن زیـان بینـی**
(همان)

این منزل: کنایه از دنیا **سودا:** سود و منفعت **فردا:** روز قیامت

☑ **معنی:** اگر در این دنیا در راه دین خدا ضرر و زیانی به جان تو وارد شود، در روز قیامت سود فراوانی به خاطر این زیان، نصیب تو خواهد شد.

***عطـا از خلـق چـون جـویی، گـر او را مـال‌ده گـویی به سـوی عیـب چـون پـویی، گـر او را غیـب‌دان بینـی**
(همان)

عطا: بخشش **مال‌ده:** دهندهٔ مال **غیب‌دان:** آگاه به اسرار نهانی

☑ **معنی:** اگر بخشش و مال‌دهی را از مردم بدانی و خلق را آگاه به اسرار عالم نهان به حساب‌آوری، راه و اندیشه‌ی نادرستی در پیش گرفته‌ای.

***عنـان‌گیـر تـو گـر روزی جمـال درد دیـن باشـد عجـب نبـود کـه بـا ابـدال خـود را هـم‌عنـان بینـی**
(همان)

عنان‌گیر: زمام‌دار، هدایت‌کننده

ابدال: نیکان، برگزیدگان **هم‌عنان:** برابر، همراه، هم‌سنگ.

☑ **معنی:** اگر دین، هدایت‌کننده‌ی تو باشد جای تعجب نیست که تو با نیکان همراه و برابر شوی.

***همـــــه روز را روزگـــــار اســـــت نـــــام یکـــــی روز دانـــــه اســـــت و یـــــک روز دام**
(نظامی)

☑ **معنی:** سپری‌شدن روزها درپی هم را روزگار می‌نامند؛ درحالی که یک روز دانه و یک روز دام است و هر روز موجب فریب و سرگرمی توست.

***یکـــــی روز مـــــرد آرزومنـــــد نـــــان دگـــــر روز بـــــر کشـــــوری مرزبـــــان**
(همان)

مرزبان: حکمران، حاکم.

☑ **معنی:** رسم دنیا چنین است که آدمی یک روز در آرزوی نان است و نیازمند و روز دیگر حاکم و فرمانروای کشوری است. (یک روز فقیر است و روز دیگر ثروتمند).

***از این شعر تر شیرین ز شاهنشه عجب دارم که سرتاپای حافظ را چرا در زر نمـی‌گیـرد**

☑ **معنی:** از شاه زمان تعجب دارم که چرا همهٔ وجود حافظ را به خاطر این شعر تازهٔ شیرین با طلا نمی‌پوشاند.

***اگرچـــه احســـان، آزادگـــی اســـت انـــدر مـــال ولیـــک بنـــدگی انـــدر قبـــول احســـان اســـت**
(حافظ)

احسان: بخشش **قبول:** پذیرش

☑ **معنی:** اگرچه، بخشش، نشانهٔ آزادگی است؛ اما پذیرفتن بخشش دیگران به منزلهٔ بندگی است.

***برآمـــــد زاغ رنـــــگ و مـــــاغ پیکـــــر یکـــــی میـــــغ از ســـــتیغ کـــــوه قـــــارن**
***چنـــان‌چـــون صـــد هـــزاران خـــرمن‌اتـــر کـــه عمـــدا درزنـــی آتـــش بـــه خـــرمن**
(منوچهری)

زاغ رنگ: سیاه **ماغ پیکر:** ابر عظیم **تیغ:** قله

کوه قارن: کوهی در مازندران **چنان چون:** مانند (ادات تشبیه)

☑ **معنی:** ابری سیاه و عظیم از قلهٔ کوه قارن پدیدار شد، گویی که صدهزار خرمن تر را به عمد آتش زده باشی.

***بـــس خـــوب را کـــه از پـــی معنـــی زشـــت او صـــورت بـــدل کننـــد بـــه زیـــر غطـــای خـــاک**
(گزیده اشعار سیف فرغانی)

غطا: پوشش، پرده **بدل کردن:** عوض کردن

☑ **معنی:** امور پسندیدهٔ بسیاری را که حقیقت بدی در پی دارد و موافق منافع این جهانی نیست در سپس پرده جهان خاکی، موافق طبع خود تغییر می‌دهند.

***بلقـــیس‌وار عـــدل ســـلیمان طلـــب مکـــن کـــز ظلـــم هســـت ســـیل عـــرم در ســـبای خـــاک**
(همان)

بلقیس: ملکهٔ سرزمین سبا **عرم:** نام سدی که بلقیس در سرزمین سبا، در میان دو کوه، با

سنگ و قیر ساخته بود و بدان وسیله آب باران را جمع و قسمت می‌کرد، در آیـه ۱۶ سـورهٔ سـبا بـه آن اشـاره شده است. بعد از مرگ بلقیس چون قوم سبا طغیان کرد، خداوند موشان را برایشان مسلط ساخت و آن بند را سوراخ کردند و سیل در شهر ایشان افتاد و ایشان و سراهایشان را ویران کرد.

☑ **معنی:** تو در این دنیا مانند بلقیس در پی عدل سلیمان نباش؛ زیرا سرانجام ظلم و ستم، نابودی و ویرانی است.

✸آتش خـورم بـه سـان شـتر مـرغ کـاب و نـان　　مسـمـوم حادثـات شـد انـدر وعـای خـاک

(همان)

آتش خوردن: کنایه از روز خوش نداشتن، ناگوار بودن زندگی. تشبیه آتش به شترمرغ، سرخی آتش مانند سرخی نوک شترمرغ و سیاهی زغال مانند هیکل آن.

حادثات: ج حادثه، اتفاقات　　**وعا:** ظرف

☑ **معنی:** من به جای غذا، آتش می‌خورم؛ زیرا غذا در ظرف این دنیای خاکی آلوده‌ی حوادث شده و برایم ناگوار است. (مقصود این است که به سبب اتفاقات ناگوار دنیا، روز خوش ندارم.)

✸گویی زمان شـده سـت کـه از هیضـه قـی‌کنـد　　کـز حـد بشـد ز خـوردن خلـق، امـتلای خـاک

(همان)

هیضه: ثقل سرد، سنگینی معده　　**قی‌کردن:** استفراغ کردن

ابتلا: پرشدن، آکنده‌شدن

☑ **معنی:** گویی زمان آن فرا رسیده که جهان خاکی به سبب سنگینی معده قی کند: زیرا بیش از حد خـون مردم را خورده و معده‌اش پر شده است. (روزگار بسیار ناگوار است.)

✸دسـتم نـداد قـوت رفـتن بـه پـیش دوسـت　　چنـدی بـه پـای رفـتم و چنـدی بـه سـر شـدم

(کلیات سعدی)

دست ندادن: ممکن نشدن　　**به سررفتن:** با ذوق و اشتیاق رفتن.

☑ **معنی:** توان رفتن پیش محبوب برایم میسر نشد، زمانی با پای رفتم و زمانی با اشتیاق و شتابان رفتم.

✸تـا رفتـنش ببیـنم و گفتـنش بشـنوم　　از پـای تـا بـه سـر همـه سـمع و بصـر شـدم

(همان)

از پای ... : کنایه از تمام وجود　　**سمع:** گوش　　**بصر:** چشم

☑ **معنی:** برای اینکه رفتن محبوبم را بنگرم و سخنانش را بشنوم تمام وجودم گوش و چشم شد.

✸بیـزارم از وفـای تـو یـک روز و یـک زمـان　　مجمـوع اگـر نشسـتم و خرسـند اگـر شـدم

(همان)

مجموع: آسوده خاطر　　**خرسند:** راضی، خوشحال

☑ **معنی:** نسبت به تو وفادار نبودم اگر یک لحظه آسوده‌خاطر و آرام و یک زمان راضی، زندگی کرده باشم.

***گویند روی سرخ تو سعدی که زرد کرد؟ اکسیر عشق بر مسم افتاد و زر شدم**
(همان)

مس: استعاره از وجود
اکسیر: جوهری که ماهیت اجسام را تغییر دهد و کامل‌تر سازد، مفید و مؤثر.
☑ **معنی:** به من می‌گویند: ای سعدی! چهره‌ی شاداب تو را چه کسی زردگونه و پژمرده کرده است؟ می‌گویم: اکسیر عشق بر مس وجودم اثر کرد و ارزشمند شدم و زردی رخسارم از آن است.

***اینان که بر این گوشه‌ی بامند، چه نامند؟ تا چند بر این طارم فیروزه خرامند؟**
(خواجوی کرمانی)

طارم : خانه را گویند که از چوب سازند همچو خرگاه و غیره
طارم فیروزه: خانه آبی رنگ: استعاره از آسمان
☑ **معنی:** اینها که بر این گوشهٔ بام (استعاره از آسمان) هستند، نامشان چیست؟ تا کی می‌خواهند بر آن با ناز و خرامان در حرکت باشند.

***در عین علوند، مگر آتش مخصمند؟ یا آب حیاتند که در عین ظلامند؟**
(همان)

علو: بلندی **ظلام:** تاریکی، سیاهی
☑ **معنی:** همیشه در بلندی هستند، شاید آتش‌اند یا اینکه آب حیاتند و یا تاریکی محض‌اند.

***نقشی نه مصور به تصاویر طبایع جسمی نه مرکب به تراکیب عظامند.**
(همان)

مصوّر: تصویرشده، نقاشی‌شده **عظام:** استخوان **طبایع:** ج طبیعت
☑ **معنی:** این‌ها نقشی هستند که مانند طبیعت‌های دیگر نقاشی نشده‌اند و جسمی هستند که مانند استخوان‌ها و پوست ترکیب نشده‌اند. آفرینش اینها با دیگر آفریده‌ها متفاوت است.

***بیرون ز حواسند نه محروس اناسند فیاض عقولند نه فایض چو غمامند**
(همان)

بیرون: خارج **محروس:** حراست‌شده، حفظ‌شده **اناس:** مردم، ج ناس
فیاض: بخشنده **فایض:** فیض‌دهنده، فرو ریزنده **غمام:** ابر
☑ **معنی:** با حواس درک نمی‌شوند و توسط مردم حفظ نمی‌شوند، عقل‌ها را می‌بخشند نه که مانند ابر فروریزنده باشند.

***در عین خیالند و تو گویی که خیالند ویـن نیز خیال است که امثال انامند**
(همان)

خیال: گمان، وهم **امثال:** مثل و مانند **انام:** ج نوم، خواب

☑ **معنی:** انگار آنها مانند خیال‌اند و یا حقیقتاً خیال‌اند و اینکه مثل خواب هستند نیز خیال است.

این چند بیت در توصیف ستارگان است.

***سر نگویم هین رها کن پای من فهم کو در جمله‌ی اجزای من؟**
(همان)

سرّ: راز **هین:** شتاب کن، زود باش.

☑ **معنی:** من در کوزهٔ ابتلا سرنگون شده‌ام، شتاب کن، زود باش! پایم را رها کن. یعنی دست از من بردار اصلاً آیا ذره‌ای هوشیاری عافیت‌طلبانه در من سراغ دارید؟ معلوم است که ندارید. چون من عاشق بی‌خویش عافیت‌سوزی هستم که در باب منافع شخصی حتی یک رگم هشیار نیست.

***من نخواهم زد دگر از خوف و بیم این چنین طبل هوا زیر گلیم**
(همان)

طبل زیر گلیم زدن: کنایه از پنهان کردن امری آشکار

طبل هوا...: اخفای عشق درحالی که عشق ذاتاً غمّاز و کشّاف اسرار درون عاشق است.

☑ **معنی:** من زین پس با ترس و هراس و به‌طور نهانی دیگر عشق نمی‌ورزم.

***برنهاده خدای در معراج بر سر ذاتش از لعمرک تاج**
(سنایی)

☑ **معنی:** خداوند در معراج بر سر ذات پیامبر(ص) از لَعَمْرُک تاج نهاده است. این بیت اشاره دارد به آیه‌ی «لَعَمْرُک إنَّهم لَفی سَکَرتهم یَعمْهون» ۱۵/۷۲. ای محمد(ص)! قسم به جان تو که این مردم همیشه در شهوات و گمراهی خود خواهند بود.

***دو جهان پیش همتش به دو جو سرّ مازاغ و ماطغَی بشنو**
(همان)

دو جهان: دنیا و آخرت **به دو جو:** با دو جو برابر بود، کنایه از بی‌ارزشی

سرّ مازاغ...: از هر دو جهان چشم پوشید.

بیت اشاره دارد به آیه‌ی «مازاغَ وَما طَغی» ۵۳/۱۷: چشم پیامبر(ص) به هیچ سو ننگریست و بیرون نشد از آنچه خدای فرموده بود.

***زین سمج تنگ، چشمم چو چشم اکمه است زین بام گشت پشتم چون پشت پارسا**
(همان)

سمج: سوراخ **سمج تنگ:** استعاره از زندان **اکمه:** کور مادرزاد

زین بام: استعاره از سقف زندان **چون پشت پارسا:** کنایه از خمیده بودن کمر

☑ **معنی:** تاریکی زندان موجب شده که من چون نابینایی جایی را نبینم و کوتاهی سقف آن موجب شده که کمرم چون زاهدان که مدام به عبادت مشغولند و در برابر خداوند خمیده قامتند، خم شود.

***آن گـــوهری حســـامم در دســـت روزگـــار کـــاخر بـــرونم آرد یـــک روز در وغـــا**
(همان)

گوهری: باارزش **حسام:** شمشیر **وغا:** جنگ

☑ **معنی:** من آن شمشیر باارزش در دست روزگارم که سرانجام در روز جنگ مرا بیرون خواهد آورد. سرانجام ارزش من نمایان خواهد شد و سودمند خواهم بود.

***ابـــر بهـــاری ز دور، اســـب برانگیختـــه وز ســـم اســـب ســـیاه، لؤلـــؤ تـــر ریختـــه**
(منوچهری)

اسب سیاه: استعاره از ابر بهاری **لؤلؤ تر:** استعاره از قطرات باران

برانگیخته: حرکت داده

☑ **معنی:** ابر بهاری شروع به حرکت کرده و از سم این اسب (ابر بهاری) قطرات باران ریزان است.

***در دهـــن لالـــه بـــاد ریختـــه و بیختـــه بیختـــه مشـــک ســـیاه، ریختـــه درّ ثمـــین**
(همان)

لاله: گل لاله **مشک سیاه:** استعاره از سیاهی گل لاله **بیخته:** الک کرده

درّ: مروارید **ثمین:** گرانبها، استعاره از قطرات باران

مشک: ماده‌ای خوشبو و سیاه.

☑ **معنی:** باد در دهان گل لاله، مشک سیاه الک کرده و مروارید گرانبها ریخته است. بیت اشاره دارد به سیاهی (داغ) گل لاله که قطرات باران روی آن ریخته شده است.

***گشـــت نگـــارین تـــذرو پنهـــان در مرغـــزار همچـــو عروســـی غریـــق در بـــن دریـــای چـــین**
(همان)

تَذَرْو: قرقاول، عندلیب **غریق:** غرق شده.

☑ **معنی:** تذرو زیبا در چمن‌زار پنهان شد مانند عروسی که در ته دریای چین غرق شود.

***برگـــل تـــرعن‌دلیـــب، گـــنج فریـــدون زده اســـت لشـــکر چـــین در بهـــار، خیمـــه بـــه هـــامون زده اســـت**
(همان)

عندلیب: بلبل **گنج فریدون:** آوایی در موسیقی و هم گنجی منسوب به فریدون، استعاره از آواز پرندگان

لشکر چین: استعاره از سبزه‌ها **هامون:** دشت، صحرا **تر:** تازه

☑ **معنی:** برگل تازه و شکوفا بلبل به آوازخوانی مشغول است. دشت و صحرا پر از سبزه‌هاست.

***ســـعدی از ســـرزنش غیـــر نترســـد، هیهـــات غرقـــه در نیـــل چـــه اندیشـــه کنـــد بـــاران را**
(کلیات سعدی)

هیهات: دور است **غرقه:** غرق شده.

☑ **معنی:** سعدی از سرزنش دیگران و غیر از دوست نمی‌ترسد همان‌طور که کسی که در رود نیل غرق

شده است از باران نمی‌ترسد (آنکه به بلای بزرگی گرفتار شده از حوادث کوچکتر نمی‌ترسد.)

✸به زندان قفس، مرغ دلم چون شاد می‌گردد مگر روزی که از این بند غم آزاد می‌گردد
(دیوان فرّخی یزدی)

مرغ دل: اضافهٔ تشبیهی **زندان قفس:** اضافهٔ تشبیهی **مگر:** شاید
بند غم: اضافهٔ تشبیهی.
☑ **معنی:** دلم چگونه در قفس دنیا شاد باشد، شاید روزی که از این زنجیر غم آزاد شود.

✸چون شوم خاک رهش دامن بیفشاند ز من ور بگویم «دل بگردان» رو بگرداند ز من
(حافظ)

خاک راه: خوار و بی‌مقدارشدن **دامن افشاندن:** کنایه از دوری کردن
دل‌گرداندن: کنایه از متوجه‌شدن **روگرداندن:** کنایه از دوری کردن و توجه نکردن.
☑ **معنی:** وقتی خود را در مقابل او خوار و ذلیل می‌کنم از من دوری می‌کند و اگر بگویم که به من توجه کن از من کناره می‌گیرد.

✸گر چو فرهادم به تلخی جان برآید باک نیست بس حکایت‌های شیرین باز می‌ماند ز من
(همان)

جان برآمدن: کنایه از مردن **بازماندن:** باقی‌ماندن
شیرین: ایهام دارد: ۱- شیرین نام معشوق فرهاد ۲- دل‌پذیر
☑ **معنی:** اگر مانند فرهاد به اندوه، بمیرم، مهم نیست؛ زیرا حکایت‌های دل‌پذیر فراوانی از من به یادگار می‌ماند.

✸عارض رنگین به هرکس می‌نماید همچو گل ور بگویم «باز پوشان» باز پوشاند ز من
(همان)

عارض: رخسار **رنگین:** زیبا **بازپوشان:** بپوشان، پنهان کن.
☑ **معنی:** چهرهٔ زیبای چون گل را به هرکس نشان می‌دهد و اگر بگویم چهره‌ات را بپوشان، آن را از من پنهان می‌کند.

✸هرکاو شراب فرقت روزی چشیده باشد داند که سخت باشد قطع امیدواران
(کلیات سعدی)

فرقت: فراق، جدایی **شراب فرقت:** اضافهٔ تشبیهی
قطع: بریدن، قطع امید، ناامیدی
☑ **معنی:** هرکس روزی به جدایی از معشوق گرفتار شده باشد، می‌داند که ناامید کردن امیدواران سخت است.

سوالات طبقه‌بندی شده نظم فارسی

۱- با توجه به این بیت کدام گزینه نادرست است؟

«پادشاهی نه به دستور کند یا گنجور نقشبندی نه به شنگرف کند یا زنگار»

۱) دستور به معنی فرمان است.
۲) بیت درباره‌ی خداوند است.
۳) نقشبندی یعنی تصویرگری
۴) شنگرف: ماده‌ی سرخ رنگ که در نقاشی به کار می‌برند.

۲- مصرع دوم بیت زیر به چه معناست؟

«چو سوفارش آمد به پهنای گوش ز شاخ گوزنان برآمد خروش»

۱) فریاد گوزنان بلند شد. ۲) از کمان فریادی برخاست.
۳) شاخ گوزنان شکست. ۴) ناله‌ی بچه گوزنان به گوش رسید.

۳- در این بیت سخن از چیست؟

«من نخواهم زد دگر از خوف و بیم این چنین طبل هوا زیر گلیم»

۱) تظاهر و ادعا ۲) ترس از عاشقی
۳) آشکارا عشق ورزیدن ۴) مخفی کردن اسرار

۴- معنی درست این واژه‌ها در کدام گزینه آمده است؟« بددلی، مغاک، مَدَن، خاد»

۱) بدگمانی، میدان جنگ، منوش، زغن ۲) بدگمانی، گودال، محرّام، زغن
۳) تردید، چاه، مناز، بزکوهی ۴) دودلی، غوغا، مخروش، اسب

۵- مفهوم این بیت از کدام گزینه دریافت می‌شود؟

« زبان درکش ای مرد بسیاردان! که فردا قلم نیست بر بی‌زبان»

۱) آنکه خاموشی گزیند مواخذه نمی‌شود. ۲) سکوت کن تا بخشیده شوی.
۳) آنچه می‌دانی بگو تا بازخواست نشوی. ۴) دانایی موجب سرزنش است.

۶- این بیت چه چیزی را توصیه می‌کند؟

«کم‌آواز هرگز نبینی خجل جوی مشک بهتر که یک توده گل»

۱) سکوت ۲) شرمساری ۳) کم‌گویی ۴) تأثیرگذاری

۷- مفهوم این بیت با کدام گزینه تناسب ندارد؟

«ابر اگر زندگانی بارد هرگز از شاخ بید بر نخوری»

۱) زمین شوره سنبل برنیارد. ۲) ناکس به ترتیب نشود، ای حکیم، کس
۳) مشت بر سندان مکوب . ۴) انگشت مکن رنجه به در کوفتن کس

۸- «پوستین خلق دریدن» با توجه به این بیت به چه معنی است؟

«از من بگوی حاجی مردم‌گزای را کو پوستین خلق به آزار می‌درد»

۱) غیبت کردن ۲) تجسس کردن ۳) رسوا کردن ۴) ملامت کردن

۹- در این بیت منظور از «دادخواه» کیست؟

«هم‌آنکه یکایک ز درگاه شاه برآمد خروشیدن دادخواه»

۱) رستم ۲) اسفندیار ۳) کاوهٔ آهنگر ۴) سهراب

۱۰- معنی این بیت در کدام گزینه امده است؟

«عنان‌گیر تو گر روزی جمال درد دین باشد عجب نبود که با ابدال خود را هم عنان بینی»

۱) اگر دیندار و باایمان باشی سرانجام به انسان نیکی بدل می‌شوی.
۲) اگر دین، هدایت‌کننده‌ی تو باشد با نیکان برابر می‌شوی.
۳) اگر فرمانبردار دین باشی راهبر نیکان خواهی بود.
۴) اگر دین مانع تو شود از بین نیکان برگزیده می‌شوی.

پاسخ سوالات طبقه‌بندی شده نظم فارسی

۱- گزینه «۱»

دستور یعنی وزیر

۲- گزینه «۲»

گاه کمان را از شاخ گوزنان می‌ساختند و مصرع به این معنی است که از کمان ساخته شده از شاخ گوزنان فریادی برخاست.

۳- گزینه «۳»

طبل هوا زیر گلیم نزدن: پنهان نکردن عشق و آشکارا عشق ورزیدن.

۴- گزینه «۲»

۵- گزینه «۱»

۶- گزینه «۳»

کم‌آواز: کم سخن / جو: مقدار اندک

۷- گزینه «۴»

همه‌ی گزینه‌ها بر انتظار نابجا داشتن و عمل بیهوده انجام دادن دلالت می‌کند.

۸- گزینه «۱»

پوستین دریدن کنایه از غیبت کردن، بدگویی کردن.

۹- گزینه «۳»

۱۰- گزینه «۲»

عنان‌گیر: هدایت‌کننده / ابدال: نیکان، برگزیدگان

در این قسمت جملاتی از متون برجسته‌ی منثور فارسی مانند گلستان، چهارمقاله، تاریخ بیهقی، تاریخ جهانگشا، کلیله و دمنه و .... بررسی می‌شود.

☜ **ذمائم اخلاقش به حمائد مبّدل گشت.**

(گلستان)

ذمائم: ج ذمیمه،نکوهیده‌ها؛ ذمائم اخلاق: خوی‌های زشت و نکوهیده

حماید: ج حمیده، ستوده‌ها

معنی: اخلاق ناپسند او به خوی پسندیده تبدیل شد.

☜ **طفل را اندر تنعّم و جامه‌ی نیکو آراستن خو نکند.**

تنعّم: ناز و نعمت **جامه‌ی نیکو:** لباس گران‌بها.

معنی: کودک را به نازپروردگی و لباس گران‌بها عادت ندهید.

☜ **شاعری صناعتی است که شاعر بدان صناعت، اتّساق مقدمّات موهمه کند و التئام قیاسات منتجه.**

(چهار مقاله)

اتّساق: فراهم آوردن و سامان‌یافتن کار، ترتیب‌دادن **التئام:** سازوار گردانیدن

قیاسات منتّجه: منطقی و به‌سامان بودن کلام **صناعت:** فن و هنر.

مقدمات موهمه: اسباب و لوازم اولیه برای ایجاد و ابهام و فراهم آوردن معانی وهم‌انگیز و خیالی

معنی: شاعری هنری است که شاعر به کمک آن، لوازم اولیه برای ایجاد ابهام و معانی خیال‌انگیز را فراهم می‌کند و کلامی منطقی و به سامان را به وجود می‌آورد.

☜ **کس پیش نوشیروان عادل مژده آورد که خدای عزّوجّل فلان دشمنت برداشت؛ گفت: هیچ شنیدی که مرا فروبگذاشت.**

(گلستان)

برداشت: کشت، از دنیا برد **فرو بگذاشت:** زنده و باقی بگذاشت.

معنی: کسی به انوشیروان عادل مژده آورد که خدای بلندمرتبه و ارجمند فلان دشمنت را کشت. گفت: متوجه شدی که مرا زنده گذاشت.

☜ **او را بازدارید تا بفرماییم که چه باید کرد؟**

باز دارید: بازداشت کنید.

معنی: او را بازداشت کنید تا دستور دهیم که چه کار انجام دهید.

☜ **یکی از پیران مریدی را گفت: چندان که تعلّق آدمی‌زاده به روزی است اگر به روزی‌ده بودی از ملائکه درگذشتی.**

(گلستان)

تعلق: وابستگی **روزی:** رزق

روزی‌ده: رزّاق به مقام از..... مقامش بالاتر از فرشتگان می‌بود.

معنی: یکی از پیران به مریدی گفت: آن اندازه که انسان به روزی توجه دارد اگر به خداوند روزی‌دهنده توجه می‌کرد مقامش از فرشتگان بالاتر می‌بود.

☜ **آورده‌اند که کژدم را ولادت معهود نیست چنان که دیگر حیوانات را بل‌احشای مادر را بخورند و شکمش را بدرند و راه صحرا گیرند و آن پوست‌ها که در خانه‌ی کژدم ببینند، اثر آن است.**

(همان)

کژدم: عقرب **معهود:** مرسوم، معمول **بل:** بلکه **احشای:** اندرونه.

معنی: حکایت کرده‌اند ولادت عقرب مانند دیگر حیوانات نیست، بلکه آن‌ها اندرونهٔ مادر را می‌خورند و شکمش را می‌درند و به صحرا می‌روند و پوست‌هایی که در خانهٔ عقرب مشاهده می‌شود اثر کار آن‌هاست.

☜ **هندویی نفطاندازی همی‌آموخت. حکیمی گفت تو را که خانه نیین است بازی نه این است.**

(همان)

هندویی: هندی **نقطاندازی:** پرتاب شعله‌ی آتش

نیین: از نی، ساخته شده از نی **نه این است:** این نیست.

معنی: فردی هندی پرتاب شعله‌ی آتش می‌آموخت. دانایی گفت تو که خانه‌ات از نی ساخته شده است نباید به این سرگرمی مشغول شوی و این بازی مناسب تو نیست.

☜ **سلطان مسعود، بونصر مشکان را بخواند و گفت: چرا به دیوان رسالت نمی‌نشینی؟**

(بیهقی)

سلطان مسعود: از سلاطین غزنویان پسر محمود غزنوی

بونصر مشکان: رئیس دیوان رسالت محمود و مسعود و استاد بیهقی بود. او از نویسندگان و دبیران و بزرگان دورهٔ غزنویان محسوب می‌شد و به سال ۴۳۰ ه.ق درگذشت

دیوان رسالت: ادارهٔ نامه‌نگاری دولتی

معنی: سلطان مسعود، بونصر مشکان را به حضور خواست و گفت: چرا در دیوان رسالت به کار خود مشغول نیستی؟

☜ **هرمز شکوهمند و فرهمند را می‌ستاییم، امشاسپندان، شهریاران نیک و نیک‌کنش را می‌ستاییم.**

شکوهمند: باشکوه **فره:** نیرویی ازجانب خداوند، شکوه، عزّت

شهریاران: پادشاهان **نیک‌کنش:** نیک‌رفتار، خوش‌رفتار

امشاسپندان: فرشتگان، ملکان، نکوکاران.

معنی: هرمز باشکوه و قدرتمند را می‌ستاییم، جاودانان پاک، پادشاهان نیک و نیک‌رفتار را می‌ستاییم.

او هرگونه اهانت و ایذا را با خونسردی و کم‌زنی مقابله می‌کرد.

ایذا: آزار و اذیت **کم‌زنی:** بی‌توجهی

معنی: او هرگونه اهانت و اذیت را با خون‌سردی و بی‌توجهی مقابله می‌کرد.

در آخر اتاق، یکی از مردان معمّر دهکده، کتاب را بر روی زانو گشوده بود.

(زبان و ادبیات فارسی عمومی ۱و۲)

معمّر: سالخورده

معنی: در آخر اتاق، یکی از مردان سالخورده دهکده، کتاب را بر روی زانو گشوده بود.

عادت جوانان چنان باشد که بر پیران تماخره کنند.

(قابوسنامه)

تماخره: مسخرگی، ریشخند

معنی: عادت جوانان گونه‌ای است که پیران را مسخره می‌کنند.

سیاهی دیدم مغلول و مسلسل بر در خیمه افکنده اندر آفتاب.

(کشف المحجوب)

سیاهی: غلامی سیاه‌رنگ **مسلسل:** زنجیرشده

اندر: زیر **مغلول:** بسته‌شده

معنی: غلام سیاه‌رنگی دیدم که زنجیرشده و بسته‌شده بر در خیمه، زیر آفتاب انداخته بودند.

در زیر قبّه حوضی است از رخام و در میانش فواره‌ای برنجین برآمده.

(سفرنامه‌ی ناصرخسرو)

رخام: سنگ مرمر **برنجین:** ساخته شده از برنج **قبّه:** سقف مدور، گنبد

معنی: در زیر گنبد، حوضی از سنگ مرمر بود و در میان آن حوض فواره‌ای برنجی ساخته شده بود.

روز دیگر در نفار و مکاوحت بربستند و چنگیزخان بر عزیمت مراجعت با بارگاه برخاست و خطبه‌ی سخن بعد از تقریر خلاف و غدر سلطان، چنانکه مشبع ذکری است؛ در آن آغاز نهاد که ای قوم! بدانید که شما گناه‌های بزرگ کرده‌اید و چون از این نمط فارغ شد؛ پرسید که امنا و معتمدان شما کیستند؟

(تاریخ‌جهانگشا)

نفّار: رمیدن، دشمن **مکاوحت:** باهم جنگیدن

بر عزیمت....: به قصد بازگشت به بارگاه بلند شد **نمط:** گونه، نوع

تقریر خلاف و غدر: بیان مخالفت و نیرنگ **مشبع:** مفصل

معنی: روز دیگر جنگ و دشمنی را پایان دادند و چنگیزخان به قصد بازگشت به بارگاه بلند شد و سخنانش را پس از بیان مخالفت و نیرنگ به سلطان ـکه بیان، آن بسیار مفصل است- چنین آغاز کرد که ای قوم! بدانید که شما گناهان بزرگ مرتکب شده‌اید و وقتی که این سخنان را به پایان برد، پرسید افراد مورد اعتماد و امین شما چه کسانی هستند.

تبذیر، اسراف کردن است در انفاق برخلاف رضای خدا و فرمان حق و تضییع مال در طلب جاه و منصب و سخاوت برای شهرت و ثنای خلق و نفقه کردن بر سفها و فسّاق و ظلمه...

تبذیر: اسراف کردن **تضییع:** ضایع‌کردن، تباه‌کردن **جاه:** مقام

سخاوت: بخشندگی **نفقه:** خرج، هزینه **سُفها:** ج سفیه، نادانان

فُسّاق: ج فاسق، فاسقان، تبه‌کاران **ظلمه:** ج ظالم، ستم‌کاران.

معنی: تبذیر، اسراف کردن در بخشش است برخلاف رضای خدا و فرمان حق و تباه‌کردن مال برای به دست آوردن مقام و منصب و بخشندگی برای کسب شهرت و ستایش خلق و خرج‌کردن برای افراد نادان و تبه‌کار و ظالم.

به یمن قدم درویشان و صدق نفس ایشان، ذمائم اخلاقش به حماید مبدل شد و زبان طاعنان در حق وی همچنان دراز که بر قاعده‌ی اول است و زهد و صلاحش نامعّول.

(گلستان)

یمن: مبارکی **صدق:** صداقت **نَفَس:** دم

ذمائم: ج ذمیمه، نکوهیده‌ها **ذمائم اخلاق:** خوی‌های نکوهیده و زشت

حماید: ج حمیده، ستوده‌ها **طاعنان:** ج طاعن، سرزنش کننده

قاعده‌ی اول: رسم و رفتار نخستین و پیشین

صلاح: درستی **نامعّول:** بی‌اعتماد

معنی: به مبارکی قدم درویشان و صداقت دم آن‌ها خوی‌های زشت او به نیکی تبدیل شد و زبان بدگویان هنوز در حق او دراز بود که به رسم و رفتار نخستین است و زهد و درستی‌اش قابل اعتماد نیست.

پدر را گفتم: اینها چنان خواب غفلت‌برده‌اند که گویی نخفته‌اند که مرده‌اند،گفت: جان پدر! تو نیز اگر بخفتی به از آن که در پوستین خلق افتی.

(گلستان)

خواب غفلت‌برده: به خواب غفلت و ناآگاهی فرورفته‌اند

در پوستین کسی افتادن: بدگویی کردن، غیبت کردن.

معنی: به پدر گفتم: این‌ها چنان به خواب غفلت فرورفته‌اند که انگار نخوابیده‌اند، بلکه مرده‌اند. پدر گفت: عزیز پدر! تو نیز اگر بخوابی بهتر از آن است که از مردم بدگویی کنی.

☜ **خشم بیش از حد گرفتن وحشت آرد و لطف بی‌وقت، هیبت ببرد. نه چندان درشتی کن که از تو سیر گردند و نه چندان نرمی که برتو دلیر شوند.**

(همان)

هیبت: بزرگی و شکوه **درشتی:** تندخویی

سیرشدن: کنایه از بیزارشدن **دلیر:** گستاخی، جرأت

لطف بی‌وقت: مهربانی بی‌موقع

معنی: خشم بیش از اندازه موجب ترس می‌شود و مهربانی بی‌موقع، بزرگی و شکوه آدمی را از بین می‌برد. نه آنقدر تندخویی کن که از تو بیزار شوند و نه آنقدر مهربانی کن که نسبت به تو جرأت پیدا کنند.

☜ **او آن ثقه بود که موی در کار او نتوانستی خزید.**

(تاریخ بیهقی)

ثقه: مورد اعتماد و اطمینان

خزید: به اصطلاح امروز، مو لای درز کارش نمی‌رود. کنایه از پیوستگی کامل دو چیز و به مجاز در اینجا به معنی خرده‌گیری و اعتراض بر کار کسی.

معنی: او آن فرد مورد اعتمادی بود که کسی نمی‌توانست بر کار او اعتراض کند.

☜ **جهان خوردم و کارها راندم وگر امروز اجل رسیده است، کس باز نتواند داشت که بردار کشند یا جزدار.**

(همان)

معنی: از نعمت‌ها و خوشی‌های جهان بهره بردم و کارهایم را انجام دادم و اگر امروز زمان مرگ من فرا رسیده است، کسی نمی‌تواند مانع آن شود که به وسیلهٔ دار مرا بکشند یا جز آن (به ماجرای بردار کشیدن حسنک وزیر اشاره دارد.)

☜ **تا آنچه خواهد گفت در خاطر مقرّر نگرداند، در نطق نیارد.**

معنی: دربارهٔ آنچه که می‌خواهد بر زبان جاری سازد، ابتدا بیندیشد سپس سخن بگوید.

☜ **یکدیگر را به اعتذار مضطر نگردانند و با یکدیگر مصابرت نمایند.**

اعتذار: عذرخواهی **مضطر:** ناچار **مصابرت:** صبر و شکیبایی.

معنی: یکدیگر را مجبور به عذرخواهی نکنند و با یکدیگر صبر و شکیبایی داشته باشند.

☜ **هر که بدی را بکشد، خلق را از بلای او برهاند و او را از عذاب خدا.**

(بوستان)

بدی: انسان بدی

معنی: هرکس انسان بدی را بکشد، مردم را از بلای او نجات می‌دهد و او را از عذاب خدا.

☜ **دمدمه‌های اردیبهشت، اصفهان چون شاهزاده‌ی افسون شده‌ی افسانه است.**

(ادبیات فارسی ۲ نظری)

دمدمه: نزدیک

معنی: نزدیک اردیبهشت، اصفهان مانند شاهزادهٔ جادوشدهٔ افسانه است.

☜ **وی فرصتی جستی و تضریب کردی و المی بزرگ بدین چاکر رسانیدی.**

(تاریخ بیهقی)

تضریب: دو به هم زدن، فتنه انگیزی کردن. **الم:** درد و رنج

معنی: او به دنبال فرصت بود و فتنه‌انگیزی می‌کرد و درد بزرگی به این چاکر می‌رساند.

☜ **وقتی خفّاشی چند را با حربا خصومت افتاد و مکاوحت میان ایشان سخت گشت.**

(کلیله و دمنه)

حربا: آفتاب پرست **مکاوحت:** با هم جنگیدن

معنی: زمانی چند خفّاش با آفتاب‌پرست دشمن شدند و خصومت بین آنها بیشتر شد.

☜ **لگری دندان‌قروچه‌ای کرد؛ اما از شدت خشم غیظ و تلاطم خاموش ماند. تم مانند مردی که از هرگونه فشار و مضیقه نجات یافته باشد با صدایی روشن و شاد سخن می‌گفت. لگری گفت: عفریت چه کسی به یاری تو خواهد آمد.**

(ادبیات فارسی ۲نظری)

معنی: لگری دندان‌هایش را از خشم و عصبانیت روی هم فشرد؛ اما خشم و آشوب درون ساکت شد. تم مانند کسی که از هر فشاری نجات یافته باشد با صدای آرام و شاد حرف می‌زد. لگری گفت: شیطان به یاری تو خواهد آمد؟

☜ **یکی را ازملوک عجم، حکایت کنند که دست تطاول به مال رعیّت دراز کرده بود و اذّیت آغاز کرده تا به جایی که خلق از مکاید فعلش برفتند و راه غربت گرفتند. بسی برنیامد که با سلطان به منازعت برخاستند و ملک از تصّرف این به دررفت و بر آنان مقررّ شد.**

(گلستان)

عجم: غیرعرب **تطاول:** دست‌درازی، تجاوز **مکاید:** حیله،نیرنگ **فعل:** کار، عمل

غربت: به غریبی‌رفتن **بسی:** بسیار، خیلی

منازعت: نزاع، دشمنی **برخاستند:** اقدام کردند **تصّرف:** مالکیت

به دررفت: خارج شد **مقرر شد:** ثابت شد، قرارگرفت

برنیامد: نگذشت، زمان زیادی نگذشت. **یکی را...:** از یکی.

معنی: از یکی از پادشاهان غیرعرب حکایت می‌کنند که به مال مردم تجاوز کرده بود و آنها را اذیت می‌کرد تا آنجا که همهٔ مردم از مکر او مسکن خود را ترک کردند و راه سفر و غربت در پیش گرفتند. زمان

زیادی نگذشت که به دشمنی با حاکم قیام کردند و پادشاهی از تصرّف این حاکم ظالم بیرون شد و به آنها رسید.

☜ **همه کس را عقل خود به کمال نماید و فرزند خود به جمال.**

(همان)

همه کس را عقل...: عقل همه کس **به کمال:** کامل‌تر

نماید: به‌نظر می‌رسد. **به جمال:** زیباتر

معنی: عقل همه کس به نظر خودش کامل‌تر است و فرزندش زیباتر. (هرکس عقل خود را کامل‌تر و فرزندش را زیباتر می‌داند.)

☜ **جوهر اگر در خلاب افتد، همان نفیس است و غبار اگر به فلک رسد همان خسیس.**

(همان)

جوهر: گوهر، سنگ قیمتی، کنایه از هرچیز باارزش

خلاب: زمین گلناک، لجن‌زار، کنایه از شرایط و موقعیت بد

خسیس: فرومایه، بی‌مقدار، کنایه از هرچیز بی‌ارزش

معنی: اگر گوهر در لجن‌زار بیفتد، بازهم گران‌بها و ارزشمند است و غبار اگر به آسمان هم برسد، باز بی‌ارزش است.

☜ **چون بر این سیاقت در مخاصمت نفس، مبالغت نمودم به راه راست بازآمد و به رغبت صادق و حسبت بی‌ریا به علاج بیماران پرداختم و روزگار در آن مستغرق گردانید.**

(کلیله و دمنه)

سیاقت: روش مخاصمت نفس، مخالفت با نفس **مبالغت:** زیاده‌روی

رغبت: میل **حسبت:** مزد، پاداش **مستغرق گردانید:** صرف کردم.

معنی: وقتی که به این روش در مخالفت با نفس، زیاده‌روی کردم؛ به راه راست برگشت و با علاقه‌ی صادقانه و پاداش بی‌ریا به معالجه‌ی بیماران پرداختم و مدتی را در این کار صرف کردم.

☜ **مشقّت طاعت در جنب نجات آخرت وزنی نیارد.**

(همان)

مشقّت: سختی، رنج **طاعت:** بندگی، عبادت **جنب:** مقابل

وزنی نیارد: ارزشی ندارد، بی‌ارزش است.

معنی: رنج عبادت در مقابل نجات آخرت بی‌ارزش است. (نجات آخرت ارزشمندتر از رنج عبادت است.)

☜ **داستان‌نویس نباید شیفته‌ی مدح دوستان و مرعوب ذمّ دشمنان شود و بداند که داستان‌نویسی، سهل ممتنع است.**

(زبان فارسی ۲ نظری)

مرعوب: وحشت‌زده **مدح:** ستایش **ذمّ:** سرزنش، نکوهش

سهل ممتنع: به نظر آسان ولی سخت

معنی: داستان‌نویس نباید مجذوب ستایش دوستان شود و از سرزنش دشمنان بترسد و بداند داستان‌نویسی به ظاهر آسان ولی دشوار است.

☜ **روزو شب با فخار ومباهات به تصدیقم می‌نگریست. پس از عزیمت وی همه‌ی تبعیدی‌ها رها شدند و چشمه‌های زلال در انتظارشان بود. باز زین برگرده‌ی کهرها و کرندها می‌نهادند و تاخت‌و تاز می‌کردند. آن‌ها ملامتم می‌کردند که چرا عمر را به بطالت می‌گذرانی! از وظائف دادیار رسیدگی به خلاف و پی‌گیری جنحه و جنایت و تعقیب بزهکار و مجازات جانی بود.**

(بخارای من، ایل من)

مباهات: افتخارکردن **تصدیق:** درست دانستن

عزیمت: بازگشت **گرده:** پشت، میان دوشانه

کرندها: اسبی که رنگ او میان زرد و بور باشد. **ملامت :** سرزنش

بطالت: بیهودگی، بیکاری **جنحه:** گناه، بزه

بزهکار:گناهکار، مجرم **جانی:** قاتل.

کهرها: رنگ سرخ مایل به تیرگی، اسب

معنی: روزو شب با فخارو افتخار به تصدیقم می‌نگریست پس از بازگشت وی همهٔ... باز زین بر پشت اسب‌ها می‌گذاشتند، آنها مرا سرزنش می‌کردند که چرا عمرت را بیهوده سپری می‌کنی! از وظایف دادیار... و پیگیری گناه و تعقیب گناهکار و مجازات قاتل بود.

☜ **از هرچه بوسهل مثال داد از کردار زشت در باب این مرد از ده، یکی کرده آمدی و بسیار محابا رفتی.**

(تاریخ بیهقی)

محابا رفتی: ملاحظه می‌شد، رعایت جانب او می‌شد **مثال:** دستور

حسنک: وزیر سلطان محمود غزنوی که با مسعود مخالفت کرد و با همدستی بوسهل زوزنی به دار آویخته شد.

بوسهل زوزنی: از منشیان و بزرگان مشهور دوره‌ی غزنوی است که در زمان مسعود به مقام تصدی «دیوان عرض» منصوب و مدتی عزل شد و بعد به مقام صاحب دیوانی رسالت مسعود و مردود رسید و اندکی پیش از سال ۴۵۰ هـ . ق درگذشت.

معنی: از کارهای زشتی که بوسهل دستور می‌داد تا درباره‌ی این مرد (حسنک) انجام شود، از ده‌تا یکی صورت می‌گرفت و بسیار ملاحظه می‌شد.

☜ **مرغ چون از زمین بالا پرد، اگرچه به آسمان نرسد، این قدر باشد که از دام دور افتد.**

(پله‌پله تا ملاقات خدا)

معنی: مرغ وقتی از زمین می‌پرد هرچند به آسمان نمی‌رسد؛ اما همین قدر ارزش دارد که از دام دور می‌شود. (تلاش و کوشش هر چند موجب موفقیت کامل نمی‌شود و تو را به کمال نمی‌رساند؛ اما از گرفتارشدن و خواری باز می‌دارد.)

☜ **گفتم هنوز لب و دندان روز خندان است و عروس نهار گشاده لب و دندان.**

(مقامات حمیدی)

خندان بودن لب و .... : کنایه از روشنایی اندک در هنگام غروب

عروس نهار: اضافهٔ تشبیهی

معنی: با خود گفتم هنوز هوا اندکی روشن است و غروب نشده است.

☜ **مرا نیز از عهده‌ی لوازم ریاست بیرون باید آمد و مواجب سیادت را به ادا رسانید.**

(کلیله و دمنه)

مواجب: ج موجب، لوازم، ابزار **سیادت:** سروری، آقایی.

معنی: من باید به آنچه که متعهد شده‌ام و مسئولیتش را پذیرفته‌ام، پایند باشم و وظایف خود را به عنوان مسئول انجام دهم.

☜ **از قنقلیان از مردینه، به بالای تازیانه زنده نگذاشتند.**

(تاریخ جهانگشا)

قنقلیان: نام قومی **مردینه:** مذکر/ به بالا، به اندازه، به بلندی

معنی: هر فرد مذکری را که قدش به اندازهٔ تازیانه بود، به قتل رساندند.

☜ **دولت، افتان و خیزان باید که پایدار باشد و دولتی که همواره می‌رود بر مراد، بی‌هیچ کراهیتی، یک بار خداوندش بیفتد.**

(تاریخ بیهقی)

دولت: اقبال، مقام، حکومت **افتان و خیزان:** پستی و بلندی

کراهیت: ناپسندی، زشتی **خداوند:** صاحب

معنی: اقبال و دولت پستی و بلندی دارد تا درنتیجه پایدار بماند وگرنه، دولتی که زیاد بماند، یکباره چنان می‌افتد که هرگز برنخیزد.

☜ **احمد گوید: چون به دهلیز سرای افشین رسیدم. حجّاب و مرتبه‌داران وی به جمله پیش من دویدند برعادت گذشته و ندانستند که مرا به عذری باز باید گردانید که افشین را سخت ناخوش و هول آید در چنان وقت، آمدن من نزدیک وی و مرا به سرای فرود آوردند و پرده برداشتند و من قوم را مثال دادم تا به دهلیز بنشینند.**

(همان)

دهلیز: دالان **حجّاب:** پرده‌داران **مرتبه‌داران:** مأموران تشریفات

هول: هائل و ترسناک، به‌کار رفتن اسم به جای صفت برای مبالغه در وصف

معنی: احمد می‌گوید: وقتی به دالان خانه‌ی افشین رسیدم. پرده‌داران و مأموران وی همگی مثل گذشته، پیش من دویدند و نمی‌دانستند مرا باید به بهانه‌ای برگردانند؛ زیرا افشین بسیار ناراحت و ترسناک بود

در آن زمان که من نزد او آمدم و مرا به درون خانه وارد کردند و من به کسان خود دستور دادم که در دالان خانه بنشینند.

طوطیی را با زاغ در قفس کردند. طوطی از مشاهده‌ی منظر ملعون و شمایل ناموزون او آزرده شد. عجب آنکه آن یک هم از مجاورت او به جان آمده بود که این چه بخت نگون است و ایام بوقلمون. لایق قدر من آن است که با زاغی به دیوار باغی بر خرامان همی رفتمی.

(گلستان)

زاغ: کلاغ
منظر: چهره، صورت
ملعون: لعنت شده، نفرین‌شده، ناپسند
شمایل: شکل، صورت
ناموزون: ناخوشایند
مجاورت: همسایگی
به جان.... : سخت آزرده شدن
ایام: روزگار
بوقلمون: رنگارنگ، نیرنگ باز
خرامان: با ناز راه رفتن

معنی: طوطی‌ای را با کلاغی در یک قفس گذاشتند. طوطی از دیدن چهرهٔ زشت و رخسار ناخوشایند او ناراحت شد. عجیب اینکه کلاغ هم از همسایگی با او بسیار ناراحت بود و با خود می‌گفت این چه بخت بدی است و روزگار نیرنگ باز. چرا با من چنین کرد؟ سزاوار من آن است که با کلاغی روی دیواری خرامان و با ناز راه بروم.

هرکجا سختی‌کشیده‌ای و تلخی‌دیده‌ای را ببینی که خود را به شره در کارهای مخوف اندازد و از توابع آن نپرهیزد و از عقوبت ایزد نهراسد و حلال از حرام نشناسد.

(همان)

شره: حرص و طمع
مخوف: ترسناک
توابع: نتیجه، عاقبت
عقوبت ایزد: عذاب و جزای آفریدگار

معنی: هرجا فرد سختی‌کشیده و رنجدیده‌ای را می‌بینی که خود را به خاطر حرص و طمع گرفتار کارهای ترسناک می‌کند و از عاقبت آن نمی‌هراسد و از عذاب الهی نمی‌ترسد و حلال را از حرام متمایز نمی‌کند.

شیخ ما را گفتند: «فلان کس بر روی آب می‌رود.» گفت: »زغن و مگس نیز در هوا می‌پرد.... این چنین چیزها را قیمتی نیست. مرد آن بود که در میان خلق بنشیند و برخیزد و بخورد و بخسبد و بخرد و بفروشد و در بازار در میان ستدو داد کند و زن خواهد و با خلق درآمیزد و یک لحظه از خدای غافل نباشد.»

(اسرارالتوحید)

زغن: پرنده‌ای شبیه به کلاغ بلکه کمی کوچکتر از آن است
قیمت: ارزش، اهمیت

معنی: به شیخ ما گفتند: «...» گفت: این چیزها ارزشی ندارد. مرد آن است که ... و ازدواج کند و با مردم معاشرت کند... .

نکات کلیدي

نکات لازم برای دریافت معانی متون نثر:

- آشنایی با لغات و عبارات دشوار و خاص، چون: اتّساق (فراهم‌آوری)، التئام (سازوار گردانیدن)، مقدّمات موهمه (معانی وهم‌انگیز)، قیاسات منتّجه (منطقی و به سامان بودن کلام)، بازداشتن (بازداشت کردن)، فروگذاشتن (زنده گذاشتن)، فطنت (زیرکی)، خبرت (دانایی)، سورت (تندی)، وصمت (عیب و ننگ)، دلیر (گستاخ)، طاعن (سرزنش کننده)، قبضه (مشت)، جادو (جادوگر)، نموده شد (نشان داده شد)، تعریک (گوشمال)، خسته (مجروح)، دلوک (فروشدن آفتاب یا زرد شدن)، تعصب (دشمنی)، حسبت (مزد)، زینهادار (امانت‌دار)، به بالای تازیانه (به بلندی تازیانه)، مردی دیداری (مردی اهل نظر)، گشاده‌کار (باجرأت)، سؤال (خواهش)، نَوَشتن (طی‌کردن)، تَکَس (هسته)، قد قناتی (قدی مانند نیزه راست)، وزنی نیارد (ارزشی ندارد)، روزگار مستغرق کردن (صرف کردن عمر) و ...
- شناخت آرایه‌های موجود در متن. مثلاً درک کنایات؛ مثل "در پوستین کسی افتادن" (بدگویی کردن)، سیر شدن (بیزار شدن)، خندان بودن لب و دندان روز (روشنایی اندک در هنگام غروب)، میان بستن (آماده بودن) و...، و استعاراتی چون منوّر روز (خورشید)، عطار سپهر به پرویز سحاب، کافور می‌بیخت؛ کافور (برف) و ...
- آشنایی با نکات دستوری متن. مثلاً کاربرد و معانی مختلف حروف:

یکی از پیران مردی را گفت....
به

همه کس را عقل خود به کمال نماید. عقلِ همه کس...
علامت فک اضافه

و یا به کار رفتن اسم به جای صفت برای مبالغه در وصف مانند:
افشین را سخت ناخوش و هول آید.
به جای هایل (ترسناک)

- دریافت مضمون کلی عبارت
- تشخیص عبارت‌ها و بیت‌های متناسب با مضمون عبارت مورد نظر

سوالات طبقه‌بندی شده نثر فارسی

۱- از مفهوم این عبارت کدام گزینه دریافت می‌شود؟« یکی از پیران مریدی را گفت: چندان که تعلق آدمی‌زاد به روزی است اگر به روزی‌ده بودی از ملائکه درگذشتی»

۱) اگر آدمی به خالق توجه کند مقامش از فرشتگان بالاتر می‌شود.
۲) اگر آدمی ده روز به خالق توجه کند هم‌شأن فرشتگان می‌شود.
۳) اگرچه آدمی به خالق توجه کند مقامش از فرشتگن کمتر است.
۴) اگر آدمی هم به رزق و هم به رزاق توجه کند به مقام فرشتگان می‌رسد.

۲- معنی قسمت مشخص شده در این عبارت در کدام گزینه آمده است؟«او آن ثقه بودی که موی در کار او نتوانستی خزید».

۱) کسی بر او خرده نتوانست گرفت.
۲) تیزبین و دقیق بود.
۳) کنجکاو بود.
۴) محافظ و محتاط بود.

۳- در این عبارت چند غلط املایی وجود دارد؟«به یمن قدم درویشان و صدق نفس ایشان زمائم اخلاقش به همائد مبدل شد و زبان تاعنان در حق وی همچنان دراز که بر قاعده‌ی اول است و سلاحش نامعول».

۱) دو
۲) سه
۳) پنج
۴) چهار

۴- مفهوم این عبارت چه امری را توصیه می‌کند؟«مشقت طاعت جنب نجات آخرت وزنی نیارد».

۱) بندگی
۲) عاقبت‌اندیشی
۳) شکیبایی
۴) بی‌توجهی به دنیا

۵- از مفهوم این عبارت کدام گزینه دریافت نمی‌شود؟«او رفت و این قوم که این مکر ساخته بودند نیز برفتند و این همه اسباب منازعت و مکاوحت از بهر حطام دنیا به یک سو نهادند»

۱) مرگ
۲) جنگ بهر مال دنیا
۳) ترک دشمنی
۴) موافقت و هم‌دلی

۶- عبارت«عطای او به لقایش بخشیدم» یعنی.....

۱) از بخشش او صرف نظر کردم.
۲) خواستار بخشش و دیدارش شدم.
۳) از بخشش او گذشتم و خواهان دیدارش شدم.
۴) بخشش او را به دیگران هدیه کردم.

۷- این عبارت چه امری را سفارش می‌کند؟« مرد آن است که چون ضرورتی پیش آید، محمل عزیمت بر غوارب اغتراب بندد و چون قمر عرصه‌ی مشارق و مغارب را بپیماید»

۱) ترک وطن
۲) غریب نوازی
۳) کنجکاوی
۴) تلاش و کوشش

۸- این واژه‌ها در کدام گزینه درست معنی شده است؟«تَکَس، جبان، پایمردی، خامل»

۱) هسته، پیشانی، استقامت، نادان
۲) آبدار، ترسو، شفاعت، نادان
۳) هسته، ترسو، شفاعت، گمنام
۴) نازک، پیشانی، میانجیگری، والامقام

۹- از مفهوم این عبارت کدام گزینه دریافت نمی‌شود؟«ذات بزرگوار ملک به جمال حلم و بسطت علم آراسته و متحلی است و اگر از گردش چرخ بلایی نازل گردد و بعضی نعمت‌های آسمانی را منغص گرداند، او از وصمت جزع و قلق منزه باشد و رضا را به قضا از فرایض شناسد»

۱) تسلیم در برابر تقدیر
۲) آرامش در بلا
۳) دانایی
۴) تدبیر در ناگواری

۱۰- از مفهوم این عبارت کدام گزینه دریافت نمی‌شود؟«هر کس گناه گنه‌کاران بر خداوندگار پوشیده دارد و خواهد که روی حال او به تزویر باطل در پرده‌ی تقریر حق نیکو فرا نماید و مقابح او در لباس محاسن جلوه‌ی تمویه دهد، خاین و غادر است»

۱) پنهان‌کاری ۲) ریاکاری ۳) خیانت ۴) جاسوسی

پاسخ سوالات طبقه‌بندی شده نثر فارسی

۱- گزینه «۱»

روزی: رزاق / روزی‌ده: خالق، روزی‌دهنده. از ملائکه در گذشتی: مقامش بالاتر از فرشتگان می‌شد.

۲- گزینه «۱»

۳- گزینه «۴»

زمائم (ذمائم) / همائد (حمائد)/ تاعنان (طاعنان) / سلاحش (صلاحش)

۴- گزینه «۱»

معنی عبارت: رنج / بندگی در برابر نجات آخرت بی‌ارزش است.

۵- گزینه «۴»

مکر: حیله/ منازعت: نزاع، دشمنی / مکاوحت: با هم جنگیدن/ حطام: مال اندک دنیا

۶- گزینه «۱»

۷- گزینه «۱»

محمل: کجاوه/ غوارب: دوش‌ها / اغتراب: به غریبی رفتن؛ معنی عبارت: کنایه از ترک وطن و به سفر رفتن.

۸- گزینه «۳»

۹- گزینه «۳»

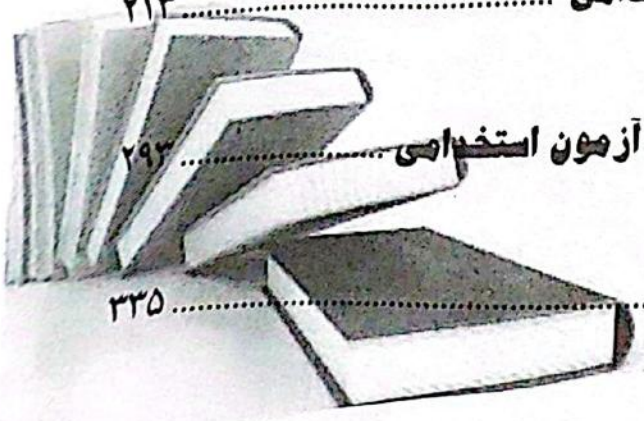
حلم: بردباری/ بسطت: فراخی، وسعت/ متحلی: آراسته/ منغض: ناگوار/ وصمت: عیب و ننگ/ جزع: زاری/ قلق: نگرانی، تشویش/ قضا: سرنوشت

۱۰- گزینه «۴»

تزویر: ریا/ مقابح: زشتی‌ها/ محاسن: نیکی‌ها/ تمویه: نیرنگ/ خاین : خیانتکار

فهرست مطالب

- **بخش هنرهای تجسمی** ۵
  - شرح درس و معرفی نکات برتر ۶
- **بخش عکاسی** ۲۷
  - شرح درس و معرفی نکات برتر ۲۸
- **بخش طراحی و تصویر سازی** ۶۳
  - شرح درس و معرفی نکات برتر ۶۴
- **بخش کارگاه گرافیک (خط در گرافیک، چاپ دستی و .....)** ۱۰۹
  - شرح درس و معرفی نکات برتر ۱۱۰
- **بخش کاربرد کامپیوتر و چاپ در گرافیک** ۱۸۹
  - شرح درس و معرفی نکات برتر ۱۹۰
- **بخش سؤالات ادوار گذشته‌ی آزمون استخدامی** ۲۱۳
- **بخش سؤالات تألیفی و شبیه‌سازی شده‌ی آزمون استخدامی** ۲۹۳
- **بخش ویژه‌نامه‌ی تخصصی شب امتحان** ۳۳۵



ARAH

مبانی هنرهای تجسمی

مبانی هنرهای تجسمی چیست؟

■ آنچه در روزگار ما در قالب هنرهای تجسمی جای می‌گیرد عبارت است از: عکاسی، گرافیک، نقاشی، طراحی و مجسمه‌سازی. معماری و طراحی صنعتی نیز اگرچه به‌طور سنتی جزو گرایش‌های هنر تجسمی به‌شمار می‌آیند، اما به دلیل کاربرد خاص آن‌ها و ارتباط با صنایع و علوم به صورت مستقل و کاربردی یا در ارتباط با صنایع از آن‌ها یاد می‌شود. به‌طورکلی می‌توان گفت همه هنرهایی که به صورت بصری ارائه یا دیده می‌شوند و با تصویر سروکار دارند اصول و مبانی مشترکی دارند که «مبانی هنرهای تجسمی» یا «مبانی هنرهای بصری» نامیده می‌شوند. بنابراین، در مبانی هنرهای تجسمی الفبای تجسم یا تصویر کردن و همچنین درک آثار هنرهای تجسمی را تجربه خواهیم کرد.

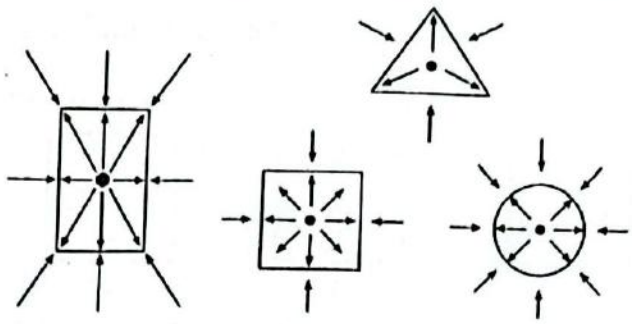
عناصر و کیفیت نیروهای بصری:

نکات برتر

عناصر و کیفیت نیروهای بصری در هنرهای تجسمی به دو بخش کلی تقسیم می‌شوند: بخشی که با آن‌ها به‌طور فیزیکی و ملموس سروکار داریم و همان عناصر بصری محسوب می‌شوند: مثل: نقطه، خط، سطح، رنگ، شکل، بافت، اندازه و تیرگی- روشنی. بخش دیگر کیفیات خاص بصری هستند که بیشتر حاصل تجربه و ممارست هنرمند در به‌کار بردن عناصر بصری می‌باشند، از قبیل تعادل، تناسب، هماهنگی و کنتراست که به نیروهای بصری یک اثر تجسمی استحکام می‌بخشند.

☑ **دیدن:** شرط دیدن اشیا و پدیده‌ها توسط عضو بینایی (چشم‌ها) وجود نور است و بدون وجود نور انسان قادر به دیدن نیست. بنابراین، عمل دیدن ارتباطی است که انسان در شرایط مساعد نوری از طریق عضو بینایی با جهان برقرار می‌کند. پیام‌های بصری شامل اطلاعاتی درباره خصوصیات ظاهری اشیا از قبیل نوع رنگ، میزان تیرگی- روشنی، اندازه و جنسیت آن‌ها است.

☑ **کادر در هنرهای بصری:** به‌طور کلی منظور از کادر در هنرهایی که با سطح سروکار دارند و بر سطح به وجود می‌آیند همان محدوده‌ای است که هنرمند برای ارائه و اجرای اثر خود برمی‌گزینند. کادر می‌تواند اندازه‌ها و شکل‌های گوناگونی داشته باشد. هنرمندان معمولاً ترکیب عناصر و نیروهای بصری کار خود را براساس کادر و فضای بصری، که در اختیار دارند سازمان‌دهی می‌کنند. در واقع هنرمند با انتخاب بخشی از فضا و جدا ساختن آن از سایر بخش‌ها و فضای پیرامون توسط کادری مشخص دو عمل انجام می‌دهد: اول این که ارتباط کادر را با محدوده‌ی داخلی اثر برقرار می‌کند و انرژی بصری را که از درون به بیرون گرایش دارد، محصور می‌سازد. دوم این که انرژی‌های بصری بیرون از کادر را که می‌خواهند به درون آن نفوذ کنند به کنترل درخواهد آورد.



انرژی بصری عناصر درون کادر با شکل کادر هماهنگ می‌شود و در همین حال تأثیرات خارجی را بر روی اثر محدود می‌کند.

نکات برتر

انرژی‌های بصری که از درون کادر سرچشمه می‌گیرند و نیروهای مشابهی که از بیرون به آن وارد می‌شوند، ساختار اصلی اثر و سازمان‌دهی عناصر بصری را در کادر تحت تأثیر قرار می‌دهند. می‌توان گفت با توجه به شکل کادر است که هنرمند عناصر بصری را در اثر خود سازمان‌دهی می‌کند و روابط آن‌ها را با یکدیگر در ترکیبی مناسب برای نمایش موضوعی خاص شکل می‌دهد. فضای درونی یک کادر زمانی معنا پیدا می‌کند که یک عنصر بصری در درون کادر انرژی بصری آن را فعال کند.

عناصر بصری

(نقطه، خط، سطح و حجم):

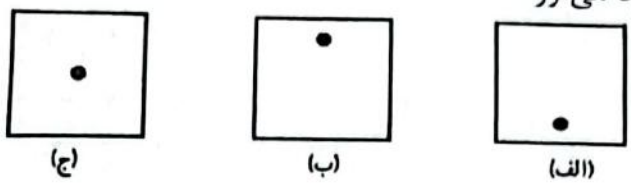
☑ **نقطه:** نقطه‌ی تجسمی ممکن است به وسیله ی یک ابزار اثرگذار به وجود آید. مثل اثر یک مداد، یک قلم‌مو یا فشار و ضربه‌ی چیزی سخت به روی یک سطح یا مثل یک لکه‌ی روشن بر سطح تیره و بالعکس. نقطه‌ی تجسمی ممکن است به وسیله‌ی جسمی که دارای حجم نسبتاً کوچکی است در فضا شکل بگیرد و یا بخش فرورفته یا برجسته‌ی یک اثر حجمی باشد.

نکات برتر

بنابراین، نقطه در زبان هنر تجسمی چیزی است کاملاً ملموس و بصری که بخشی از اثر تجسمی را تشکیل می‌دهد و دارای شکل و اندازه‌ی نسبی است. نقطه‌ی تجسمی نه‌تنها در آثار هنرمندان دیده می‌شود، بلکه در طبیعت و محیط پیرامون ما نیز قابل تشخیص است. ستاره‌های روشن یا لکه‌ی سفید ماه در پهنه‌ی آسمان تیره‌ی شب، یک تک درخت در پهنه‌ی دشتی وسیع، جای پاهایی که بر ساحل شنی کنار دریا برجای می‌ماند، یک پرنده و یا یک لکه‌ی ابر در پهنه‌ی آسمان می‌توانند به عنوان نقاط تجسمی در طبیعت تصور شوند.

■ با این مثال‌ها روشن می‌شود که نقطه‌ی تجسمی شکل خاصی ندارد و اندازه‌ی آن نیز نسبی است. بنابراین محدوده‌ی فضا یا یک سطح که همان کادر است نقش تعیین‌کننده‌ای در تشخیص دادن نقطه‌ی تجسمی و معنا پیدا کردن آن دارد. در صورتی که اندازه لکه یا عنصر بصری نسبت به کادر به قدری کوچک باشد که به‌طور معمول نتوانیم جزئیات آن‌ها را به صورت سطح یا حجم تشخیص بدهیم، می‌توانیم به آن نقطه تجسمی یا بصری بگوییم.

☑ **موقعیت‌های مختلف نقطه:** بسته به این که نقطه‌ی بصری در کجای کادر قرار گرفته باشد موقعیت‌های متفاوتی را به وجود می‌آورد.



■ موقعیت‌های مختلف نقطه در کادر معانی متفاوتی مثل سبکی، سنگینی، تعلیق، اوج، فرود و ... را به وجود خواهد آورد. گاهی ممکن است نقطه به‌عنوان کوچک‌ترین بخش تصویر تلقی شود. در این صورت در اثر تراکم نقطه‌های تیره، تیرگی حاصل می‌شود و در اثر پراکندگی آن‌ها روشنی دیده می‌شود.

■ برخی از هنرمندان نقاش از این خصوصیت برای ایجاد سایه روشن در طراحی استفاده می‌کنند و یا در نقاشی‌های خود رنگ‌های خالص را به صورت نقطه‌نقطه در کنار هم قرار می‌دهند. تا از تلفیق آن‌ها در چشم بیننده رنگ‌های ترکیبی دیده شود. در فن چاپ نیز در اثر تراکم ترام‌های سیاه یا رنگی که در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند تصویر با درجات خاکستری و یا تصویر رنگی ایجاد می‌شود.

☑ **خط: منظور از خط تجسمی معنایی نسبی از خط است و آن نشان دادن یک حرکت ممتد و پیوسته بر سطح یا در فضاست. بنابر این می‌تواند دوبعدی یا سه‌بعدی باشد.**

■ مثلاً یک قطار در حال حرکت از فاصله‌ای دور به صورت یک خط ممتد دیده می‌شود. درحالی که وقتی با قطار مسافرت می‌کنیم و در داخل آن هستیم دیگر این برداشت بصری را نداریم. بنابراین در تعریف تجسمی خط عبارت است از حرکت یا شکل ممتد بصری خواه بدون ضخامت و به صورت دوبعدی و خواه با داشتن ضخامت و برجستگی یا فرورفتگی؛ مثل بخش‌هایی از یک نقش برجسته، حجم، خط و مرز پیرامون یک سطح، محل برخورد دو سطح با دو زاویه مختلف مثل دیوار کلاس و سقف، مرز حاصل از تباین دو سطح با رنگ مختلف یا با تیرگی متفاوت و اثر حرکت مداد، قلم‌مو یا یک شیء نوک‌تیز بر یک صفحه.

☑ **جهت خط: خطوط تجسمی براساس جهت حرکت مداوم در یک مسیر کلی به چهار دسته‌ی اصلی تقسیم می‌شوند که عبارتند از:** ✓ خطوط عمودی که در طبیعت به شکل تنه درختان، تیرهای برق و ساختمان‌های مرتفع دیده می‌شوند. این نوع خط در یک اثر تجسمی ممکن است به مفهوم ایستادگی، مظهر مقاومت و استحکام باشد و یا صرفاً رابطه‌ی مناسبی را از نظر بصری و زیبایی‌شناسی با سایر خطوط و اشکال یک ترکیب به‌وجود بیاورد. ✓ خطوط افقی که در طبیعت به صورت سطح زمین، خط افق، پهنه دریا، یا یک انسان خوابیده دیده می‌شود. این نوع خط در یک اثر تجسمی ممکن است برای نشان دادن آرامش، سکون و اعتدال باشد و یا صرفاً رابطه‌ی مناسبی را از نظر بصری و زیبایی‌شناسی با سایر خطوط و عناصر یک ترکیب به نمایش بگذارد. ✓ خطوط مایل که معمولاً در طبیعت به شکل کناره‌های کوه، خط رعد در آسمان و سراشیبی دیده می‌شوند و در یک اثر تجسمی ممکن است برای نشان دادن تحرک، پویایی، خشونت و عدم سکون و ثبات اختیار شوند. با این که رابطه‌ی مناسبی را از نظر بصری با سایر عناصر یک ترکیب ایجاد کنند. ✓ خطوط منحنی که معمولاً در طبیعت به شکل تپه‌ماهور، انتشار امواج، پستی و بلندی زمین و حرکت بعضی از جانوران دیده می‌شوند و در یک اثر تجسمی ممکن است برای نمایش حرکت سیال و مداوم، ملایمت و ملاطفت به‌کار گرفته شوند با این که صرفاً رابطه‌ی مناسبی را از نظر بصری با سایر خطوط و عناصر یک ترکیب ایجاد کنند.

☑ **حالت خط: چهار دسته اصلی خطوط می‌توانند در مسیر حرکت خود دارای شرایط زیر باشند:**

✓ ضخیم یا نازک، قوی یا ضعیف، تیره یا روشن شوند.

✓ به صورت خطوط باریک و یا ضخیم یکنواخت باشند.

✓ می‌توانند در جهت مسیر اصلی خود به صورت بریده‌بریده و یا ممتد باشند.

✓ می‌توانند در جهت مسیر اصلی خود به شکل زیگزاگ، شکسته و یا موجی درآیند.

✓ می‌توانند به صورت منظم و یا نامنظم در مسیر اصلی حرکت خود تغییر جهت دهند.

☑ **کاربرد خط:**

نکات برتر

خط عنصر اصلی طراحی است. ترسیم خطوط پیرامونی یک شکل می‌تواند تصویر اشیا را به نمایش بگذارد؛ تراکم و انبساط هاشورها حجم و سایه روشن را نشان می‌دهد؛ با ضخیم و نازک کردن خط در طراحی، قسمت‌های سایه‌دار مشخص می‌شوند و حالت خطوط جنسیت و بافت اشیاء را از لحاظ نرمی، سختی و استحکام مشخص می‌کند.

■ در نقاشی ایرانی خط همواره جایگاهی پراهمیت دارد و ضمن نمایش طرح و ترکیب اشکال و اجزای اثر، در ایجاد وحدت بصری و ارتباط میان عناصر ترکیب نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. در هنر گرافیک استفاده از خط کاربردهای متنوعی را در طراحی نشانه، در طراحی و ساخت اعلان، تصویرسازی و صفحه‌آرایی دارد. همچنان که در طراحی لباس، نقشه‌کشی، طراحی صنعتی، مجسمه‌سازی و عکاسی نیز خط همواره پایه اصلی اجرا و ترکیب بصری اثر را به عهده دارد.

☑ **سطح:** در هنر تجسمی سطح را به انحای مختلف می‌توان تجسم بخشید و به وجود آورد. به‌عنوان مثال از حرکت یک پاره‌خط در فضا یا روی صفحه در یک جهت خاص سطح ساخته می‌شود. همچنین اگر نقطه‌ای را در دو بعد گسترش دهیم سطح تشکیل می‌شود و به همین ترتیب فضای تجسمی میان حداقل سه نقطه‌ی جدا از هم و یا فضای بین دو پاره‌خط می‌تواند سطح را تداعی کند.

نکات برتر

عموماً در یک تابلو نقاشی همه چیز روی سطح بیان می‌شود. در نقاشی طبیعت‌گرا سطوح نمایش دهنده‌ی وجود مختلف اجسام و اشیاء در طبیعت پیرامون ما هستند و از اتصال آن‌ها به یکدیگر و تغییر شکل آن‌ها در اثر عمق نمایی توهم حجم و دوری و نزدیکی به وجود می‌آید. اما در نقاشی انتزاعی سطح‌ها بیانگر و نمایش‌دهنده‌ی شیء خاصی نیستند و گاه یک اثر انتزاعی فقط از طریق ترکیب چند سطح با بافت‌ها، رنگ‌ها یا تیرگی و روشنی‌های مختلف به‌وجود می‌آید.

■ همه‌ی سطح‌ها از سه شکل هندسی دایره، مربع، مثلث یا ترکیبی از آن‌ها به‌وجود می‌آیند.

■ **دایره:** دایره شکل کاملی است که حرکت جاودانه و مداومی را نشان می‌دهد. چرخش و حرکت مدام اجزای یک ماشین در صنعت، تکرار و حرکت به صورت مستمر در طبیعت مثل آمد و شد فصل‌ها، آمدن شب و روز، هفته‌ها، ماه‌ها و سال‌ها که به‌عنوان گردش روزگار از آن نام برده می‌شود، آسمان بلند که شعرا به آن دایره

مبنایی می‌گویند همه و همه نشان‌دهنده‌ی تناسبی است که میان شکل دایره و اشکال متنوع حیات و طبیعت وجود دارد. درعین حال دایره نماد نرمی، لطافت، سیالیت، تکرار، درون‌گرایی، آرامش روحانی و آسمانی، پاکی و صمیمیت و آن جهانی بودن به‌شمار می‌آید. به همین دلیل دایره همیشه به‌عنوان یک شکل کامل مورد توجه هنرمندان بوده است و بسیاری از هنرمندان در شرق و غرب سعی کرده‌اند آثار خود را بر مبنای دایره و یا ترکیب‌هایی از دایره به وجود بیاورند. **مربع:** مربع یکی دیگر از شکل های پایه و ساده‌ی هندسی است که از چهار ضلع و چهار زاویه مساوی ساخته می‌شود. مربع برخلاف دایره نماد صلابت، استحکام و سکون است. این شکل مظهر قدرت زمین و مادی و درعین حال از زیباترین اشکال هندسی است.

■ **مثلث:** مثلث متساوی‌الاضلاع نیز دارای سه ضلع و سه زاویه‌ی مساوی است. هنگامی که این شکل بر سطح قاعده‌اش قرار بگیرد پایدارترین شکل هندسی است و مثل یک کوه استوار به نظر می‌رسد. اما چنانچه بر یکی از رأس‌های خود قرار بگیرد حالتی کاملاً ناپایدار و متزلزل دارد. مثلث به واسطه‌ی زوایای تندی که دارد سطحی مهاجم و شکلی ستیزنده به نظر می‌رسد که همواره در حال تحول و پویایی است.

☑ **حجم:**

نکات برتر

در هنر تجسمی چنانچه یک نقطه را در سه بعد گسترش دهیم و یا یک پاره‌خط را در جهت‌های مختلف حرکت دهیم، تجسمی از حجم به‌وجود می‌آید و به همین جهت در هنر تجسمی حجم ممکن است همیشه ملموس و مادی نباشد ولی از نظر بصری وجود داشته باشد که در این صورت می‌توان به آن حجم مجازی گفت.

■ **حجم‌های پایه:** همان‌طور که سه شکل دایره، مربع و مثلث به عنوان اشکال پایه برای سطح نام برده شدند، کره، مکعب و هرم را نیز می‌توان به‌عنوان اجسام هندسی پایه نام برد.

☑ **حجم نمایی در نقاشی:** در نقاشی و طراحی حجم با ترفند برجسه نمایی به وسیله‌ی سایه- روشن و رنگ و یا با تغییرشکل و اندازه‌ی اشکال در اثر عمق‌نمایی خطی القا می‌شود.

☑ **حجم در مجسمه‌سازی:** حجم، عنصر اصلی کار مجسمه‌سازان است. ارزش و اهمیت حجم به تمام و کمال در مجسمه‌سازی و کار با حجم ظاهر می‌شود. به ویژه با توجه به قابلیت‌های مختلف مواد در شکل‌پذیری، رنگ، بافت و جنسیت، ارزش‌های بصری حجم‌ها در حجم‌سازی مطرح می‌شود.

نکته‌برتر: نمایش حجم در فضا و روابط متقابل آن با فضای پیرامونش اصل مهم مجسمه‌سازی است. این روابط در نقش برجسته‌سازی که از یک سو با نقاشی و از سوی دیگر با معماری در ارتباط است اهمیتی به‌سزا دارد.

☑ **نور و حجم:** نقش نور در بازنمایی حجم و خصوصیات آن نیز شایسته توجه است. به‌طور دقیق‌تر این نور است که امکان رؤیت اجسام را در فضا برای ما به‌وجود می‌آورد. از این جهت معمولاً هنرمندان به وسیله‌ی روابط پیچیده‌ای که حجم با فضا دارد نقش نور را در آثار خود مورد مطالعه و ارزیابی قرار می‌دهند. به ویژه این که بسیاری از مجسمه‌ها و نقش برجسته‌ها بدون رنگ‌پردازی ساخته می‌شوند و به همین نسبت توجه به میزان تیرگی و روشنی برجستگی‌ها و فرورفتگی‌ها و ایجاد سایه‌هایی که در اثر تابش نور به روی آن‌ها شکل می‌گیرد قابل اهمیت است.

شکل، ترکیب و بافت

شکل:

■ در هنرهای تجسمی به‌کارگیری واژه‌ی شکل برای بیان حالت و ویژگی‌های تصویری بسیار متنوع است و به همین نسبت هم معنای متعددی از این کلمه به ذهن متبادر می‌شود. واژه‌ی شکل را می‌تواند به‌عنوان معادلی برای واژه‌ی فُرم استفاده کرد. زیرا این دو واژه کاربردهای مشابهی در هنر تجسمی دارند.

نکات برتر

به‌طورکلی، شکل هم به سطح دوبعدی و هم به حجم و هم به نمایش تصویری شکل‌ها و حجم‌ها گفته می‌شود. به بیان دیگر به تصاویری که برای نمایش دوبُعدی یا سه‌بُعدی اشیا و موضوعات به روی سطح ترسیم می‌شوند، شکل می‌گویند.

☑ **انواع شکل:** از نظر قیافه یا حالت، شکل‌ها یا هندسی و ساده هستند، مثل دایره، مثل و چهارگوش و یا تلفیقی پیچیده و مرکب از شکل‌های ساده می‌باشند، مثل شکل‌های آلی موجودات زنده، سنگ‌ها و درختان.

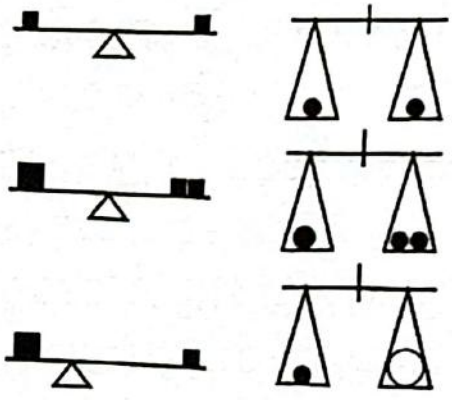
ترکیب:

■ برای سامان‌بخشیدن به یک طرح یا اثر تجسمی توجه به چگونگی ترکیب کردن عناصر بصری و اجزای آن از مهم‌ترین مراحل کار یک هنرمند است. چرا که ایجاد یک ترکیب موفق هم در جلب توجه مخاطب و بیننده مؤثر است و هم در رساندن پیام بصری مورد نظر هنرمند به مخاطب.

نکته‌برتر: در یک ترکیب موفق اجزا از کل اثر قابل تفکیک نیستند. همچنان که صورت یک اثر از محتوای آن قابل تفکیک نیست. زیرا یک اثر وحدت یافته معنایی فراتر و کلی‌تر از اجزای خود دارد.

☑ **زمینه و کادر:** در یک ترکیب وجود زمینه برای ایجاد ارتباط بصری میان عناصر و معنی‌دار شدن شکل‌ها الزامی است. زیرا بدون وجود زمینه، شکل نخواهد توانست معنی خود را به مخاطب منتقل کند.

نکته‌برتر: علاوه بر کادر که ساختار اصلی اثر در ارتباط با آن شکل می‌گیرد، وجود سه عامل در به‌وجود آوردن یک ترکیب موفق بصری الزامی است: ۱- وجود تعادل بصری؛ ۲- وجود تناسب و هماهنگی میان عناصر مختلف یک ترکیب؛ ۳- وجود رابطه‌ی هماهنگ اجزا با کل و با موضوع اثر.



■ وجود محور میانی تصویر به‌عنوان مرکز ثقلی برای سنجیدن تعادل در ترکیب عمل می‌کند.

نکات برتر

در بسیاری از آثار ترکیب‌ها براساس ساختارهای هندسی شکل می‌گیرند. هنرمندان دوره‌ی رنسانس ساختار ترکیب بسیاری از آثار خود را براساس اشکال هندسی مثلث، دایره و چندضلعی به‌وجود آوردند. آن‌ها برای ایجاد یک ساختار مستحکم و متعادل زیرساخت ترکیب آثار خود را براساس شکل‌های هندسی ساخته‌اند. در آثار نقاشی قدیمی ایرانی نیز استفاده از زیرساخت منحنی و دایره مرسوم بوده است.

☑ **انواع ترکیب:** به‌طورکلی می‌توان از دو نوع ترکیب قرینه و ترکیب غیرقرینه نام برد. در ترکیب قرینه شکل‌ها و عناصر اصلی ترکیب با توجه به محورهای افقی، عمودی و مورب که کادر را به دو قسمت مساوی تقسیم می‌کنند ساماندهی می‌شوند. این ترکیب ساده‌ترین توازن بصری را به وجود می‌آورد. در ترکیب غیرقرینه عناصر و شکل‌های اصلی ترکیب نه براساس محورهای عمودی، افقی و مورب وسط کادر، بلکه براساس ارزش‌های بصری خودشان (رنگ، تیرگی، روشنی، بافت و بزرگی و جهت شکل) در کادر قرار می‌گیرند.

☑ **انواع دیگر ترکیب:**

■ **ترکیب مواج:** این نوع ترکیب بیانگر شور جنون‌آسا و جنبش پرتحرک معاصر است و آثار اکسپرسیونیست‌ها را تداعی می‌کند. معادل روحیات طوفان‌زده و نیز نمودی عینی از نیروها و انرژی‌های طبیعی یا فردی است. اما گاه در دست هنرمندی دیگر، حرکت مواج و آرام خطوط، ممکن است تأثیری متضاد با گروه پیش گفته، ایجاد کند و تأثیری چشم‌نوازتر داشته باشد.

■ **ترکیب حلزونی:** ترکیبی است که بیشتر در روابط عناصر موجود در نگارگری سنتی دیده می‌شود.

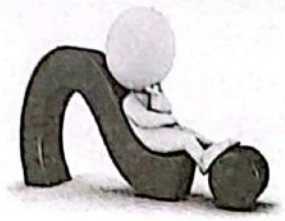
■ **ترکیب منتشر (allover):** در ترکیب منتشر (فراگیر)، که آن را می‌توان نوعی ترکیب غیرمتمرکز دانست، نقطه‌ی عطف و توجه، فضای مثبت و منفی، نور متمرکز، ایستایی، و غیره، جایی ندارد. ولی در عوض، تداوم، گسترش، استمرار و پویایی جایگزین آن‌ها شده است. این ترکیب، بیشتر در آثار و صنایع دستی ایرانی‌ها، ژاپنی‌ها، چینی‌ها و به‌خصوص آثار هنرمندان مدرن دیده می‌شود.

■ **ترکیب متمرکز و غیرمتمرکز:** در برخی از ترکیب‌بندی‌ها، شاهد نوعی ترکیب «متمرکز»ایم که هسته‌ی اصلی‌اش را فقط یک یا چند عنصر، شکل می‌دهند. چنانچه، عناصر دیگری در تصویر باشند، همه در جهت جلب بیننده به نقطه‌ی مورد نظر عمل می‌کنند. این ترکیب، بیشتر ویژه‌ی دوره‌ی رنسانس است. انسان در آثار این دوره در مرکز ترکیب‌بندی است و دیگر عناصر سازنده‌ی اثر، همه در جلب توجه بیننده سهیم‌اند. از مهم‌ترین آثار متمرکز، می‌توان به نقاشی دیواری شام آخر داوینچی (۱۵۱۹- ۱۴۵۲ میلادی) اشاره کرد که حضرت مسیح (ع) در کانون تصویر قرار دارد.

■ **ترکیب اُریب:** این نوع ترکیب به علت پویایی، از ترکیب‌های مورد استفاده و مورد علاقه در آثار دوره‌ی باروک و نیز هنرمندان معاصر بوده است. وجود حرکت اُریب در تصاویر نمایشی از ناایستایی و بی‌تعادلی است، ولی هنرمندان معاصر، از ریتم پویا در خط و حرکت اُریب بهره می‌برند و براساس آن ساختار آثارشان را تنظیم می‌کنند.

■ **ترکیب مثلثی:** این نوع ترکیب، تا حدی با ترکیب قرینه شباهت دارد، ولی از قوانین خاص قرینگی پیروی نمی‌کند. ترکیب مثلثی استحکام خوبی دارد و ترکیب عمده‌ی دوره‌ی ابتدایی رنسانس بوده است.

سؤالات ادوار گذشته‌ی آزمون استخدامی



قوی‌ترین تضادها در چرخه رنگ بین کدام دو رنگ حاکم است؟ TEST

۱) آبی- نارنجی ۲) سیاه- سفید ۳) قرمز- سبز ۴) زرد- بنفش

■ **پاسخ: گزینه «۴» صحیح است.** زرد تراکمی از رنگ سفید است. از میان ته‌رنگ‌ها، زرد روشن‌ترین رنگ است. رنگ زرد از نظر سمبلیک با فهم و دانایی ارتباط دارد. رنگ بنفش ترکیبی از رنگ‌های آبی و قرمز است. بنفش رنگ مقابل زرد در دایره رنگ است و با آن تضاد شدیدی دارد. زرد نماد هوش و دانایی است و بنفش نماد بی‌خبری- بی‌اختیاری و دشواری است.

در نظر کدام‌یک از متفکران ایرانی، نور محمدی بر حقیقت ملکوتی پیام ادیان و حکمت‌های پیشینیان مثل فیثاغورس گرفته تا زرتشت، می‌تابد؟ TEST

۱) ابن‌سینا ۲) سهروردی ۳) ملاصدرا ۴) فارابی

■ **پاسخ: گزینه «۲» صحیح است.** سهروردی میان فرهنگ ایران باستان و فرهنگ اسلامی اتصالی برقرار کرده است و می‌گوید این نور به تمام و کمال در شعله فراگیر عالم، نور محمدی است. از نظر سهروردی نور محمدی بر حقیقت ملکوتی پیام ادیان و حکمت‌های پیشین می‌تابد.

موضوع‌های انتخابی این نقاش، عدد، دایره‌ی نشانه‌گیری، پرچم، نقشه جغرافیا و نمودار بود؟ TEST

۱) ژان دوبفه ۲) گوستاو کلیمت ۳) جاسپر جونز ۴) امیل سورا

■ **پاسخ: گزینه «۳» صحیح است.** جونز اوایل دهه ۱۹۵۰ در کارش به رابرت رائوشنبرک و پاپ آرت آمریکایی نزدیک بود. اما همواره از اسلوب نقاشانه اکسپرسیونیسم انتزاعی بهره می‌گرفت. موضوع آثار جونز: اعداد، دایره نشانه‌گیری، پرچم، نقشه جغرافیا، نمودار، کاملاً عینی، طنزآمیز و دوپهلو هستند.

گوته، شاعر مشهور آلمانی، معتقد بود که این نوع کنتراست فواید زیبایی‌شناختی رنگ را تعیین می‌کند.

۱) همزمان ۲) مکمل ۳) اشباع ۴) تیره و روشن

■ **پاسخ: گزینه «۱» صحیح است.**

کدام هنرمند در آثارش از ترکیب‌بندی مواج استفاده می‌نمود؟ TEST

۱) پیرو مانزومی ۲) وان گوگ ۳) اندی وارهول ۴) پیکاسو

■ **پاسخ: گزینه «۲» صحیح است.** رسیدن به یک معنای خاص در کادر بستگی زیادی به نوع ترکیب‌بندی آن دارد. ترکیب‌بندی انواع گوناگونی دارد مثل ترکیب‌بندی عمودی، افقی، مواج، مدور، متقاطع و غیره. ترکیب‌بندی مواج: ترکیب‌های مواج به دو گونه معرفی می‌شوند: نخست ترکیبی که معرف التهاب و اضطراب درون است مثل آثار ون‌گوگ و دیگری ترکیب‌های مواجی که به تنظیمی موزون و حساب شده.

مصریان قدیم در خط هیروگلیف برای واژه‌ی «مزرعه» یا «میدان»، از کدام شکل استفاده می‌کردند؟

۱) مثلث ۲) مربع ۳) دایره ۴) بیضی